



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
مقراتر است و فناوری آموزشی

ISSN : 1606-9102

آموزشی آبشار

رشد

ماهنامه‌ی آموزشی، تعلیمی و اطلاع‌رسانی
برای آموزگاران، دانشجو معلمان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش
دوره‌ی بیست و پنجم | دی ۱۴۰۰ | شماره‌ی پانزدهم | ۷۸ صفحه
www.roshdmag.ir | ۵۲۰۰۰ ریال

محل آزمون:
منزل

• یهویی، دور هم
• قلب آزاد



من، به عنوان آموزگار امروزی

- سعی می‌کنم از حاشیه‌ی امن خودم بیرون بیایم و راه‌های جدید را امتحان کنم.
- به دانش‌آموزانم اجازه می‌دهم آموخته‌هایشان را از هر روشی که می‌توانند ارائه کنند.
- در زمان تدریس همواره تلاش می‌کنم با دانش‌آموزانم ارتباط چهره‌به‌چهره برقرار کنم.
- به این باور رسیده‌ام که اگر من هم در کلاس، یک دانش‌آموز شوم، بیشتر لذت خواهم برد.
- فرصت‌ها و شرایطی را در اختیار دانش‌آموزانم قرار می‌دهم که کمک کند خلاقیتشان شکوفا شود.
- سعی می‌کنم دانش‌آموزانم بر دانش خود تأمل و نظراتشان را در گروه‌های مجازی مطرح و هم‌فکری کنند.
- مهمانانی را به کلاس دعوت می‌کنم (چه به صورت حضوری و چه به صورت مجازی) تا دانش و دید جهانی دانش‌آموزان نسبت به هر موضوعی وسیع‌تر شود.
- به دانش‌آموزانم یاد می‌دهم، اگر در شرایطی اضطراری مثل کرونا مجبور به استفاده از فضای مجازی شدند، چگونه امنیت خود را حفظ کنند و شهروندان دیجیتال خوبی باشند. مقصود از شهروند دیجیتال خوب، برخط‌شدن در شرایط مقرر و داشتن تعامل با دیگران در رسانه‌های اجتماعی است.

آموزشی ابتداری

رشد

۴

ماهنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی
برای آموزگاران، دانشجویان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش
دوره‌ی بیست و پنجم | دی ۱۴۰۰ | شماره‌ی پی‌درپی ۲۰۱ | ۴۸ صفحه | ۵۳۰۰۰ ریال
www.roshdmag.ir



نظر تان را درباره‌ی
مجله اعلام کنید.

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی



فهرست

- ۲ عبور از هاله‌ی پندار | کبری محمودی
- ۳ چهارشنبه‌بازار | طاهره ملک‌زاده
- ۴ یادمان باشد | زهرا نظام‌الدینی
- ۶ بچه‌ها دنیا را به من دادند | زهره پیرهادی
- ۸ ارزش انگیزشی ارزشیابی | ابراهیم اصلاهی
- ۱۰ محل آزمون: منزل | زهرا نصیری
- ۱۲ وصل هستی؛ شروع کنید | عاطفه فرهادی
- ۱۴ مدرسه‌ها کوچک‌تر می‌شوند | مرتضی مجدفر
- ۱۶ عاطفه در انزوا | نامدار اعتمادی؛ مهری حسونند
- ۱۸ هر کسی کار خودش | سیده‌خدیجه حسینی
- ۱۹ وحید و حمید برادرند | نورالله احمدی
- ۲۰ نگاهی را شنیدم | آمنه هادی‌زاده
- ۲۲ سه‌دور و خرده‌ای | رسول مظفر
- ۲۳ میم آخر، میم غیر آخر | ثریا گرچی دیزآبادی
- ۲۴ یادگیری امتحانی | کبری محمودی
- ۲۶ گوش بدهیم، نشنویم | لیلا سلیقه‌دار
- ۲۸ در آمدآموز باشید | فاطمه دولتی
- ۳۰ آموزش علمی | معصومه فروش
- ۳۴ قلب آزاد | معصومه میرابوطالبی
- ۳۶ واقعیت را دنبال کن | سیدغلامرضا فلسفی
- ۳۸ یهو، دور هم | سعیده نادرپور
- ۴۰ شبکه‌ی املا | تمنا رستگار
- ۴۲ من موافقم، اما مخالفم | مریم شهرآبادی
- ۴۴ علم عملی | احمدرضا اعرابی
- ۴۶ تغییر حسایی | بهزاد قباخلو
- ۴۸ راز ماندگاری | اعظم لاریجانی



اللهم صل علی محمد و آل محمد

فرم اشتراک مجله



مدیر مسئول: محمد صالح مذنبی

سر دبیر: کبری محمودی

شورای برنامه‌ریزی: مژگان آژیده، مهشید باستانی پورمقدم،

محمد علی قربانی، مرتضی مجدفر و اصغر ندیری

مدیر داخلی: مریم شهرآبادی

ویراستار: زهرا نظام‌الدینی

مدیر هنری: کوروش یارسانژاد

طراح گرافیک: وحید حق

دبیر عکس: اعظم لاریجانی

نشانی دفتر مجله: تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶

تلفن: ۸۸۸۳۹۱۷۸ - ۰۲۱

۸۸۸۳۱۱۶۱ - ۰۲۱ (داخلی ۵۱۱)

نمبر: ۸۸۳۰۱۴۷۸ - ۰۲۱

وبگاه اختصاصی: www.eb.roshdmag.ir

وبگاه: www.roshdmag.ir

رایانامه: ebtedayi@roshdmag.ir

چاپ و توزیع: شرکت افست

صندوق پستی امور مشترکین: ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱

تلفن امور مشترکین: ۸۸۸۶۷۳۰۸ - ۰۲۱

قابل توجه نویسندگان و مترجمان

مقاله‌ای که برای درج در مجله می‌فرستید:

● با اهداف و رویکردهای آموزشی - تربیتی و فرهنگی این مجله مرتبط باشد.

● قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد.

● در حد ۱۲۰۰ کلمه و خلاصه‌ای علمی - آموزشی باشد.

● در قالب «ورد» و از طریق پیام‌نگار و راههای ارتباطی مجله فرستاده شود.

● روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد.

● محل قرار گرفتن جدول، شکل و عکس در متن مشخص شود.

● چکیده داشته باشد یا هدف‌ها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود.

● معرفی‌نامه‌ی کوتاهی از نویسنده یا مترجم، عنوان و آثار وی پیوست شود.

● اگر ترجمه است، متن اصلی نیز همراه آن باشد.

● لازم به ذکر است:

● مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌ی رسیده مختار است.

● مقاله‌ی دریافتی بازگردانده نمی‌شود.

● آرای مندرج در مقاله ضرورتاً تأمین رأی و نظر مسئولان مجله نیست.

● عکس‌های مدرسه‌ای‌تان را منتشر نمی‌کنیم.

● عکس‌های مدرسه‌هایی که در مجله می‌بینید، قبل از

دوران شیوع کرونا گرفته شده‌اند.



کبری محمودی

عبور از هاله‌ی پندار

دی ماه که می شود و فصل امتحانات فرا می‌رسد، ادوارد ثوراندایک، روان‌شناس آمریکایی و کاشف «اثر شاخ» را با خاطره‌ای شیرین یاد می‌کنم: سال‌های اول تدریسم بود. فهرست دانش‌آموزان پایه‌ی سوم را که تحویل گرفتم، بعد از نگاه مختصری به اسامی، رفتم پیش همکار پایه‌ی دوم و از او خواستم درباره‌ی شاگردان سال گذشته‌اش که امسال دانش‌آموزان من هستند، برایم مختصری بگوید و معرفی‌شان کند. او نداشتن وقت را بهانه کرد و خواست که پیش مدیر مدرسه بروم.

مدیر که شاید منتظر من بود، شروع کرد به تعریف از آن‌ها که چنین هستند و چنان. احساس کردم بهترین کلاس ممکن را تحویل گرفته‌ام. خرم و خشنود، شروع کردم به برنامه‌ریزی کلاسی. از آنجا که مطمئن شده‌بودم دانش‌آموزان درس‌خوانی دارم، برنامه‌ای منعطف چیدم و ساعت‌هایی را هم برای استراحت و فعالیت‌های بازی‌گونه در نظر گرفتم. به حق، دانش‌آموزان و کلاس خوبی داشتیم. کلاسی تمیز و مرتب و دخترانی خوش‌خنده و خوش‌رو، اما شیطان و پرائرژ. هرچند گاهی فکر می‌کردم شاید به‌خوبی نتوانسته‌ام با کلاس همراهشان کنم.

چهار ماه از آغاز سال گذشته بود که در فرصت استراحت زنگ تفریح، همکار پایه‌ی دومم درباره‌ی کلاس‌م از من پرسید. به او گفتم کلاس خوبی داریم، اما شاید نه به آن خوبی که انتظارش را داشتیم. او اما اظهار لطف کرد و گفت خانم مدیر از کلاست تعریف کرده و از کار شما راضی است. مشتاق شدم با مدیر در این باره صحبت کنم. مدیر متوجهم کرد یکی از سخت‌ترین کلاس‌های مدرسه را به من داده و با بهره‌گیری از «اثر هاله‌ای»، در واقع خواسته است مرا به کلاس‌م دلگرم کند. به دانش‌آموزانم هم گفته بود یکی از بهترین و سازگارترین معلمان منطقه را برایشان انتخاب کرده. به آن‌ها گفته بود اگر حداقل یک هفته‌ی اول را با من همراه باشند، باقی مسیر به‌خوبی طی می‌شود.

هر بار که دانش‌آموزانم کمی سستی یا بی‌نظمی می‌کردند، با این فرض قبلی که این بچه‌ها، بهترین‌های مدرسه هستند، خودم را با روحیاتشان سازگارتر می‌کردم. وقتی هم در دی‌ماه، امتحان پایان فصل را با نتایج به‌نسبت خوب پشت سر گذاشتیم، هم دانش‌آموزان ۹ ساله‌ام از عملکرد خودشان راضی بودند و هم من از اینکه با آن‌ها کنار آمده‌ بودم، حس موفقیت داشتم.

اثر هاله‌ای (تعمیم خوش‌بینی)، که تحت تأثیر ذهنیت قبلی قضاوت‌کننده شکل می‌گیرد و می‌تواند از واقعیت و انصاف به دور باشد، در مورد من و کلاس‌م مثبت بود. شاید اگر مدیرمان «اثر شاخ» یا همان «تعمیم بدبینی» را نیز درباره‌ی ما می‌آزمود، درستی آن را مشاهده می‌کرد. هرچند از کار او راضی نیستم، اما دست کم خوش‌حالم که او این اثر را روی من امتحان کرد، نه «اثر شاخ» را.

در پی این آگاهی، همیشه از همکارانم خواسته‌ام، هنگام تصحیح ورقه‌های امتحانی، به اسامی دانش‌آموزان نگاه نکنند تا ذهنیت‌های قبلی بر نحوه‌ی قضاوت آن‌ها تأثیر نگذارد. امسال که بخش زیادی از درس‌ها غیرحضورى تدریس شدند و امتحانات تا حدودی مجازى هستند، دانش‌آموزانی را که شاید هنوز ندیده‌ایم و در اثر غیرحضورى بودن مدرسه‌ها، ناخودآگاه به نظر می‌رسد مدت‌ها در خانه به استراحت و تنبلی مشغول بوده‌اند، بیشتر همراهی کنیم. درک کنیم آن‌ها هم از این شرایط نه تنها راضی نبوده‌اند، بلکه شاید بیش از ما نگران درس‌ها و امتحان‌ها بوده‌اند و اکنون نیز امتحان برایشان چندان خوشایند نیست!



چهارشنبه بازار

طاهره ملک زاده
مدیر دبستان



مدرسه با آن‌ها وارد مذاکره شوند. ما نباید این کار را در مدرسه باب کنیم، چهارشنبه بازار راه بیندازیم و اولیا را عادت دهیم که با ما وارد خرید و فروش شوند. این طوری مدرسه به فروشگاه تبدیل می‌شود و با چانه زدن‌ها حرمت ما لگدمال. با این کار، هم شأن خودمان و مدرسه را زیر سؤال می‌بریم و هم قوانین مدرسه را رعایت نکرده‌ایم. در این وضعیت، حریم مدرسه محل رفت و آمد هر شخصی می‌شود، امروز لباس است، فردا برنج و پس فردا عسل و کلوچه و مربا، اما به جای این کار، می‌توانیم مثلاً از «بوم» استفاده کنیم و این برنامه را به پرورش کارآفرینی اختصاص دهیم. چیزهایی را به دانش آموزان آموزش دهیم که هم پرورش مهارت‌های زندگی را در بر گیرد و هم آن‌ها بتوانند با فروش محصولات که خود می‌سازند، تولید می‌کنند یا عمل آوری می‌کنند، بین معلمان و حتی خیریه‌هایی که برگزار می‌کنیم، کارآفرینی کنند. اینجاست که به راحتی می‌توانیم هم‌زمان به چند هدف دست پیدا کنیم.»

صحبت‌های خانم ایزدی، مثل اینکه حرف‌های من بود که از زبان او ادا می‌شد. همیشه در مدرسه‌هایی که کار کرده‌ام، نگران تحریم شدن این قبیل همکاران از طرف دیگران هم بوده‌ام، لذا باید تدبیری بیندیشم که دیگران این معلم خوش فکر را به انزوا نکشانند. این بود که گفتم، من هم موافق دهان به دهان شدن و گرفتن و خرید کالا از اولیا نیستم. حتی یادم می‌آید یک بار پدر یکی از دانش آموزان که فهمیده بود درصدد خرید خودرو هستم، حاضر بود خودرویی را با قیمتی پایین تر به من بفروشد. اصلاً نگذاشتم پیشنهادش یکی دو جمله بیشتر ادامه پیدا کند. معلوم بود که آخر سال وی چه انتظاراتی می‌توانست از مدرسه داشته باشد!

با اتمام زنگ تفریح وارد بحث شدم و از همکاران خواستم آثار منتخب، فعالیت‌ها و اقدامات دانش آموزان را برای عرضه در نمایشگاه بوم به دفتر مدرسه تحویل دهند. همکاران استقبال کردند و خانم ایزدی نیز بابت این موضوع بسیار خوش حال بود، ولی باید فکری کنم که خدای ناکرده خانم ایزدی از منش درست معلمی خود دست برندارد.

زنگ تفریح بود و دفتر معلمان مملو از همکاران. تک‌توک مراجعانی از اولیا هم دیده می‌شدند. صدابه‌صدا نمی‌رسید، ولی با درخواست یکی از همکاران برای سکوت و تقاضای شنیدن حرف‌هایش، جو آرام و سکوتی عجیب در دفتر حکم فرما شد. حالا دیگر تنها صدای همان همکارمان بود که به گوش می‌رسید. او می‌گفت: «به پیشنهاد پدر و مادر یکی از دانش آموزان که به‌طور مشترک مغازه‌ی لباس دارند، تعدادی لباس آورده‌ام تا در دفتر مدرسه به شما نشان دهم. اگر خرید کنید، تخفیف خوبی هم می‌دهد. از این گذشته، این کار می‌تواند در راستای کیفیت بخشی به کمد اختصاصی مقنعه، روسری و مانتوهایمان هم باشد، می‌توانیم هر چه لباس لازم داریم، با قیمت مناسب بخریم.»

هنوز توضیحات همکار یاور فروشندگان لباس تمام نشده بود که صدای خانم ایزدی بلند شد و با ناراحتی، مخالفت خود را اعلام کرد. خانم ایزدی می‌گفت: «اگر به منش معلمی خودمان اهمیت می‌دهیم، نباید وارد معامله و بده‌بستان مالی با اولیا شویم. البته اگر والدینی کالا یا خدماتی را با قیمت مناسب در اختیار مدرسه قرار می‌دهند، مدیر و انجمن اولیا و مربیان می‌توانند به نمایندگی از



عکاس: افشین بختیار

آموزشی

دی‌ماه

دوره‌ی بیست و پنجم
شماره‌ی ۴ | ۱۴۰۰

۳

* فروش دست‌سازهای دانش آموزی بوم

در غرفه‌های فروش و بوفه.

* استفاده از لوازم و وسایل دوخت دست‌ساز دانش آموزان مانند ساق دست، هدبند

و... در کمپنی اختصاصی.

* توجه هم‌زمان به ساحت‌های تربیتی اقتصادی و اجتماعی.



زهرا نظام‌الدینی

چهارم دی؛ تولد حضرت عیسی (ع)

از آن روز که خدا بشارت آمدن فرزندی را به او داده بود، تصمیم گرفت از مردم کناره بگیرد. برای دخترکی معصوم که باید بار مسئولیتی بزرگ را بر دوش می‌کشید، تحمل پیچ‌پچه‌های مردم کار راحتی نبود، در عمق نگاه‌هایشان سرزنش را می‌خواند و آنچه بر زبان می‌راندند، روحش را می‌آزرد: «ای خواهر هارون! نه پدرت نابکار بود و نه مادرت بدکاره!» (مریم/۲۸).

پنجم دی؛ ایمنی در برابر زلزله

لیلای کوچک شتابان به خانه آمد، تمام وجودش هیجان بود، از شادی سر از پا نمی‌شناخت. سرآخر، نوبت نشانه‌ی او رسیده بود، از همان روز که خانم معلم نشانه‌ها را تقسیم می‌کرد، قرار بر این شد که هر دانش‌آموز برای هر نشانه و حرف چیزی را به کلاس بیاورد که با آن حرف شروع می‌شود. هر روز در حیاط زیبای مدرسه، بچه‌ها دور هم جمع می‌شدند و با ذوق از آنچه قرار بود بیاورند، صحبت می‌کردند. زهرای صبرانه منتظر بود نوبت به حرف «ک» برسد، چون می‌خواست کماچ دست‌پخت مادر بزرگش را به رخ دوستانش بکشد. مریم می‌گفت: «قاووت‌های مادرش بی‌نظیرند»

زینب اما با شوق فراوان از نقاشی ارگ بم که کشیده بود و به‌عنوان اولین نشانه به کلاس آورده بود، صحبت می‌کرد و چه لبخند

«چگونه است که که چنین کار بی‌سابقه و زشتی را انجام داده‌ای؟!» (مریم/۲۷). تنهایی، سنگینی مسئولیتی بزرگ، حرف‌ها و سرزنش‌ها و در نهایت درد بزرگ زایمان به یک‌باره بر مریم هجوم آوردند. به زیر درخت نخلی پناه برد و بر زیر لب نالان زمزمه کرد: «ای کاش پیش از این مرده بودم و از خاطره‌ها فراموش می‌شدم!» (مریم/۲۳). طنین صدایی مهربان نخستین خلعتی حضور

شیرینی بر لبش می‌نشست وقتی تشویق‌های خانم معلم را یادش می‌آمد. روز تدریس حرف «ج» غوغایی در کلاس برپا شد، چون آزاده دو تا جوجه‌هایش را به کلاس آورده بود. فاطمه با لهجی شیرین محلی‌اش می‌گفت: «قراره ننباباش براش سفتو (سبد) ببافه». در این میان لیلای بیشتر از همه ذوق داشت. از روز اول می‌خواست زینب را به مدرسه بیاورد، وقتی حرف «ز» به لیلای افتاد، از شادی جیغ کشید و از آن دم هر لحظه به روزی فکر می‌کرد که دست‌در‌دست زیبا وارد کلاس می‌شود و دوستش را به بچه‌ها نشان می‌دهد. زیبا عروسک لیلای بود. از مدرسه که می‌آمد، قبل از هر کاری به سراغش می‌رفت و تمام اتفاقات مدرسه را برایش تعریف می‌کرد، موقع مشق‌نوشتن تمام حرف‌های خانم معلم را برای زیبا می‌گفت، حتی گاهی دعواش می‌کرد که اگر درس‌ها را یاد نگیرد،

فرزندش بود، مادر را خطاب قرار می‌داد که اندوهگین مباش. (مریم/۲۴). عیسی متولد شده بود و در میان هجوم سرزنش مردم در آغوش مادر و به اذن خدا لب به سخن گشود: «من بنده‌ی خدا هستم... بنده‌ای که خداوند وجودم را پر از خیر و برکت قرار داده است... و سلام خدا بر من روزی که متولد شدم و روزی که می‌میرم و روزی که باز برانگیخته خواهم شد» (مریم/۳۰ - ۳۳).

او را به مدرسه نخواهد برد. اکنون نوبت به هنرنمایی لیلای رسیده بود و او از اینکه می‌توانست زیباییش را به مدرسه بیاورد سر از پانمی‌شناخت. عروسک را از شب قبل آماده کرد، موهایش را شانه زد، لباس‌هایش را مرتب کرد و به شوق فردا در آغوشش کشید، در گوشش آرام گفت: «امشب از همیشه زیباتر شده‌ای» و این آخرین کلام لیلای بود. کلاس درس «ز» فقط ۱۲ ثانیه طول کشید و لیلای نتوانست نشانه‌اش را به کلاس بیاورد. زهرا، مریم، آزاده، فاطمه و دیگر بچه‌ها نشانه‌ی «ز» را در زیر خروارها خاک و با صدای زلزله آموختند. آن سال حروف الفبا در شهر بم با حرف «ز» خاتمه یافت.



نمایی از زلزله

شانزدهم دی‌ماه؛ شهادت حضرت زهرا (س)

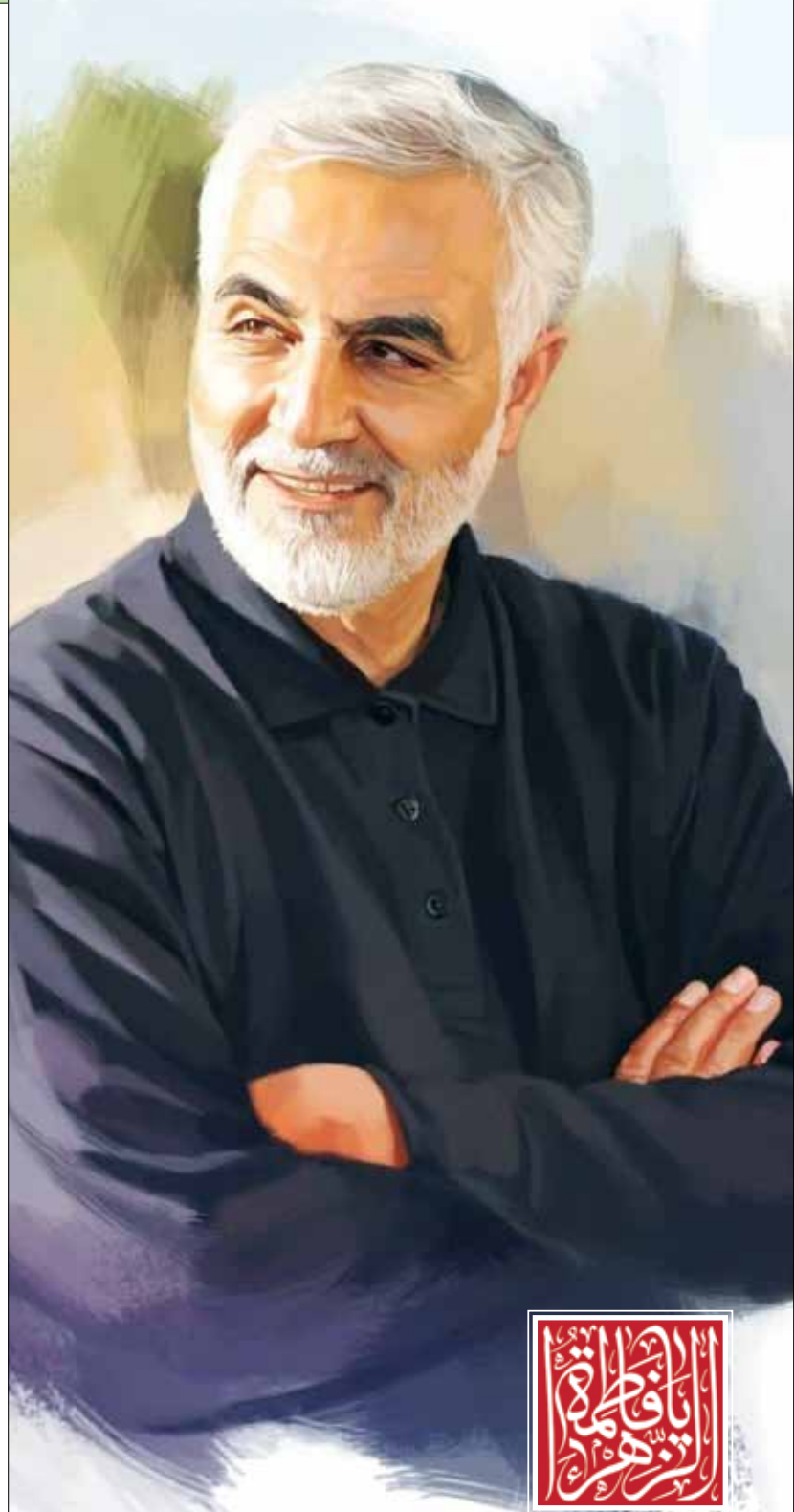
خبر را که به علی (ع) دادند، سراسیمه از مسجد خارج شد، در مسیر کوتاه مسجد تا خانه بارها بر زمین خورد. مردم، نگران، علی (ع) را می‌نگریستند. مگر چه شده بود که مولا توان از دست داده بود؟ آخر علی (ع) قهرمان قصه‌های شب بچه‌های عرب بود.

مادرها با ذکر شجاعت‌هایش کودکانشان را می‌خوابانند. از قدرت بازوایش می‌گفتند، وقتی درب خیبر را با یک حرکت از جای در آورده بود. از ابهت نگاهش می‌گفتند، وقتی لرزه بر تن عمروبن عبدود، قهرمان بی‌بدیل عرب،

نشانه بود. اکنون این علی (ع) بارها بر زمین می‌خورد تا به خانه برسد. چه چیز قوت پاهای علی (ع) را گرفته بود؟ علی (ع) به خانه می‌رسد، زهرایش (س) را صدا می‌زند و برای نخستین‌بار در حیات کوتاه دونفره‌شان پاسخی نمی‌شنود. آه! فاطمه‌جان، چقدر زیستن بی‌تو سخت است! و چه جان‌افزاست خانه بی‌حضور تو! عزیزدانه‌ی خدا، پس از تو در گردبادهای سهمگین پیش رو، کیست که تکیه‌گاه علی (ع) باشد؟ زور بازوی علی (ع) برخیز، دنیای پس از تو

ارزش زیستن ندارد! علی (ع) تمام خویش را به خاک می‌سپارد و خطاب به پیامبر می‌گوید: «سلام بر تو ای رسول خدا (ص)، سلامی از طرف من و دختری که شتابان به سوی تو آمده است. ای پیامبر خدا، صبر و بردباری من با از دست دادن فاطمه (س) کم شده، و توان خویش‌داری ندارم... پس امانتی که به من سپرده بودی برگردانده شد و به صاحبش رسید، از این پس اندوه من همیشگی است و شب‌هایم به بیداری می‌گذرد تا آن روز که خدا من را کنار شما مأوا دهد»

نهم دی ماه؛ روز بصیرت و میثاق امت با ولایت را گرامی می‌داریم.



سیزدهم دی ماه سال ۱۳۹۸ حاج قاسم سلیمانی به شهادت رسید. پس از آن، نامش آه بلندی است که سالیان سال سینه‌به‌سینه خواهد چرخید و کوچه‌به‌کوچه‌ی این شهر را عطر آگین خواهد ساخت. روحش شاد و راهش پر رهرو باد!

بیستم دی؛ سالروز تولد و شهادت امیر کبیر، روز ملی توسعه

تیغ بر دستان امیر می‌لغزد، خون فواره می‌زند و جویی از خون به سمت حوض میانه‌ی حمام جاری می‌شود. چشمان امیر اما هنوز نگران است، گروه معلمانی که قرار بود برای تدریس در دارالفنون به تهران بیایند، در راه بودند. از دانشجویانی که برای تعلیم به فرنگ فرستاده بود، اطلاعی نداشت. اوضاع مالی دربار را تازه به‌سامان کرده بود، مبدا که باز به روال قبل بازگردد؟

در مدت ۳۹ ماه صدارتش خون دل‌ها خورده بود که ساختار پوسیده‌ی دیوانسالاری قدیم را براندازد و چنان نظمی ایجاد کند که هرگز کسی بر فقری تعدی نکند. و اکنون نگران قشر ضعیف بود، مبدا که باز بی‌پناه شوند؟ با نگرش درستی که به دانش غربی داشت، تحولی عظیم در صنعت کشور ایجاد کرده بود، در دلش خدا خدا می‌کرد که این نهال نوپا جان بگیرد و سر پا شود.

روز و شبش را به هم دوخته بود تا با حمایت از کشاورزان، حفظ ایمنی و رعایت حقوق اجتماعی‌شان رونقی در کشاورزی ایجاد کند، بعد از او چه می‌شود؟

چند ماهی بیشتر از تأسیس روزنامه‌ی وقایع/تفاهیه نگذشته بود، روزنامه‌ای که امیر آن را برای ایجاد تغییرات بنیادین و گام برداشتن در مسیر پیشرفت بنیان نهاده بود، چه آینده‌ای در انتظارش بود؟

اکنون خون دل‌هایی که برای پیشرفت این کشور خورده بود، جوی خونی بود که از دستانش جاری می‌شدند و می‌رفتند تا نهال نوپای توسعه را آبیاری کنند.

چهلیمین روز در گذشت دانشجو معلم، محمد روانان، را گرامی می‌داریم.



آشنایی با سایت دارالفنون



آشنایی

دی‌ماه

دوره‌ی بیست و پنجم
شماره‌ی ۴ | ۱۴۰۰



بچه‌ها دنیا را به من دادند!

گفت‌وگو با آموزگار منتخب کشوری سال ۱۳۹۹

زهره پیرهادی

در اختیار بچه‌ها قرار می‌گرفت. سعی می‌کردم همچون کلاس واقعی به آهنگ صدایم توجه کنم تا درس و فضا یکنواخت و خسته‌کننده نباشد.

از مشارکت بچه‌ها در تدریس درس‌های ساده‌تر مثل اجتماعی و هدیه‌ی آسمانی استفاده می‌کردم. بچه‌ها درس‌ها را به‌صورت سخنرانی (کنفرانس) و در قالب فیلم کوتاه و عکس آماده می‌کردند و در کلاس ارائه می‌دادند.

■ با تدریس مجازی مشکلی نداشتید؟

برای مدیریت بهتر در فضای مجازی، از سرگروه‌های درسی یا همان معلم‌یارها کمک می‌گرفتم. حتی گاهی امتحان‌های شفاهی مثل روخوانی را به‌عهده‌ی آن‌ها می‌گذاشتم و خودم نظارت و داوری می‌کردم و گاهی در صفحه‌ی شخصی‌شان نقطه‌ضعف‌ها و اشتباه‌هایشان را گوشزد می‌کردم. این رویه، علاوه بر افزایش عزت‌نفس دانش‌آموزان، بر سازگاری و احترام بین آن‌ها هم می‌افزود.

هر روز صبح کلاس با ذکرهای معنوی آن روز و کلیپ‌های متنوع شاد و پرانرژی صبح‌به‌خیر شروع می‌شد. بعد از آن نوبت ورزش صبحگاهی بود که هر از گاهی هم با حرکت‌های طنز ورزشی همراه بود. گاهی از فیلم نرمشی استفاده می‌کردیم که در کانال‌های شاد بود.

از همه مهم‌تر گاهی ورزش و نرمش توسط بچه‌ها اجرا می‌شد که با لباس ورزشی از خودشان فیلم می‌گرفتند و ارسال می‌کردند.

■ زنگ تفریح مجازی هم داشتید؟

بعد از تدریس بخش‌هایی از محتوای درسی آن زنگ و انجام تکلیف کلاسی، برای رفع خستگی، زنگ تفریحی در نظر گرفته می‌شد. اکثر زنگ تفریح‌ها با پخش انیمیشن (کارتون) یا طنز همراه بود. برای درس املا هفته‌ای یک بار عکس پروفایل کلاس را عوض می‌کردم و کلماتی را که ارزش املائی داشتند، در آنجا قرار می‌دادم تا بچه‌ها با دیدن آن‌ها کلمات را بهتر یاد بگیرند.

■ و با تکلیف شب چه می‌کردید؟

در آخر کلاس، تکلیف‌ها را ارائه می‌کردیم

■ در زمان شیوع بیماری کرونا، تدریس مجازی و جریان یاددهی و یادگیری را چگونه پیش بردید؟

با شروع تدریس غیرحضوری، با موانعی مواجه شدم که تجربه‌ای نسبت به آن‌ها نداشتم. از این رو، اولین چیزی که به ذهنم خطور کرد، خودآموزی و ارتقای سطح دانشم بود. با عضویت در گروه اولیا و مشارکت و هم‌فکری و هم‌پاری آن‌ها تدریس در فضای مجازی را آغاز کردم و سال اول را پشت سر گذاشتم.

با آغاز سال تحصیلی جدید در مهر ۱۳۹۹ و تجربه‌ای که در سال گذشته کسب کرده بودم، آمادگی و اطلاعاتم نسبت به ضعف و قوت یادگیری در فضای مجازی بیشتر شده بود و همین در ارتباط برقرار کردن با دانش‌آموزانی که هیچ پیش‌زمینه‌ی ذهنی نسبت به آن‌ها نداشتم، کمک شایانی کرد.

■ یعنی در سال تحصیلی جدید کار را بهتر شروع کردید؟

بله. در پانزدهم شهریور، در گام نخست، بعد از معرفی خودم، از دانش‌آموزان خواستم خودشان را در قالب فیلمی کوتاه معرفی کنند و علاقه‌ها و مهارت‌های خود را بیان کنند. این فعالیت دانش‌آموزمحور در شناخت تفاوت‌های فردی و آشنایی با روحیه‌ی حساس آن‌ها به من کمک فراوانی کرد.

در گام دوم دانش‌آموزان را به گروه‌های پنج‌نفره تقسیم کردم و به‌تناسب گروه‌ها، پنج گروه تکلیف نیز ساختم. برای هر گروه «معلم‌یار» یا همان «هم‌یارمعلم» انتخاب کردم تا مشارکت بچه‌ها پررنگ‌تر شود.

■ محتواهای درسی را چگونه تدریس می‌کردید؟

در تدریس درس ریاضی، با تهیه‌ی تخته‌سیاه و لوازم موردنیاز تدریس، فضایی را همچون کلاس واقعی ایجاد کردم. از تدریس فیلم‌برداری می‌شد و فیلم‌ها

از تلاش معلم هر چه گفته شود، حق مطلب ادا نشده است. از نکته‌های جالب در کار آن‌ها این است که آموزگاران یک پایه، همگی، کتاب واحدی را تدریس می‌کنند و از برنامه‌ی درسی مصوب در اسناد بالادستی پیروی می‌کنند، اما کار هیچ‌یک شبیه به هم نیست و هر کدام برتری‌ها، شکل‌های خاص و البته نتیجه‌ی مخصوصی دارند.

در این فرصت با آموزگاری از استان البرز گفت‌وگو کرده‌ایم. افسانه رضایی کارشناس آموزش ابتدایی و آموزگار «مدرسه‌ی شاهد فاطمه عرب» واقع در ناحیه‌ی دو کرج است که در سال ۱۳۹۹ به‌عنوان آموزگار منتخب تدریس کشوری و مدرس برنامه‌ی شاد در درس اجتماعی چهارم معرفی شده است.

شما را به خواندن تجربه‌ها و خاطره‌های آموزگاری دعوت می‌کنیم که نه چندان کهنه‌کار است و نه چندان تازه‌کار.

عکاس: اعظم لاریجانی



آموزگار

دی‌ماه
دوره‌ی بیست و پنجم
شماره‌ی ۴ | ۱۴۰۰



ماه رمضان، در شروع کلاس مجازی، حتماً برایشان سوره‌ای کوتاه می‌فرستادم که خود بچه‌ها آن را خوانده بودند. در پایان کلاس هم آیت‌الکرسی را تلاوت می‌کردیم.

در مناسبت‌های گوناگون زنگ شادانه داشتیم که با هماهنگی مدرسه و انجمن اولیا و مربیان، ساعتی شاد و خوش را در دوران کرونا برای بچه‌ها ایجاد می‌کردم؛ مثل روز دانش‌آموز، شب یلدا، روز مادر و روز پدر.

برنامه‌های شاد و به‌بادماندنی برایشان تدارک می‌دیدم؛ مثلاً روز مادر با عکس بوسیدن دست مادرانشان، فیلمی برای همه‌ی مادران کلاس ساختیم. روز پدر نیز با تکرار همین برنامه، کلاس شادی ساختیم.

سن تا حدی به بلوغ فکری می‌رسند. روحیه‌ی حساس و زودرنجی دارند که باید خیلی حواسمان به آن‌ها باشد تا لطمه نخورند. باید به آن‌ها اعتماد کرد.

■ اگر کمی عقب‌تر برگردید و بار دیگر فرصت انتخاب شغل داشته باشید، آیا معلمی را انتخاب می‌کنید؟ چرا؟

رشته‌ی تحصیلی من تجربی بود و دوست داشتم ماما بشوم، ولی وقتی در دانشگاه و رشته‌ی ابتدایی قبول شدم، متوجه شدم چقدر این رشته را دوست دارم.

اگر عقب برگردم، دوباره معلمی را انتخاب می‌کنم، چون عاشق بچه‌ها هستم. بچه‌ها دل پاک و مهربانی دارند، لذت می‌برم به آن‌ها خدمت کنم و راهشان را هموار کنم. معلمی شغل نیست، هنر است.

که بسیار متنوع بودند؛ مثلاً صوت پرسش از ضرب ۷ و ۸ و ۹ یا صوت پرسش و پاسخ درس علوم یا گفتن املا به بزرگ‌ترها، و پیدا کردن کلمات سخت.

بعد از ارائه‌ی تکلیف هر روز، عکس‌نوشته‌ای که پیامی اخلاقی در بر داشت، به اسم سخن آخر ارسال می‌شد.

تمام زنگ‌ها را با برجسب (استیکر) مخصوص یا عکس مخصوص در کلاس اعلام می‌کردم. حتی بچه‌ها خودشان با عکس‌های من برجسب می‌ساختند.

شب یلدا بچه‌ها با هنرهایی که بلد بودند، برای کلاس فیلم تهیه می‌کردند.

تمام تلاش‌ها را می‌کردم تا بچه‌ها شاد باشند، گاهی عصرها معما و سؤال‌های هوش و آخر شب قصه‌ی شب برایشان می‌فرستادم تا به رفع استرس و ناراحتی خانواده‌ها و بچه‌ها کمکی کرده باشم.

■ با این وصف تابستان را به خوبی استراحت کردید؟

خیر. حتی در تابستان هم آموزش را تعطیل نکردم. هفته‌ای یک روز در ساعتی مشخص بچه‌ها اشکال‌های ریاضی خود را می‌فرستادند که با عکس و صوت پاسخگوی آن‌ها بودم.

■ دلیل موفقیتان در تدریس و ارتباط با دانش‌آموزان را در چه می‌دانید؟

آنچه باعث شده است از کارم رضایت قلبی داشته باشم، درک متقابل من از دانش‌آموزان و اولیایشان بوده است. سعی کردم با شعر، کار گروهی و زنگ‌های شادانه شادی را تقدیمشان کنم.

من اکثر وقت‌ها سعی کردم از بچه‌ها یاد بگیرم؛ از اخلاق خوب و برنامه‌های خوبی که استفاده می‌کردند. از همه مهم‌تر، هیچ‌وقت از بالا به آن‌ها نگاه نمی‌کردم.

■ پایه‌ی چهارم نسبت به پایه‌های دیگر چه ویژگی‌هایی دارد؟

پایه‌ی چهارم بسیار حساس است، هم از نظر درسی و هم از نظر عاطفی. دانش‌آموزان در این



به تجربه‌های زمان دانش‌آموزی خود بازگردید:

- آیا پیش آمده است امتحان در ترغیب انگیزشی شما مؤثر باشد؟
- معلمانی را به یاد می‌آورید که از ارزشیابی استفاده‌ی درستی در مسیر انگیزش کرده باشند؟ روش آنان چه بوده است؟

از ارزشیابی تا انگیزش

هدف عمده‌ی ارزشیابی اصلاح و کمک به بهبود یادگیری است. هر زمان که در تربیت، ارزشیابی با این هدف به کار گرفته شود، مسیر درست است، اما اگر اصلاح و بهبود فرع قرار گیرد یا حتی فراموش شود و خود امتحان و نمره به صورت ملاکی برای قضاوت و تصمیم‌گیری درآید، باید صدای این زنگ خطر را شنید که ارزشیابی در حال انحراف از مسیر اصلی است.

حالا بیایید با همین پیش‌فرض به رابطه‌ی بین ارزشیابی و انگیزش نگاه کنیم. آیا ارزشیابی می‌تواند کارکرد انگیزشی داشته باشد؟ تصور می‌کنم شما هم مثل من دو جواب داشته باشید:

۱. اگر نمره و امتحان دستاویزی برای وادار ساختن به یادگیری باشد، دستاویزی برای انگیزش هم خواهد بود؛ برای ترساندن و تحریک حس ترس و وحشت. هر وقت هدف پنهان امتحان این‌ها باشد که اگر نمره نگیری، اگر قبول نشوی، اگر از بقیه عقب بیفتی، اگر این بار هم امتحان را خراب کنی و... آن‌گاه چنین و چنان می‌شود، در این صورت، حتی اگر تأثیر انگیزشی هم داشته باشد، اقدامی مخرب و ضد تربیتی محسوب می‌شود.

۲. اگر نمره و امتحان ابزاری باشد برای یافتن نقطه‌ضعف‌ها، جبران کمبودها، اقدام برای اصلاح، تکمیل آموخته‌ها و برنامه‌ریزی برای بهبود و ارتقاء، انگیزش هم در پی آن می‌آید؛ اما مفید و مؤثر و راهگشا خواهد بود. دانش‌آموزی که بعد از آزمون به این نتیجه برسد که با تشخیص نقطه‌ضعف‌های پیشین، اینک در حال پیشرفت است و بهتر یاد گرفته، هم از ارزشیابی خرسند خواهد شد و هم از انگیزش.

ارزشی انگیزشی ارزشیابی

انگیزش مترادف نمره و امتحان نیست

ابراهیم اصلانی
روانشناس تربیتی



می‌گویند، آدمی که در حال غرق شدن است، دست به هر چیزی می‌اندازد تا شاید نجات پیدا کند. در تربیت هم گاهی برای رسیدن به هدفی که تصور می‌کنیم مهم است، دست به هر چیزی می‌اندازیم تا شاید جواب بدهد. یکی از مصداق‌های این موضوع استفاده از حربه‌ی ارزشیابی و امتحان برای ایجاد انگیزه است. آیا درست است که امتحان را در خدمت انگیزش درآوریم؟ آیا ارزشیابی می‌تواند کمکی به انگیزش بکند؟ در این قسمت نویسنده سعی کرده است پاسخ چنین سؤال‌هایی را بدهد. امیدواریم مدیران و معلمان هم روی این موضوع بیشتر بیندیشند.



عکاس: جواد بمانی یزدی

- الان وقت خودارزیابی است:
- با مروری بر گذشته، ببینید در چه مواردی، از امتحان و نمره استفاده‌ی انگیزشی اشتباه کرده‌اید؟
 - در کدام موارد درست عمل کرده‌اید؟
 - تأثیر و ماندگاری کدام بیشتر بوده است: زمانی که امتحان فقط دستاویزی انگیزشی بوده یا زمانی که امتحان در خدمت ارزشیابی بوده است؟

وقتی خطا می‌کنیم...

استفاده‌ی نادرست از ارزشیابی و امتحان و نمره به‌عنوان دستاویزی انگیزشی، به تبعات نادرست‌تر بعدی منجر می‌شود. نگه‌داشتن چماق امتحان و نمره، نه تنها دانش‌آموز را به تحرک و تلاش برای یادگیری و انخواهد داشت، بلکه در عمل انگیزه‌های یادگیری را نیز سرکوب می‌کند.

انگیزش مبتنی بر فشار امتحان و تنگ‌کردن عرصه برای اجبار به موفقیت، حتی اگر در مورد عده‌ای آثار کوتاه‌مدت داشته باشد، در درازمدت و برای اکثریت، تبعات نامطلوبی خواهد داشت.

امتحان وقتی ابزاری برای ترساندن، تهدید و توبیخ باشد، مثل تنبیه که به‌طور معمول فقط در حضور تنبیه‌کننده اثر می‌کند، به نوعی تنبیه تبدیل می‌شود. پادمان باشد دانش‌آموزانی را که با اجبار امتحان به یادگیری و پیشرفت تحصیلی وادار می‌کنیم، به احتمال زیاد در آینده دچار یادگیری‌گریزی خواهند شد، همان اتفاقی که برای بسیاری از دانش‌آموزان در طی سال‌های درس‌خواندن روی داده است. تداوم یادگیری‌گریزی به پدیده‌ی دیگری منجر می‌شود؛ مدرسه‌گریزی. این دو پدیده‌ی یادگیری‌گریزی و مدرسه‌گریزی در کنار مسائل درسی و آموزشی، در کاستی‌های انگیزشی هم ریشه دارند. به‌طور حتم، یکی از علت‌هایی که به انگیزش لطمه می‌زند، استفاده‌ی نادرست از ارزشیابی و امتحان است.

امیدوارم در طول تجربه‌ی مدیریتی یا معلمی خود انگیزه‌ی دانش‌آموزی را با استفاده‌ی نادرست از ارزشیابی خراب نکرده باشید! با این همه خوب است در جلسه‌ی شورای معلمان روی این موضوع و اهمیت و تبعات آن بحث کنید. بعد از توضیح مختصر چارچوب موضوع، به همکاران فرصت دهید تجربه‌ها و خاطراتشان را بگویند. مرور همین موارد می‌تواند مفید و آموزنده باشد.

درست عمل کنیم

پس اگر هدف عمده‌ی ارزشیابی را اصلاح در نظر بگیریم، اصلاح می‌تواند به انگیزش منجر شود، ولی از امتحان نباید به‌عنوان دستاویزی برای واداشتن، زورکردن و ترساندن استفاده کرد. از امتحان می‌توان به‌عنوان ابزار انگیزشی استفاده کرد، اما سنجیده و باظرافت، نه برای هدف قراردادن امتحان یا برای به‌جان‌هم‌انداختن افراد.

از آنجا که نتیجه‌ی آزمون‌ها که به‌صورت نمره به یادگیرندگان داده می‌شود، به پاداش‌های گوناگونی، چون تأیید معلم و والدین، ارتقا به کلاس بالاتر، دریافت گواهی‌نامه، ورود به دانشگاه، کسب شغل‌های موردعلاقه و مواردی نظیر این‌ها وابسته‌اند، نمره‌های معلمان ارزش انگیزشی زیادی دارند. بنابراین، معلم می‌تواند با اجرای مکرر آزمون، سطح انگیزشی یادگیرندگان را بالا ببرد. با این حال، از امتحان برای دادن بازخورد به دانش‌آموزان درباره‌ی نحوه‌ی عملکرد و میزان یادگیری‌شان استفاده کنید، نه به‌عنوان وسیله‌ای جهت ارباب و تنبیه آنان.

آزمون و نمره نباید به هدف اصلی تبدیل شوند. وقتی که دانش‌آموزان به‌جای یادگیری و دریافت بازخوردهای اصلاحی، فقط بر خود امتحان و نمره تمرکز می‌کنند، پدیده‌هایی رایج می‌شوند که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: زیادخواندن؛ عقب‌انداختن مطالعه به شب امتحان؛ چانه‌زدن برای نمره‌ی بیشتر؛ دست‌یافتن به سؤال‌ها یا استخراج سؤال؛ اصرار بر کم‌کردن حجم درس‌ها؛ جزوه‌نویسی و انواع روش‌های تقلب. نکته‌ی مهم در مورد امتحان و نمره این است که هر وقت هدف از یادگیری به‌سمت کسب نمره تغییر جهت داد، یعنی برای دانش‌آموزان نمره و کارنامه مهم‌تر از یادگیری بود، نباید انتظار داشته باشیم انگیزش به یادگیری کمک کند. امتحان زمانی کارکرد انگیزشی دارد که دانش‌آموزان را به فکرکردن، اصلاح و تلاش در یادگیری وادارد و آنان با درک توانمندی‌های خود در آموختن، انگیزه‌ی درونی بیشتری برای یادگیری پیدا کنند.

روی کارکردهای انگیزشی ارزشیابی بیشتر تمرکز کنید:

- چه کارهایی باید انجام دهید تا امتحانات دانش‌آموزان با اهداف واقعی ارزشیابی سازگار باشد؟ ● چه کارهایی می‌توان انجام داد تا هر آزمون کوچک و بزرگ برای تک‌تک دانش‌آموزان نتیجه‌های انگیزشی به همراه داشته باشد؟ ● به یک موضوع بزرگ‌تر فکر کنید: یادگیری مبتنی بر سخت‌گیری بهتر است یا مبتنی بر شادکامی؟ حالا دوباره به موضوع این مقاله بازگردید: ارزشیابی چگونه می‌تواند در خدمت یادگیری شاداب باشد و به انگیزش مثبت دامن بزند؟ ● به فکر خودتان هم باشید. چگونه می‌توانید ارزشیابی از رفتارها، یادگیری‌ها و روابط خودتان را به ابزاری برای انگیزش مؤثر و شادابی تبدیل کنید؟

محل آزمون: منزل



زهر انصاری
آموزگار ابتدایی

نامش نیایش بود، وقتی وارد کلاس شدم، صدای هق هق گریه اش توجهم را جلب کرد. نزدیکش رفتم، دستی بر سرش کشیدم و دلیل گریه اش را پرسیدم. نگران نتیجه امتحان و باز خورد پدر، مادر و معلمش بود. چر باید کودک بیسنده؟ مگر این کودک دلخوشی و پناهی جز روی گشاده و لبخند والدین و معلمش دارد؟ اکنون این تجربه را مقایسه کنید با تجربه دیگری که به ارزشیابی مجازی مربوط است: سارا در درس املا ضعیف بود و به طور معمول برای درست نویسی کلمات به تمرین بیشتر نیاز داشت. تکالیف، دفتر کار و املاهایی که در کلاس بر خط (آنلاین) می نوشت، گواه این گرفت، متوجه شدم مادرش سارا هیچ غلطی نداشتند. این موضوع آزمونک به خود می گرد. متوجه شدم دختر من در درس ریاضی عالی باشد و در املا این قدر ضعیف. ولی حالا متوجه نمی شود که با وجود تلاش فراوان معلم برای آموزش صحیح، واقعا فرزندم در درس املا تمرین بیشتری نیاز دارد. از طرف دیگری، واقعا فرزندم در درس املا تمرین بیشتری نیاز دارد. از غلطهای رایج به سارا نشان می دهم و کمک می کنم آن ها را تقویت نکند. اما متأسفانه این روش هم املا او را تقویت نکرد. است، بلکه فقط امتیاز کاذب برایش داشته است.

عکاس: مهناز نوریان



آنچه خواندید فقط نمونه ای کوچک از اتفاقاتی بود که در پس ارزشیابی های مجازی رخ می دهند. شاید مسائلی مانند آنچه در بالا خواندید، در اثر آگاه نبودن به اهداف سنجش و فرایند انجام روش های مختلف ارزشیابی پیش می آیند. همچنان که در ارزشیابی حضوری نکته های باریک تر از موجود



عکاس: اعظم لاریجانی



دارد تا سنجشی صحیح انجام شود و در عین حال فشار روانی و اضطراب متوجه دانش آموزان نشود، در ارزشیابی مجازی نیز، حتی بیش از سنجش حضوری، نکته‌هایی وجود دارند و باید حتماً رعایت شوند. می‌توان گفت اولین گام برای شکل‌گیری ارزشیابی صحیح، تعیین هدف‌هاست. دانش آموز، والدین و معلم ابتدا باید بدانند هدف ارزشیابی را بر گیرند.

سه ضلع آموزش

هر سه ضلع آموزش، یعنی معلم، دانش آموز و والدین، باید بدانند در ارزشیابی کیفی توصیفی، هر فرد با خودش و توانایی‌هایش مقایسه می‌شود، نه با دانش آموزان دیگر که هر کدام استعدادها و توانایی‌های مخصوص به خود را دارند. ممکن است دانش آموزی در درس ریاضی عملکرد بالاتری داشته باشد و دیگری در درس فارسی. هر گاه توانایی عملکرد بالاتری داشته باشیم، باید بدانیم که هدف ارزشیابی سنجش فرزندمان را شناسیم، نتایجی ارزشیابی را بر اساس آن می‌سنجیم و به او برای بهتر شدن کمک می‌کنیم، همچنین، باید بدانیم که هدف ارزشیابی سنجش آموخته‌ها و نیاموخته‌های واقعی دانش آموز است. به این ترتیب می‌توان برای پیشرفت نقاط ضعف و قوت وی است. به این ترتیب می‌توان برای پیشرفت از طرف دیگر، معلم آگاه می‌داند برای رسیدن به نتیجه درست این موضوع هم در آموزش حضوری و هم در آموزش مجازی، باید روش‌های گوناگون را بیازماید. گرفته شود، به‌ویژه در آموزش مجازی، باید روش‌های مشاهده‌ای و عملکردی، کارپوشه‌ای الکترونیکی، پروژه‌های فردی و... استفاده کرد. آموزش کاغذی ماهرانه با انواع روش‌های مشاهده‌ای و عملکردی، کارپوشه‌ای الکترونیکی، پروژه‌های فردی و... استفاده می‌شود. در آموزش مجازی، باید روش‌های گوناگون را بیازماید. جمله سنجش‌های شفاهی در کلاس باید ارزشیابی با روش‌های متعدد از عملکردی، کارپوشه‌ای الکترونیکی، پروژه‌های فردی و... استفاده می‌شود. در آموزش مجازی، باید روش‌های گوناگون را بیازماید. جمله سنجش‌های شفاهی در کلاس باید ارزشیابی با روش‌های متعدد از عملکردی، کارپوشه‌ای الکترونیکی، پروژه‌های فردی و... استفاده می‌شود. در آموزش مجازی، باید روش‌های گوناگون را بیازماید. جمله سنجش‌های شفاهی در کلاس باید ارزشیابی با روش‌های متعدد از عملکردی، کارپوشه‌ای الکترونیکی، پروژه‌های فردی و... استفاده می‌شود.

ابتدای سال تحصیلی مجازی، هدف از ارزشیابی این است که معلم، در زبانی از اضطراب آن‌ها کم می‌کند. این کار تا حد استرس ایجاد کند، بلکه باید در وجود دانش آموزان مناسب به هم راه‌ها را تغییر دهد. ارزشیابی به فعالیت‌ها و فرآیندها، تولید، اجرا و فرد را به نتیجه مطلوب برساند.

گزیده‌ای از سند برنامه‌ی درسی ملی

سند برنامه‌ی درسی ملی، در بند ۱۰-۳ از اصول ناظر بر برنامه‌های درسی و تربیتی، در مفهوم جلب مشارکت و تعامل می‌گوید: «فرایند برنامه‌ریزی درسی و تربیتی باید زمینه‌ی مشارکت و تعامل مؤثر معلمان، دانش آموزان، خانواده‌ها و سایر گروه‌های ذی‌نفع، ذی‌ربط و ذی‌صلاح را در طراحی، تولید، اجرا و ارزشیابی برنامه‌ها فراهم نماید.»

ارزشیابی فرصتی برای یاددهی و یادگیری بهتر

ارزشیابی یعنی اندازه‌گیری میزان یادگیری دانش‌آموز. در واقع معلم‌های گرامی به این وسیله می‌توانند میزان فراگیری و درک و دریافت دانش‌آموز را بسنجند و از این طریق به نقطه‌ضعف‌هایش پی ببرند و تلاش کنند راه مناسبی را برای یاددهی و یادگیری او پیدا کنند. به هر حال ارزشیابی دانش‌آموز به هر طریقی که صورت بگیرد، شامل سنجش دانش، مهارت و نگرش آن‌هاست.

ارزشیابی مجازی در ساعت‌های درسی

بخش دیگری از فرایند ارزشیابی در ساعت‌های درسی اتفاق می‌افتد. به این ترتیب، معلم با برنامه‌ریزی قبلی به‌نوبت یا هم‌زمان میزان یادگیری همه‌ی دانش‌آموزان را ارزیابی می‌کند. ممکن است تمام یا قسمتی از آن جلسه به پرسش و پاسخ اختصاص پیدا کند که هیچ ایرادی هم ندارد. این ارزشیابی مجازی کلاسی با طرح سؤال‌های چندگزینه‌ای یا فعالیت‌های چالش‌برانگیزی پیش می‌رود که ذهن دانش‌آموز را درگیر می‌کند. گاهی

نمونه‌هایی از ارزشیابی مجازی

۱. معلم پایه‌ی دوم ابتدایی برای ارزشیابی کلاسی ریاضی در فضای مجازی تعدادی سؤال از مبحث جمع و تفریق طراحی و برای دانش‌آموزان می‌فرستد. او از دانش‌آموزان می‌خواهد جواب سؤال‌ها را با انجام یک دست‌ورزی پیدا کنند. دانش‌آموزان موظف‌اند با اشیایی که دارند، این جمع و تفریق‌ها را انجام بدهند و جواب‌هایشان را در قالب عکس و ویدئو برای معلم بفرستند.

۲. برای برگزاری امتحان املا معلم در بستر (پلتفرم) کلاس به‌طور هم‌زمان برای همه‌ی بچه‌ها بخش‌های منتخبی از متن درس را می‌خواند و بچه‌ها یادداشت می‌کنند و در انتها، عکس املاي خود را برای معلم می‌فرستند تا معلم آن‌ها را بررسی کند. در اینجا ممکن است معلم وظیفه‌ی تصحیح املا را به‌عهده‌ی والدین بگذارد. راه دیگر برگزاری

وصل هستید؟ شروع کنید!



عاطفه فرهادی

کارشناس ارشد ادبیات



آموزش و یادگیری برخط (آنلاین) پدیده‌ی نوظهوری نیست و در سال‌های قبل هم از آن استفاده شده است. ارزیابی با کمک رایانه هم از دیرباز وجود داشت، ولی ارزیابی‌های برخط به‌دلیل مسائل متعددی چون احتمال بی‌صدافتی کاربرد کمتری داشتند. در دوران شیوع کرونا و با تغییر شیوه‌ی آموزش و غیرحضور شدن مدرسه موضوع ارزشیابی برخط هم بیش‌ازپیش مطرح و مهم شد. مهم‌ترین دغدغه‌ی معلمان، به‌خصوص در این زمان، ایمنی، اعتبار و عادلانه‌بودن ارزشیابی‌های برخط است. بنابراین، معلمان بزرگوار همواره در جست‌وجوی بهترین راه برای این گونه ارزشیابی‌ها هستند.

آیندازی

دی‌ماه

دوره‌ی بیست و پنجم
شماره‌ی ۴ | ۱۴۰۰

۱۲

ارزشیابی مجازی در خارج از ساعت درسی

ارزشیابی برخاسته از یک نقطه یا به‌طور هم‌زمان و در ساعت کلاسی صورت می‌گیرد یا به شکل ناهم‌زمان و بعد از ساعت کلاسی. در خارج از ساعت درسی دانش‌آموز تکالیفی را انجام می‌دهد که معلم برای او تعیین کرده است. بعد از انجام تکالیف معلم می‌تواند با بررسی عملکرد دانش‌آموز سطح تفکر و توانایی‌های او را در زمینه‌ی حل مسئله بسنجد و با ارائه‌ی بازخورد مناسب، او را در بهبود بخشیدن به کیفیت یادگیری‌اش کمک کند. یکی دیگر از روش‌های ارزشیابی برخط در

ساعت‌های غیردرسی استفاده از پوشه‌های کار است. چنانچه از قبل برای هر کلاس و دانش‌آموز در بستر (پلتفرم) کلاس پوشه‌ی کار تعیین شده باشد، هر دانش‌آموز موظف است که گزارش تمام فعالیت‌های خود را در قالب متن، فیلم، عکس یا اسلاید در این پوشه قرار دهد. معلم می‌تواند با ارزشیابی کارپوشه‌ها وضعیت یادگیری دانش‌آموزان را بررسی کند. برای اینکه بتوان دانش‌آموزان را از راه دور در بستر فضای مجازی سنجید، واگذاری ارزشیابی به خود آن‌ها نیز مؤثر است. این موضوع که هم در ساعت‌های درسی

و هم غیردرسی می‌تواند اجرا شود؛ فرصتی است تا دانش‌آموز را به یادگیری بیشتر تشویق کند. در واقع معلمان عزیز می‌توانند در بستر (پلتفرم) کلاس دانش‌آموزان را به گونه‌ای گروه‌بندی کنند، سپس از آن‌ها بخواهند فعالیت‌هایی را که مشخص کرده‌اند، به‌صورت فردی انجام دهند و نتیجه‌ی کارشان را در گروه به اشتراک بگذارند و بعد هم گروهی آن‌ها کار را ارزشیابی کند و به معلم بازخورد بدهد. اگر چه این فرایند زمان‌بر است، اما در افزایش مسئولیت‌پذیری و انگیزه‌ی دانش‌آموزان تأثیر زیادی دارد.

هم ممکن است معلم همه‌ی دانش‌آموزان را هم‌زمان ارزشیابی کند و سؤال‌های مشترکی را در اختیارشان بگذارد و از آن‌ها بخواهد در زمان مقرر پاسخ‌هایشان را برای او بفرستند. یکی از محاسن ارزشیابی مجازی این است که دانش‌آموزان می‌توانند پاسخ‌های خود را نه فقط به‌صورت کتبی، بلکه با عکس، فیلم و صوت هم برای معلم ارسال کنند. اما ارزشیابی مجازی می‌تواند فراتر هم برود. ارزشیابی حتماً نباید با پرسش و پاسخ همراه باشد. گاهی طرح مسئله‌ای و برگزاری جلسه‌ی

بحث و گفت‌وگو با موضوع آزاد یا درسی هم می‌تواند بخشی از یک ارزشیابی را پوشش دهد. این جلسه‌ها با هدایت و نظارت معلم پیش می‌رود و هر دانش‌آموز اجازه دارد که نظرات خود را در زمان مقرر، درباره‌ی موضوع مشخص‌شده عنوان کند. ممکن است این جلسه به حل یک مسئله‌ی ریاضی اختصاص داشته باشد. معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد که هر کس با روش خود این مسئله را حل کند و بعد درباره‌ی راهکار و شیوه‌ی حل مسئله به دوستانش توضیح بدهد.

آنچه دانش‌آموزان در این جلسات بیان می‌کنند و نیز میزان مشارکت آن‌ها، مبنای مناسبی است برای ارزشیابی. در این گونه ارزشیابی‌ها احتمال تقلب کمتر می‌شود و امکان سنجش هوش جمعی و یادگیری فرامتنی دانش‌آموز هم وجود دارد. از دیگر روش‌های ارزشیابی مجازی در ساعت‌های درسی، سپردن پروژه‌ای یا تدریس بخشی از کتاب به دانش‌آموزان است. این فرصت طلایی هم بر اعتمادبه‌نفس دانش‌آموز می‌افزاید و هم یادگیری را عمیق‌تر می‌کند.

گزینه‌های ارزشیابی در سند برنامه‌ی درسی ملی

در بند ۵-۴ از سند برنامه‌ی درسی ملی آمده است:
ارزشیابی:

۱. به‌صورت مستمر، تصویری روشن و همه‌جانبه از موقعیت کنونی دانش‌آموز، فاصله‌ی او با موقعیت بعدی و چگونگی اصلاح آن متناسب با ظرفیت‌ها و نیازهای وی ارائه می‌کند؛
۲. زمینه‌ی انتخاب‌گری، خودمدیریتی و رشد مداوم دانش‌آموز را با تأکید بر خودارزشیابی فراهم می‌کند و بهره‌گیری از سایر روش‌ها را زمینه‌ساز تحقق آن می‌داند؛
۳. ضمن حفظ کرامت انسانی، کاستی‌های یادگیری را فرصتی برای بهبود موقعیت دانش‌آموز می‌داند.

امتحان املا این است که معلم متنی را برای همه‌ی بچه‌ها ارسال کند و از آن‌ها بخواهد غلط‌های املایی موجود در آن را پیدا کنند و املای صحیح آن را برای معلم بفرستند. خوب است بدانید، در بیشتر مواقع املای مجازی به این صورت است که معلم کلمه‌های دشوار را برای همه‌ی دانش‌آموزان می‌خواند و بچه‌ها در بستر (پلتفرم) کلاس لغت‌ها را ثبت می‌کنند. در نهایت معلم نوشته‌ها را تصحیح می‌کند و به بچه‌ها امتیاز می‌دهد.

۲. یکی دیگر از راه‌های ارزشیابی استفاده از کارپوشه بود. در این کارپوشه انواع فعالیت‌هایی قرار می‌گیرد که بچه‌ها در طول سال تحصیلی انجام می‌دهند. مثلاً فرض کنید قرار است درس «سرگذشت دانه‌ها» از کتاب علوم آموزش داده شود. معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد دانه‌ای را انتخاب و مراحل رشد و پرورش آن را در بلندمدت دنبال کنند.

عکس‌هایی از مراحل رشد دانه بگیرند و در کارپوشه‌ی خود در فضای مجازی کلاس قرار دهند. در انتها نیز گزارش کاملی از این آزمایش تهیه و به عکس‌ها و اسلایدهای قبلی اضافه کنند. در یک زمان مشخص معلم با بازدید از کارپوشه و بررسی روند فعالیت دانش‌آموزان، به آن‌ها امتیاز خواهد داد.

۴. درس مطالعات اجتماعی یکی از بهترین گزینه‌ها برای ایجاد بحث و گفت‌وگوی کلاسی است؛ مثلاً معلم با استفاده از موضوع درس «مقررات خانه‌ی ما» از دانش‌آموزان می‌خواهد هر کدام در زمان مشخص درباره‌ی مقرراتی صحبت کنند که باید در خانه رعایت شوند. در اینجا میزان مشارکت و پویایی بچه‌ها ملاک مناسبی برای ارزشیابی آنان است. همچنین، با سپردن آموزش یکی از درس‌های مطالعات اجتماعی به بچه‌ها، می‌توان هوش جمعی آن‌ها را نیز ارزشیابی کرد.

مدرسه‌ها کوچک‌تر می‌شوند؟

نگاهی به مدرسه‌های جهان در سال‌های پیش رو



مر تاضی مجددر
پژوهشگر مسائل آموزشی

محیط یادگیری

بر اساس نظر برخی آینده‌پژوهان عرصه‌ی آموزش، به نظر می‌رسد، در آینده‌ی نه‌چندان دور، مدرسه به‌شکل فیزیکی امروز وجود نداشته باشد و مدرسه‌ها بیشتر پایگاه یادگیری باشند تا مکان یادگیری. در واقع ممکن است مدرسه از مکان^۲ به فضا^۳ تغییر نقش دهد. حتی در دیدگاه‌های آینده‌پژوهان آموزشی صحبت از مدرسه‌ای با یک یا چند اتاق به میان می‌آید. در این میان، با توجه به کثرت منابع در دسترس، حتی ممکن است کتابی از پیش تعیین شده برای دانش‌آموز تهیه نشود، معلم و روش آموزش را هم خود یادگیرنده انتخاب کند و راهبردهای آموزشی و فضاهای یادگیری به‌صورت روزافزونی تغییر شکل دهند. البته عده‌ای هم پا را فراتر از این می‌گذارند و به‌طور کلی از مدرسه‌زدایی سخن می‌گویند. هرچند این سخن نمی‌تواند درست باشد؛ چنانچه سند برنامه‌ی درسی ملی، مدرسه را محیط یادگیری

امروزه با توجه به وضعیت جدید فضای آموزشی، شیوه‌ی رشد و توسعه‌ی اطلاعات علمی دانش‌آموزان از حالت سنتی و کلاسی و آموزش رودررو، به شیوه‌هایی فراتر از کلاس و مدرسه توسعه یافته است. زمانی معلم در کلاس درس نقش دانای کل را داشت و وظیفه‌ی انتقال اطلاعات و مفاهیم به دانش‌آموزان را عهده‌دار بود و از او به‌عنوان معلم یاد می‌شد، اما این نقش به تدریج به معلم به‌مثابه‌ی تسهیلگر (و به تعبیر سند برنامه‌ی درسی ملی «راهنما و راهبر»)^۱ و در دوران کنونی، به معلم به‌مثابه‌ی طراح، تغییر مسیر داده است. همچنین، نقش انتقال‌دهندگی اطلاعات معلم از نسبت بالای تقریباً ۹۰ درصدی در حالت سوم یا همان معلم به‌عنوان طراح، به چیزی حدود ۳۰ درصد کاهش یافته است.

پایه و اصلی می‌داند، ولی یادگیری را به آن محدود نمی‌شمارد. بنابراین، مدرسه به هر حال نقش خود را خواهد داشت. وارن بنیسن، آینده‌پژوه معروف، نیز معتقد است، در آینده مدرسه‌ها فقط از رایانه‌ها و دستگاه‌های فرستنده‌ای تشکیل خواهند شد که محتواهای تهیه‌شده از قبل را رأس ساعت و برنامه‌ی معین به دانش‌آموزان خود در اقصا نقاط جهان می‌فرستند. بنابراین، به‌صورت انحصاری، ثبت‌نام از دانش‌آموزان محدوددهی مدرسه در همان مدرسه بی‌معنی خواهد شد و حتی این گستردگی حضور دانش‌آموز به شهر، استان، کشور، قاره و کل جهان تغییر خواهد یافت؛ یعنی دانش‌آموزانی از کل جهان با ملیت‌ها، فرهنگ‌ها، نژادها و زبان‌های گوناگون در یک کلاس درس حضور خواهند داشت!

در گذشته، یعنی عصر صنعتی، دانش‌آموزان مدرسه را برای کار در کارخانه‌ها و سازمان‌ها تربیت می‌کردیم. صدای سوت کارخانه با زنگ مدرسه هم‌خوانی داشت و بچه‌ها شرطی می‌شدند. در عصر دیجیتال، سوت کارخانه‌ها قطع و دودکش‌ها خاموش شده‌اند، ولی همچنان زنگ مدرسه‌ها دانش‌آموزان را برای دودکش‌های خاموش تربیت می‌کنند. امروزه شغل‌های زیادی از بین رفته‌اند و شغل‌های نوظهوری پدید آمده‌اند. سازمان‌ها کوچک‌تر شده‌اند. ربات‌های رایانه‌ای جای انسان‌ها را گرفته‌اند. لزوم وجود یک راهبر آموزشی، به‌ویژه رهبران آموزشی مدرسه، مشکل از مدیران در کل مجموعه‌ی مدرسه و آموزگاران به‌مثابه‌ی راهبران آموزشی کلاس‌های درس، در این است که در وهله‌ی اول این مسائل را درک کنند. که اگر درک نکنند، همان رفتارهای گذشتگان را تکرار می‌کنند، اما در صورت درک، دنبال استلزامات دیگری می‌روند.



تمرین

۱. با نگاه آینده‌پژوهانه بگویید آیا واقعاً مدرسه‌ها به تدریج از مکان به فضا تغییر ماهیت خواهند یافت؟
۲. در مورد مدرسه‌زدایی چه می‌دانید؟ نظریه‌ی مدرسه‌زدایی **ایوان ایلچ** را با نظریه‌های جدیدتر در این زمینه مقایسه کنید.
۳. اگر قرار باشد مدرسه‌ها به مجموعه‌هایی متشکل از یک یا چند اتاق تبدیل شوند، تکلیف تعاملات انسانی معلم با دانش‌آموزان چه خواهد شد؟
۴. ابتدا در مورد واژه‌ی ترکیبی آموزش-پرورش که در ایران به جای کلمه‌ی EDUCATION ترجمه شده است، تحقیق کنید؟ آیا آموزش با پرورش فرق دارد؟ کدام یک زیر مجموعه‌ی آن دیگری است؟ در مدرسه مهم‌ترین وظیفه‌ی ما کدام است؟ سپس بر اساس نگاه آینده‌پژوهانه بگویید تکلیف این دو، البته اگر بینشان تفکیکی قائل هستید، در مدرسه‌هایی با یک یا چنداتاق در آینده چه خواهد شد؟ آیا در این زمینه بحرانی را پیش‌بینی نمی‌کنید؟

تمرین

۱. فرض کنید در پنج سال آینده فناوری جدیدی ظهور می‌کند که تلفن همراه، شبکه‌های پیام‌رسان مجازی و انتقال صوت و تصویر از طریق ماهواره‌ها را به‌طور کلی دگرگون کند. حدس‌زدن در مورد مختصات این فناوری جدید را به خودتان واگذار می‌کنیم. حال بگویید با این فناوری جدید چگونه برخورد می‌کنید؟ مانند برخی سالمندان که با آمدن تلفن‌های همراه نسل جدید به افرادی منفعل تبدیل شده‌اند یا افرادی که خود را با این فناوری‌ها تطبیق داده‌اند؟ با دوستان و اعضای خانواده‌ی خود در این باره بحث کنید.
۲. پیشنهادی به مدیران مدرسه‌ها: این موضوع را در یکی از جلسات شورای آموزگاران به بحث بگذارید و از همکاران بخواهید به هر دو جنبه‌ی زندگی شخصی و کاری خود از این زاویه توجه کنند.

فایده‌ی آینده‌پژوهی

اندیشیدن درباره‌ی آینده برای کارها و فعالیت‌های کنونی انسان ضروری است. واکنش بدون اندیشیدن به آینده امکان‌پذیر است، اما کنش امکان‌پذیر نیست، چراکه عمل نیاز به پیش‌بینی دارد. بدین ترتیب، تصویرهای آینده (آرمان‌ها، هدف‌ها، مقصدها، امیدها، نگرانی‌ها و آرزوها) پیش‌ران‌های اقدامات فعلی ما هستند؛ بنابراین، آینده‌امری است که مردم می‌توانند آن را با فعالیت‌های هدفمند خود طراحی کنند و شکل دهند. مردم برای آنکه خردمندانه عمل کنند، باید نسبت به پیامد اقدامات خود و دیگران آگاهی و شناخت کافی داشته باشند. همچنین واکنش‌های دیگران و نیروهایی را بررسی کنند که خارج از کنترل آن‌هاست. این پیامدها تنها در آینده خود را نشان می‌دهند. بدین ترتیب، افراد نه تنها می‌کوشند امور در حال رخ‌دادن را بفهمند، بلکه می‌کوشند اموری را که بالقوه امکان رخ‌دادن دارند یا در وضعیت خاصی در آینده اتفاق خواهند افتاد نیز بشناسند. افراد با بهره‌بردن از این شناخت حدسی، موقعیت کنونی خود را تشخیص می‌دهند، کارهایشان را دنبال می‌کنند و از بستر زمان و فضای مادی و اجتماعی می‌گذرند.

آینده‌پژوهی فقط در مورد کار نیست!

تاکنون همه‌ی مثال‌ها و تمرین‌هایی که ارائه کردیم، به‌نوعی با تعلیم‌وتربیت یا شغل معلمی ارتباط داشت، ولی باید بدانیم، آینده قرار نیست فقط در مورد شغل و حرفه‌ی ما رخ دهد! زندگی جدید ما نیز با ویژگی‌های نوظهور خود در آینده رقم خواهد خورد، همان‌طور که تاکنون چنین بوده و در چند سال اخیر با تغییرات فناوری سرعت هم گرفته است. از این رو، بحثی مطرح می‌شود با عنوان آینده‌پژوهی فردی^۱ که از واژه‌ی آینده‌پژوهی برگرفته شده و بیانگر به‌کارگیری روش‌های آینده‌پژوهی در زندگی افراد است. در واقع، آینده‌پژوهی فردی تلاش نظام‌مند فرد برای شناخت خود و شکل‌بخشیدن به آینده‌ی خود است. آینده‌پژوهان صاحبان کسب‌وکارها و دولت‌ها در سراسر دنیا از روش‌هایی استفاده می‌کنند که به آن‌ها فرصت درک، اکتشاف و برنامه‌ریزی برای آینده را می‌دهد. از آن مهم‌تر، آن‌ها می‌دانند که چگونه بر آینده تأثیر بگذارند و آن را تغییر دهند. حال در آینده‌پژوهی فردی، این روش‌ها در سطح فردی، خانواده و کسب‌وکارهای کوچک به کار برده می‌شوند. در واقع، سیستم آینده‌پژوهی راهنمایی است که کمک می‌کند فرد نگاهی روشمند به آینده‌اش داشته باشد. این سیستم گام‌های ساده و کوتاهی دارد که به خلق آینده‌ی دلخواه منتهی می‌شود. دنیای اطراف تا اندازه‌ای برای زندگی ما تصمیم می‌گیرد. با این حال، اگر فردی برای زندگی خود برنامه‌ای داشته باشد، زمانی که تصمیم‌های روزمره را می‌گیرد، هر چقدر هم که کوچک باشند، در جهت برنامه و آینده‌ای که برای خود می‌خواهد، پیش خواهد رفت. در فرایند آینده‌پژوهی فردی، روش‌های مشابهی به کار می‌روند که آینده‌پژوهان در دهه‌های گذشته با موفقیت برای سازمان‌های بزرگ به کار برده‌اند و حال برای تناسب یافتن با زندگی فرد یا خانواده، مقیاس آن‌ها کاهش یافته و مراحل آن به‌صورت زیر است:

گام اول: شناخت فردی؛

گام دوم: ساخت سناریوهایی بر اساس شناخت فردی؛

گام سوم: برنامه‌ریزی راهبردی (استراتژیک) بر اساس این سناریوها.

عاطفه در انزوا

نامدار اعتمادی، استاد یار روان‌شناسی
مهری حسنونند، دانشجوی کارشناسی

احتمالاً بارها با این وضعیت مواجه شده‌اید که دانش‌آموزتان مشکل رفتاری داشته باشد و ناچار شده باشید اقدام پژوهی کنید. با یادآوری اینکه برای رعایت حریم فردی، اسم‌ها در این اقدام پژوهی تغییر یافته‌اند، خلاصه‌ی فعالیت یک دانشجو معلم را با هم مرور می‌کنیم.

مشاهده‌ی رفتار دانش‌آموز در کلاس

- بسیار کم‌رو و گوشه‌گیر است؛
- هنگام پرسش درسی دست و پایش را گم و شروع به گریه کردن و لرزیدن می‌کند؛
- در هنگام املا به پشت سر خود نگاه می‌کند؛
- اصلاً مسئولیت‌پذیر نیست و خودش را از فعالیت‌های کلاس کنار می‌کشد؛
- اهل بگو و بخند و همراهی با بچه‌ها نیست.

با مدیر مدرسه مشورت کردم و مشکلات عاطفه را توضیح دادم. خواستم پرونده‌ی سال‌های قبلش را بررسی کنم. در این حین، متوجه شدم عاطفه از نظر خانوادگی هیچ مشکلی ندارد و احساس ناتوانی و سازش‌ناپذیری و مشکل عاطفی هم در وی مشاهده نمی‌شود. او را فقط فردی خجالتی و کم‌ارتباط با دیگران یافتیم.

نتایج مصاحبه با مدیر

عاطفه برای شرکت در هیچ‌یک از فعالیت‌های مدرسه و مسابقه‌های فرهنگی، هنری و ورزشی مدرسه داوطلب نیست. از لحاظ درسی به نسبت خوب است، اما گوشه‌نشین و ساکت است. با دیگر دانش‌آموزان ارتباط اجتماعی ندارد. در زنگ‌های تفریح بیشتر تنها و گوشه‌گیر است.

نتایج مصاحبه با والدین

در خانه به او توجه می‌شود. فرزند اول خانواده است و در کارهای منزل کمک می‌کند، ولی به کارهای خارج از خانه تمایل ندارد و کاری از پیش نمی‌برد. در منزل خیلی او را امر و نهی و کارهایش را نقد می‌کنند.

استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مقالات

به کتاب‌های اعتماد به نفس و خودباوری، مقاله، پایان‌نامه و اینترنت نیز مراجعه کردم تا دلایل مشکلاتی همچون «نداشتن خودباوری» و «نبود اعتماد» در عاطفه را بیابم.

تجزیه، تحلیل و تفسیر داده‌ها
با جمع‌آوری و جداسازی اطلاعات در مورد علت‌های ضعف خودباوری در



آموزشی
ابتدایی

دی‌ماه

دوره‌ی بیست و پنجم
شماره‌ی ۴ | ۱۴۰۰

۱۶



محدودیت‌ها

۱. وجود ملاک‌های ناصحیح ارزشیابی از دانش‌آموزان؛
۲. جانب‌داری ناآگاهانه‌ی والدین از فرزندانشان؛
۳. ضعف ارتباط بین اعضای گروه‌ها؛
۴. کمبود امکانات؛
۵. همکاری نکردن اولیا با مربیان؛
۶. مشکلات برقراری ارتباط در فضای مجازی، به‌علت شیوع ویروس کرونا.

پیشنهادهای

۱. همکاران محترم، قبل از هر اقدامی ریشه و منشأ مشکل را پیدا کنید و با برقراری ارتباط صمیمانه با شاگردان، برای برطرف کردن مشکل تلاش کنید.
۲. برای کسب شناختی اولیه از دانش‌آموز، پرونده‌ی سال‌های قبل او را بخوانید.
۳. جلسه‌های آموزش خانواده تشکیل دهید و از طریق ارتباط فردی با اولیای دانش‌آموز دارای اختلال، به وضعیت او رسیدگی و آن را پیگیری کنید.

دانش‌آموزان دیگر فهماندم ممکن است من با دیگران هم اشتباه کنیم، ولی باید در تکرار بعدی، این اشتباه را انجام ندهیم و دقت‌مان را بالاتر ببریم؛ مثلاً در هنگام درس دادن بعضی کلمات را اشتباه می‌گفتم، دانش‌آموزان در ابتدا می‌خندیدند و سعی می‌کردند اشتباهم را به من بفهمانند و به‌نحوی مرا مسخره کنند، اما وقتی دیدند این کار در هر ساعت چند بار تکرار می‌شود، برای آن‌ها عادی شد. فقط لب‌خند می‌زدند و به ادامه‌ی درس توجه می‌کردند. با این عمل سعی کردم اشتباهات عاطفه را در پاسخ‌دادن، کمی عادی نشان دهم تا دیگر او را مسخره نکنند. همچنین، سعی کردم به دیگر دانش‌آموزان بفهمانم که در هنگام پاسخ‌دادن دوستانشان ساکت باشند و به صحبت او گوش دهند. در بین کلام او سخن نگویند و به دوستانشان احترام بگذارند. بدین ترتیب، حواس پاسخ‌دهنده کمتر پرت می‌شد و تمرکز بیشتری برای پاسخ‌دادن داشت. به پدر و مادر وی توصیه کردم او را تشویق و حتی به کارهایی وادار کنند که به ارتباط بیشتر او در خارج از منزل می‌انجامد؛ مثل خرید کردن و نانواپی رفتن. ساعت‌هایی در طول روز او را در محیط بازی بچه‌ها قرار دهند تا ارتباط بیشتری برقرار کند. او را به مسجد ببرند تا هم نماز بخواند و هم با دیدن دیگران تشویق به هم‌صحبت شدن با دیگران شود. همچنین، در مسجد، گروه بسیج، کتابخانه و کلاس‌های آموزشی و فوق برنامه، او را ثبت‌نام و تشویق به شرکت کنند. همیشه تشویقش کنند تا علاقه‌مند شود و دریابد که ارتباط بیشتر او می‌تواند از کم‌رویی او بکاهد. خودم سعی می‌کردم در حین درس دادن از او سؤال کنم و در ازای پاسخ درست، با ثبت نمره‌ی مثبت در دفتر کلاسی، او را تشویق کنم. در مورد درس از او نظرخواهی می‌کردم و هیچ‌گاه او را کم‌رو خطاب نمی‌کردم.

نتیجه‌گیری

اهمیت اعتمادبه‌نفس برای کسانی که با کودکان و نوجوانان سروکار دارند، روشن است. اعتمادبه‌نفس پایین یکی از مشکل‌های روانی بشر به‌خصوص در سنین نوجوانی و اوایل جوانی است، زیرا فرد در این سن، با توجه به تغییرات جسمی و روانی و شکل‌گیری شخصیت و وجود بحران‌های متعدد، آسیب‌پذیرتر است.

عاطفه به تجزیه و تحلیل آن اطلاعات پرداختم. با کمک مدیر آموزشگاه، مشاور اختلالات، صاحبه با والدین، مشاهده‌های خودم و نکته‌های به‌دست‌آمده از کتاب‌ها و منابع اینترنتی در این زمینه، گام‌های مثبتی در برطرف کردن این مشکل برداشتم و دریافت‌م خانواده نقش بسزایی در انگیزه‌ی تحصیلی کودک و نوجوان دارد. وضعیت خانوادگی، نوع پرداختن به تربیت بچه‌ها و به‌دست آوردن تجربه‌های خاص در محیط خانه در خودباوری کودک مؤثر است. برای مثال، والدینی که به اهمیت مسئولیت‌شان در تربیت فرزندانشان آگاه‌ترند و محیط خانه را برای تربیت فرزندان آماده‌تر می‌کنند، فرزندان با انگیزه‌تری دارند تا خانواده‌هایی که درگیر مسائل خودشان‌اند. هم‌سالان از طریق مقایسه‌ی توانمندی‌های اجتماعی و یادگیری برانگیزه‌های یکدیگر تأثیر می‌گذارند. دانش‌آموزانی که در جمع هم‌سالان پذیرفته‌تر هستند و مهارت‌های برقراری ارتباط بیشتری دارند، به‌طور معمول در مدرسه هم بهتر عمل می‌کنند. هم‌سالان از طریق بحث و گفت‌وگو چیزهای زیادی از یکدیگر می‌آموزند. دانش‌آموزانی که در تحصیل موفقیت چندانی ندارند، نسبت به معلم و تکالیف بدبین هستند و علاقه‌ی چندانی به انجام آن ندارند و در نتیجه معلم هم آن‌ها را نقد می‌کند. زمانی دانش‌آموز در مسیر شایستگی‌های خود قدم بر می‌دارد که احساس موفقیت در او ایجاد شود و حمایت‌های معلم و والدین را به‌طور هم‌زمان داشته باشد. اطلاعات به‌دست‌آمده و یادداشت‌شده، همگی بیانگر این نکته بودند که عاطفه از نظر فیزیکی هیچ مشکلی برای صحبت کردن ندارد. علت کم صحبت کردن وی به‌طور خلاصه چنین بود:

- تحقیر و تنبیه توسط معلم یا معلمان سال‌های قبل؛
- اظهار حساسیت بیش از حد خانواده نسبت به عاطفه؛
- کم‌بودن دوستان و ارتباط کم‌داشتن با آن‌ها در مدرسه و خارج از مدرسه؛
- کم‌بودن عزت‌نفس به‌دلیل بد انجام دادن مسئولیت‌ها و سرزنش‌های بعد از آن.

راه‌حل‌ها

با همکاری والدین و دیگر همکاران و مدیر مدرسه توانستم موفقیت‌هایی را در این دانش‌آموز ایجاد و از مسخره‌شدنش توسط دیگران جلوگیری کنم. در این مسیر به

هر کسی کار خودش

دبستان پسرانه و دخترانه‌ی ۱۵ خرداد روستای تمسک، مدرسه‌ای دولتی است که در منطقه‌ی دشت سر شهر آمل قرار دارد و آقای وفایی مدیر آن است. مدرسه ۶۲ دانش‌آموز دارد و سه کلاس درس؛ هر دو پایه در یک کلاس. جمعیت تقریبی هر پایه ۱۲ نفر است. آموزگار دو پایه‌ی پنجم و ششم در کلاسش ۲۳ دانش‌آموز دارد.

سیده خدیجه حسینی
راهبر آموزشی، آمل



ساعت هنوز ۱۰ شب نشده بود. به برنامه‌ی بازدید فردا می‌اندیشیدم. همه‌ی مدرسه‌ها و همکاران را از ذهن گذراندم. کرونا عجب تحولی در زندگی ایجاد کرد! سوار بر ماشین ذهن شدم و از خیابان‌ها یکی پس از دیگری عبور کردم و پیچ‌ها را گذراندم. به مدرسه‌ای واقع در یک روستا رسیدم. کلاس دوپایه‌ی پنجم - ششم؛ کلاسی با ۲۳ دانش‌آموز، ۱۳ پسر و ۱۰ دختر. برای مدیر محترم پیام دادم که مرا عضو کلاسشان کند.

از ۱۰ دانش‌آموز پنجم ۴ دختر و ۶ پسر بودند و از ۱۳ دانش‌آموز ششم، ۴ دختر و ۹ پسر. بی‌تردید اداره کردن یک کلاس دوپایه‌ی پنجم و ششم به‌طور هم‌زمان کار سختی است و تجربه‌ی بالایی را می‌طلبد.

صبح روز بعد وارد کلاس شدم. معلم محترم ۲۶ سال سابقه داشت. دوران قبل از کرونا، به‌صورت حضوری به کلاسش رفته بودم.

ساعت ۹ صبح معلم با باز کردن گروه کلاسی در سامانه‌ی شاد و گذاشتن عکس سلام و صبح‌به‌خیر و فایل صوتی سلام و احوال‌پرسی، از دانش‌آموزان خواست حضور خود را اعلام کنند. در این حین، پیام خوشامدگویی را نیز برای حضور من در گروه فرستاد.

دانش‌آموزان با فرستادن کلمه‌ی حاضر، صوتی یا با نوشتن نامشان، حضور خود را اعلام کردند. پس از حضور و غیاب، به یک‌باره همه‌ی محتوای تدریس برای دو پایه، یکی پس از دیگری، فضای گروه را پر کرد. فیلم، عکس، سؤال امتحانی، فایل صوتی و...

محتواها را یکی‌یکی باز کردم. فایل‌ها به‌صورت نامرتب و نامشخص فرستاده

شده بودند و تا باز نمی‌کردیم، نمی‌دانستیم مربوط به چه درسی هستند. دانش‌آموزان سردرگم بودند و پی‌درپی می‌پرسیدند کدام فایل را باید باز کنند. گروهی نیز هنوز داشتند حضور خود را اعلام می‌کردند.

صوت معلم به گروه ارسال شد. از دانش‌آموزان خواسته بود فایل ریاضی را ببینند. دوباره رگبار سؤال‌ها آغاز شد.

در این کلاس خبری از روش‌های آموزش و اداره‌ی کلاس‌های چندپایه نبود. دانش‌آموزان بارها و بارها سؤال‌هایی را می‌پرسیدند که نشان از سردرگمی آن‌ها داشت و در این میان مطلب اصلی تدریس گم می‌شد.

یک موقعیت خاص

در کتاب «یک موقعیت خاص به نام چندپایه» نوشته‌ی **سید داوود میرشفیعی لنگری** می‌خوانیم: «تکنه‌ی اساسی و مهم در آموزش کلاس چندپایه این است که باید برنامه‌ای را طراحی کرد تا در یک جلسه‌ی آموزشی، هم‌زمان همه‌ی پایه‌ها بتوانند چه با آموزش مستقیم و چه غیرمستقیم، در تمام وقت یک جلسه‌ی آموزشی فعال بوده و فرصت یادگیری داشته باشند. اغلب اوقات به‌دلیل ناآشنایی معلم با شیوه‌های اداره‌ی کلاس چندپایه، بعضی از پایه‌ها زیر اجرای برنامه‌ی آموزشی دیگر پایه‌های کلاسشان له می‌شوند» (داوود میرشفیعی، ۱۳۹۵: ۲۰).

کلاس به همین روش پیش رفت. من واقعاً سردرگم بودم. فکر می‌کنم دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان هم همین‌طور بودند. در آخر روز کاری، به‌طور خصوصی پیامی را به همکار محترم فرستادم و ضمن تشکر از ایشان، در مورد چگونگی مدیریت کلاس، زمان شروع کلاس و چگونگی حضور و غیاب دانش‌آموزان سؤال‌هایی را مطرح کردم. همچنین، از نحوه‌ی ثبت غیبت‌ها و تأخیرها، مدت زمان حضور و غیاب در کلاس، و چگونگی استفاده و ارسال محتوا نیز سؤال کردم.

پاسخ همه‌ی این سؤال‌ها به چگونگی مدیریت کلاس برمی‌گشت. از این‌رو، به ایشان توصیه کردم کتاب یک موقعیت خاص را از صفحه‌ی ۲۰ که مربوط به اداره‌ی کلاس چندپایه است، مطالعه کند. در ضمن از ایشان خواستم برنامه‌ی روز بعدش را بگوید تا در چگونگی ارسال محتوا

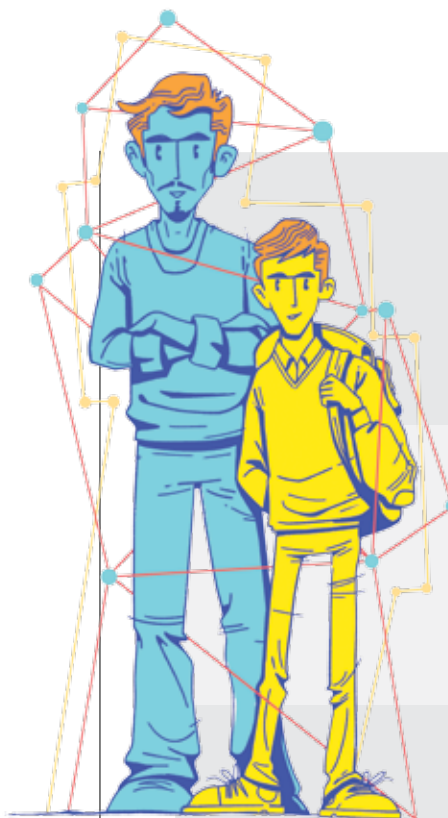


آزمایشی

دی‌ماه

دوره‌ی بیست و پنجم
شماره‌ی ۴ | ۱۴۰۰

۱۸



وحید و حمید برادرند

دبستان پسرانه شهدای شباب ۲ مدرسه‌ای دولتی است که در شهرستان چرداول، شهر شباب ایلام قرار دارد و آقای امامی مدیر آن است. مدرسه ۹۸ دانش‌آموز دارد و ۴ کلاس درس؛ جمعیت تقریبی هر کلاس ۲۵ نفر است. آقای نورالله احمدی آموزگار پایه‌ی ششم است و در کلاسش ۲۱ دانش‌آموز دارد.

نورالله احمدی
آموزگار، استان ایلام



«هنگام تدریس مبحث هم‌خانواده در فارسی پایه‌ی سوم، به دانش‌آموزان گفتم: «اگر الان شخصی به کلاس ما بیاید، به‌راحتی می‌توانیم بگوییم او از خانواده‌ی کدام یک از بچه‌هاست؛ چون رنگ پوست، مو، چشم، چاقی و لاغری، اندازه‌ی قد و خیلی ویژگی‌های دیگر در افراد یک خانواده مثل هم هستند.» پس از آن، واژه‌های هم‌خانواده را برایشان این‌گونه توضیح دادم: «کلمه‌ها هم می‌توانند مثل ما انسان‌ها از یک خانواده باشند. کلمات هم‌خانواده حروف مشترکی با هم دارند. مثل حسن، احسان، حسین و محسن که حروف ح، سین و نون به‌ترتیب در همه‌ی آن‌ها تکرار شده‌اند. پس این کلمات هم‌خانواده هستند.» این روش در یادگیری آنان بسیار مؤثر بود.

«در همه‌ی پایه‌ها، به‌خصوص پایه‌های دوم و سوم، هر ماه متن یک سوره‌ی خیلی کوتاه از سوره‌های قرآن در کنار تخته‌ی کلاس نصب و هر روز رنگ اول، با ورود معلم به کلاس خوانده می‌شد. این کار باعث شد در کل سال دانش‌آموزان هشت سوره‌ی قرآن را حفظ کنند. ضمن اینکه در یک جلسه، در حد توان، همان سوره نیز توضیح داده می‌شد تا با مفهوم آن آشنا شوند و بدانند چه چیز می‌خوانند.

گزیده‌ای از سند برنامه‌ی درسی ملی

در حوزه‌ی تربیت و یادگیری زبان و ادبیات فارسی، در سازمان‌دهی محتوا در دوره‌ی ابتدایی، عمدتاً کارکرد ارتباطی زبان مورد توجه قرار می‌گیرد و کارکرد هنری زبان صرفاً با هدف لذت‌بردن از زبان دنبال می‌شود.

و مدیریت کلاس کمکش کنم. از او خواستم بگوید در هنگام تدریس و اداره‌ی کلاس چه چیزی مانع کارش می‌شود؟

همکارم بسیار گشاده‌رو و پذیرا بود. همان را عنوان کرد که من امروز دیده بودم. با هم گفت‌وگو کردیم و به این نتیجه رسیدیم که باید قوانین مشخص‌تری در گروه کلاسی ارسال و سنجاق شود تا دانش‌آموزان از آن‌ها مطلع شوند. معلم پیشنهادهای خوبی هم مطرح کرد؛ مثلاً کلاس با دریافت فایل تصویری یا صوتی قرآن خوانی یک یا دو دانش‌آموز آغاز شود یا چند حرکت نرمشی برای شروع کلاس انتخاب شوند و دانش‌آموزان، در زمان مقررشده، آن را انجام دهند و فیلم بگیرند.

من تأکید کردم محتوا را حتماً با زیرنویس بفرستد تا جای این همه سؤال نباشد و دانش‌آموزان گروه را شلوغ نکنند. به ایشان یادآوری کردم، شروع کلاس را مدیریت کند تا زمان به همه‌ی درس‌ها برسد.

روز بعد نیز در کلاسش ماندم. با سلام و احوال‌پرسی و صبح‌به‌خیر از دانش‌آموزان خواست تا ساعت ۹:۱۵ به‌صورت صوتی کلمه‌ی «حاضر» را بفرستند؛ در غیر این صورت، تأخیرشان در دفتری ثبت می‌شود. دلیل درخواست صدا هم، خواب‌ماندن برخی از دانش‌آموزان و حاضری‌زدن بعضی والدین از طرف فرزندانشان بود. از یک دانش‌آموز پنجم و دانش‌آموزی از پایه‌ی ششم خواست سوره‌های کوتاه برای شروع کلاس بخوانند. در ادامه، قوانینی برای گروه فرستاده شد. فیلمی را با توضیح «مطالعات پنجم، صفحه‌ی...» برای دانش‌آموزان فرستاد و از پایه‌ی پنجم خواست آن را نگاه کنند و در مدت ۳۰ دقیقه به سؤال‌ها پاسخ دهند. پایه‌ی ششم نیز به همین ترتیب اداره شد. کلاس بسیار متفاوت‌تر از دیروز بود.

بی‌مناسبت نیست اگر باز به گوشه‌ای از آموزش‌های کتاب استاد میرشفیعی اشاره کنم: «معلم یک کلاس چندپایه در واقع سرپرست یک خانواده‌ی پرفرزند است که باید برای همه‌ی آن‌ها به‌صورت متفاوت برنامه‌ریزی کند و به‌نسبت مساوی توجه خود را به هر کدام از آنان نشان دهد. در واقع کلاس چندپایه کلاسی است برای تمرین زندگی.»

منبع: سیدداوود میرشفیعی‌لنگری (۱۳۹۵). یک موقعیت خاص به نام چندپایه. مدرسه. تهران.

آموزشی

دی‌ماه

دوره‌ی بیست و پنجم
شماره‌ی ۴ | ۱۴۰۰

۱۹

نگاهش را شنیدم

دبستان دخترانه‌ی «نجمه محمدعلی پهلوان» مدرسه‌ای دولتی است که در استان خراسان جنوبی، شهرستان بجنورد، روستای محمدعلی پهلوان قرار دارد و خانم مرضیه فیروز جنگ مدیر آن است. مدرسه ۲۸۰ دانش‌آموز دارد و ۹ کلاس درس. جمعیت تقریبی هر کلاس ۳۰ نفر است. خانم آمنه هادی‌زاده آموزگار پایه‌ی اول است با ۲۹ دانش‌آموز.



آمنه هادی‌زاده
آموزگار، بجنورد

خاطره‌ی اول

انتظار چند ماهه به سر آمد. پایم به مدرسه رسید. نگرانی و اضطراب سراسر وجودم را گرفته بود، نگران بودم چگونه با وضعیت سخت کرونا و نبود وقت، به دانش‌آموزانم خواندن و نوشتن را یاد دهم. من معلم پایه‌ی اول بودم. چیدمان صندلی‌ها با فاصله و روبه تخته و جایگاه معلم بود. همه ماسک زده بودند. نمی‌توانستم چهره‌ی معصوم دانش‌آموزانم را ببینم و مثل قبل خبری از شیطنت‌ها و دست‌انداختن‌ها و خندیدن‌های بی‌مهابایشان نبود. کلاس ساکت بود و زمان اندک. آرام‌بودن کلاس و ندیدن لب‌خند دانش‌آموزان دلم را می‌سوزاند، هر چند به اداره‌ی کلاس کمک می‌کرد.

ردیف اول، در گوشه‌ی میز، دختری با قامتی کوچک، با تعجب به من نگاه می‌کرد. از نگاه معصومش فهمیدم دوست دارد یاد بگیرد، ولی متوجه حرف‌های من نمی‌شود.

برقراری ارتباط با زهرا برای من سخت بود، اما هر روز انگیزه‌ی اینکه چگونه به این دانش‌آموز کمک کنم تا خواندن و نوشتن را یاد بگیرد، در من زیادت‌رمی‌شد. با مدیر مدرسه صحبت کردم. فهمیدم زهرا مشکل شنوایی دارد و نمی‌تواند روان صحبت کند. بسیار نگران شدم. در جلسه‌ای با ولی دانش‌آموز، از مشکلات زهرا پرسیدم. پدرش از وضعیت او بسیار نگران بود.

گفت دو سال است زهرا زیر نظر مرکزی خاص تحت‌درمان است. در تماس با مدیر آن مرکز متوجه شدم، زهرا هم مشکل شنوایی دارد و هم از نظر هوش کلامی در سطح بسیار پایینی است و با این شرایط امسال را باید از آموزش پایه‌ی اول صرف‌نظر کند. این وضعیت مرا بسیار نگران کرد.

وقتی در کلاس شروع به تدریس می‌کردم، زهرا فقط نگاه می‌کرد و هیچ عکس‌العملی نشان نمی‌داد. سواد پدر و مادر زهرا در حد پایه‌ی دوم ابتدایی بود و این موضوع کار را هم برای من و هم برای آن‌ها سخت می‌کرد. از مادر زهرا خواستم با من در ارتباط باشد. با تعطیلی مدرسه‌ها، نگرانی‌ام چند برابر شد. سعی کردم محتوایی را که به‌صورت مجازی ارائه می‌دهم، ابتدا برای اولیا فهم‌پذیر باشد تا با سواد کم هم بتوانند مفاهیم و آموزش را راحت‌تر به فرزندشان انتقال دهند.

بعد از چند جلسه تمرین، متوجه شدم دانش‌آموز کم‌کم ترکیبات را یاد گرفته است و می‌شناسد. این پیشرفت مرا امیدوار کرد و انگیزه‌ام را زیاد و زیادتر. به‌طور مداوم، با مادر زهرا در تماس بودم، راه و روش تدریس را بارها به او می‌گفتم. از حضور زهرا در سامانه‌ی شاد مطمئن می‌شدم. به مادر زهرا هم امیدواری می‌دادم تا ناامید نشود و از تلاش دست برندارد. روزها و ماه‌ها گذشت. زهرا در حال پیشرفت بود؛ هر چند یادگیری او با دانش‌آموزان دیگر بسیار تفاوت داشت.

در این سال تحصیلی کرونایی و مشکلاتی که در سامانه‌ی شاد بود، بالاخره با کمک مادر زهرا توانستم خواندن و نوشتن را به او یاد دهم.

خاطره‌ی دوم

تدریس در دوران کرونا تجربه‌ای جدید بود با مشکلاتی زیاد؛ آموزش در منطقه‌ی محروم، نبود امکانات، کم‌سوادی اولیا، در دسترس نبودن دانش‌آموز و تعطیلی مدرسه‌ها بسیار سخت بود و فشار روانی زیادی داشت. مریم و مینا دو دانش‌آموز مرزی (مرز بین آموزش‌پذیر و تربیت‌پذیر) بودند. سرپرستی آن‌ها را فقط مادرشان به عهده داشت و او نیز برای تهیه‌ی مایحتاج دو فرزندش مجبور بود از کله‌ی صبح تا غروب آفتاب کار کند. تعطیلی مدرسه‌ها، به‌علاوه‌ی خستگی زیاد مادر، نداشتن سواد و آشنابودنش با فضای مجازی، عواملی بودند که منجر به عقب‌افتادن آموزش این دو کودک به‌مدت دو ماه شده بودند.



تجربه‌ی کار با دانش‌آموز کم‌شنوا

آیندگی

وی‌ماد
دوره‌ی بیست و پنجم
شماره‌ی ۴ | ۱۴۰۰

۲۰

خیلی نگران بودم. به صورت حضوری مادر مریم و مینا را ملاقات کردم. در این دیدار متوجه شدم او نمی‌تواند از گوشی هوشمند استفاده کند. از او خواستم در ساعت‌های مشخصی، از کسی که به گوشی و فضای مجازی آشناست، کمک بخواهد تا او را راهنمایی کند و نحوه‌ی استفاده کردن از گوشی را به او یاد دهد. مادر مهربان در ساعت‌های تعیین شده با اشتیاق خود را به خانه‌ی همسایه می‌رساند تا آموزش‌های ارسالی مرا بیاموزد و به دخترانش انتقال دهد. در این میان، من هم سعی می‌کردم مکرر با او در ارتباط باشم تا در این مسیر دلسرد نشود. در دوران کرونا، روزها و ماه‌ها، من درگیر مطالعه‌ی روش‌های مناسب و متعدد بودم تا با استفاده از آن‌ها به گونه‌ای تدریس کنم که درس برای دانش‌آموزانم و اولیایشان آسان‌تر و فهم‌پذیرتر باشد. اعتقاد من بر این است که معلم برای موفقیت در تدریس به صورت مجازی باید برنامه‌ای محتوایی تنظیم و از تمام ابزارها و روش‌های متعدد در برنامه‌ی آموزشی خود استفاده کند.

چند راهکار تدریس در فضای مجازی

- استفاده از ابزارهای چندرسانه‌ای؛ • تماس تصویری؛ • استفاده از تورهای مجازی (گردشگری الکترونیکی)؛ • تهیه و ضبط فیلم آموزشی؛ • ایجاد چالش برای دانش‌آموزان؛ • بازی و مسابقه.

برگزاری کلاس‌های مجازی به تنهایی کافی نیست؛ به خصوص در مناطقی که اولیا سواد کافی ندارند. خلاقیت در تدریس، ایجاد جذابیت در کلاس و آسان کردن یادگیری برای دانش‌آموزان در آموزش مجازی اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. نبود این عوامل آموزش را ناکارآمد نشان می‌دهد و دانش‌آموز نمی‌تواند با فضای مجازی ارتباط برقرار کند.

گزیده‌ای از سند برنامه‌ی درسی ملی

درسند تحول بنیادین، «تعلیم و تربیت» فرایندی است تعالی‌جویانه، تعاملی، تدریجی، یکپارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی که به منظور هدایت افراد جامعه به سوی آمادگی برای تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه‌ی ابعاد، زمینه‌های مناسب تشکیل و تعالی پیوسته‌ی هویت ایشان را در راستای شکل‌گیری و پیشرفت جامعه‌ی صالح اسلامی فراهم می‌آورد.



سه دور و خرده‌ای



رسول مظهر
آموزگار، بجنورد

در هنگام تدریس مبحث اندازه‌گیری محیط و مساحت دایره، تمایل داشتم آموخته‌های قبلی دانش‌آموزان را بسنجم و ادامه‌ی آموزش را با توجه به میزان درک آن‌ها از این درس کامل‌تر کنم. کار را با این سؤال آغاز کردم: «بچه‌ها چه کسی می‌تواند فرمول محاسبه‌ی مساحت و محیط دایره را برای بقیه‌ی دوستانش یادآوری کند؟»

چهار نفر از شاگردان کلاس به نام‌های صالح وحیدی، آرین زارع، میلاد محمدی و علی نورانی داوطلب شدند. آرین پای تخته‌ی کلاس آمد و موارد خواسته‌شده را نوشت. سایر دانش‌آموزان هم بعد از دیدن فرمول‌های نوشته‌شده، مطالب را به یاد آوردند و آرین را تشویق کردند. در همین حین، یکی از دانش‌آموزان کلاس به نام مجتبی ایزانلو پرسید این عدد $\frac{3}{14}$ چیست و چرا از آن در محاسبه‌ی محیط و مساحت دایره استفاده می‌کنیم؟ دانش‌آموزان همگی مبهور شدند و کلاس لحظاتی در سکوت فرو رفت. چند دقیقه سپری شد، اما از جواب خبری نبود که نبود. از بچه‌ها خواستم به‌صورت گروهی در این مورد تحقیق کنند و جلسه‌ی بعد نتیجه را در کلاس گزارش دهند. با تعدادی از شاگردان هم قرار گذاشتم جلسه‌ی بعد یک تخته و تعدادی میخ و مقداری نخ با خودشان به کلاس بیاورند.

کمتر از چند سانتی‌متر نخ

ابتدا پیگیر نتایج تحقیق دانش‌آموزان شدم، اما آن‌ها نتیجه‌ی مطلوبی پیدا نکرده بودند. از این‌رو، روی تخته‌ی چوبی که با خود آورده بودند، یک دایره رسم کردم و دور تا دور آن را میخ کوبیدم. نخ‌ی را دور میخ‌ها کشیدم. و اضافه‌اش را بریدم. پرسیدم: این نخ چه چیز را اندازه می‌گیرد؟ همه گفتند محیط. سپس همان نخ را برداشتم و این‌بار از یک طرف دایره به طرف دیگر کشیدم؛ به‌صورتی که از مرکز دایره گذشت و قطر درست شد. این حرکت را به‌گونه‌ای انجام دادم که بچه‌ها می‌دیدند نخ‌ی که محیط دایره شده بود، در دست‌انم اضافی آمده است. پرسیدم: «این نخ‌ی که از یک طرف دایره به طرف دیگر کشیدم و از مرکز دایره هم گذشت، چه چیزی را اندازه می‌گیرد؟» همگی گفتند: «قطر دایره»

یکی از دانش‌آموزان پرسید: «با بقیه‌ی نخ چه کار می‌کنید؟» سریع با اضافه‌ی نخ همان کار قبلی را تکرار کردم و گفتم: «بچه‌ها، حالا چند دور قطر درست شد؟»

پاسخ دادند: «دو دور»

ادامه‌ی نخ را دور همان قطر قبلی کشیدم و پرسیدم: «حالا چطور؟» گفتند: «سه دور»

مقدار خیلی کمی از نخ باقی مانده بود که دوباره همان مقدار اضافی را به‌طرف مرکز دایره کشیدم و این بار به انتهای نخ رسیدم. به بچه‌ها توضیح دادم، با نخ‌ی که محیط دایره را اندازه گرفتیم، می‌توانیم سه دور و خرده‌ای که آن خرده به اندازه‌ی $\frac{1}{14}$ صدم (اندازه‌ی سه دور یکی از قطر‌هاست)، دور یکی از قطر‌ها را اندازه بگیریم. این همان $\frac{3}{14}$ است.



دبستان پسرانه‌ی «حاج‌محمود بنکداران» مدرسه‌ای دولتی است که در منطقه‌ی شهری بجنورد قرار دارد و آقای سیدباقر حسینی مدیر آن است. مدرسه ۱۲۰ دانش‌آموز دارد و ۶ کلاس درس؛ جمعیت تقریبی هر کلاس ۲۰ نفر است. آقای رسول مظهر آموزگار پایه‌ی ششم با ۲۳ دانش‌آموز است.

میم آخر، میم غیر آخر

نریا گرجی دیز آبادی
راهبر آموزشی تربیتی، قائم شهر



خاتم گرجی از تجربه‌اش می‌گوید.



یکی از روزهای زیبای پاییز بود؛ فصل بهار دانش و اندیشه. زیبایی و تنوع رنگ‌های پاییز به همراه تنوع یادگیری و تفاوت‌های فردی کودکان شوق تغییر را در من ایجاد می‌کرد. با این خیالات شورانگیز به طرف دبستانی چندپایه رهسپار شدم؛ مدرسه‌ای باصفا و طبیعتی زیبا. با استقبال گرم دانش‌آموزان و معلمان روبه‌رو و بعد از مراسم صبحگاه، وارد کلاس پایه‌ی اول شدم. نخست، با دانش‌آموزان ارتباطی صمیمی برقرار کردم. مدیرآموزگار قصد داشت نشانه‌ی «م» را تدریس کند. می‌گفت: «منی‌دانم چرا بچه‌ها یاد نمی‌گیرند؟! خیلی بازیگوش هستند.» او همچنین گفت اصلاً سابقه‌ی تدریس در پایه‌ی اول را ندارد و از این رو مشکلات زیادی دارد. با سنجش اجمالی دریافتیم اکثر دانش‌آموزان در شناخت نشانه‌ها و همچنین ترکیب صداها مشکل دارند.

از آموزگار خواستم تدریس کند. با کمال میل پذیرفت و شروع به تدریس کرد. من مطالبی را یادداشت کردم. نظارت بالینی دو زنگ پی‌درپی ادامه یافت. بعد از کلاس بعضی از نکته‌های تدریس خوب را به او یادآوری کردم که در اینجا هم به آن‌ها اشاره می‌کنم:

۱. استفاده‌ی مناسب از رسانه‌ی آموزشی؛
 ۲. توجه به اهمیت و نیاز جدول نشانه و جدول دوستی؛
 ۳. ایجاد روح و نشاط لازمی که دانش‌آموز را به فعالیت وادارد؛
 ۴. درگیر کردن حواس پنج‌گانه‌ی دانش‌آموز به موضوع و ایجاد یکپارچگی بین حواس، به گونه‌ای که حتی حس عمقی را نیز درگیر کند.
- مدیرآموزگار با اشتیاق گوش می‌سپرد و یادداشت برمی‌داشت. یادآور شدم، توجه به تقویت مهارت‌های چهارگانه‌ی زبان‌آموزی (گوش کردن، سخن گفتن، خواندن و نوشتن) اهمیت بسزایی دارد. شوق تغییر در نگاهش مشهود بود. قرار شد من هم همان نشانه را تدریس کنم. با مقوا شکل «م» و سایر نشانه‌ها را در سایزهای متعدد بریدیم و جدول حروف الفبا و جدول دوستی (ترکیب صامت و مصوت) را با کمک هم در دفتر دبستان درست کردیم. لوح تصویر بزرگ و تصویرک‌های خاک‌خورده در کمد کمک‌آموزشی را بیرون آوردیم و به کلاس بردیم. در ابتدا به کمک بچه‌ها و با مقوا یک صورتک خرگوش درست کردیم. تدریس را از زبان آقا خرگوش، در حضور معلم، شروع کردم. بچه‌ها از خنده ریسه می‌رفتند. با دادن تصویرهای کوچک نشانه‌ی میم آخر و غیر آخر به گروه‌ها ایجاد انگیزه کردم و با نصب تصویر بزرگی که معرف نهاد مدرسه بود، روی تخته، بچه‌ها درباره‌ی مقررات مدرسه، رعایت بهداشت فردی و اجتماعی، احترام به اولیای مدرسه و حقوق هم‌کلاسی سخن گفتند. نشانه‌ی «م» را پس از معرفی به دیوار چسباندیم و بچه‌ها در گروه‌های بازی و مسابقه، روی سینی نمک با انگشت حرف «م» را نوشتند یا با خمیر بازی آن را ایجاد کردند. همچنین با چشم بسته و روی هوا نوشتن «م» را تمرین کردند.

در فرصتی دیگر، شکل نشانه‌ی «م» را درشت نوشتیم و از گروه‌ها

خواستیم دور نشانه را قیچی کنند. برای اینکه تمام حواس (عمقی، شنوایی، بینایی، لامسه، بویایی و چشایی) دانش‌آموزان را درگیر کنم، از چند نوع رسانه برای آموزش استفاده کردم. همچنین، شعر نشانه‌ی «م» و شعر ترکیب صداها با حرف «م» را به صورت همگانی خواندیم. در آخر برای نشانه‌ی «م» در جدول الفبا جشن تولد گرفتیم و با دست و جیغ و هورا شعر تولد خواندیم و نشانه‌ی «م» در جدول الفبا رونمایی شد.

معلم با خط زیبای خود نشانه‌ی «م» را روی تخته نوشت و سگ‌ان یادگیری را به دست گرفت و مسافران کوچک را به ساحل رساند. جلسه‌ی ارتقای صلاحیت حرفه‌ای مدیرآموزگار با طعم شیرین نظارت بالینی به پایان رسید.

در این سفر آموزشی، شوق یادگیری را در چشمان معصومانه‌ی کودکان و در نگاه دلسوزانه‌ی مدیرآموزگار احساس کردم و این لبخند رضایت را در وجود نشاندم. بنده به عنوان راهبر آموزشی-تربیتی، تجربه‌هایی از معلمان موفق را به همکار عزیز منتقل کردم و ایشان هم مرتب در تدریس‌های بعدی با من در ارتباط بود. در بازدیدهای بعدی پیشرفت بچه‌ها مثال‌زدنی بود. مشاهده‌ی این موفقیت یکی از لذت‌بخش‌ترین لحظه‌های هنر معلمی من بود.



تجربه‌ها بیان را برای مجله بفرستید.



آغاز

دی‌ماه

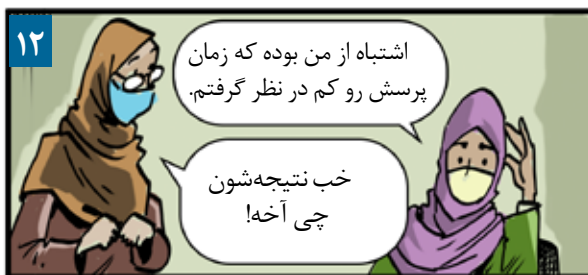
دوره‌ی بیست و پنجم
شماره‌ی ۴ | ۱۴۰۰

۲۳

یادگیری امتحانی

کبری محمودی
تصویرگر: سام سلماسی





کلام آخر: امتحان و ارزشیابی برای یادگیری بیشتر است؛ نه برای نمره و نه برای مچ گیری. چنین ارزشیابی ای عین یادگیری است.

گوش بدهیم، نشنویم!

راهکارهای تقویت گوش دادن مؤثر و فعال



لیلا سلیقه‌دار
مشاور آموزشی

سال‌های بسیاری از زمان دانش‌آموزی او می‌گذرد و هر بار با اشتیاقی وصف‌ناپذیر منتظر بهانه‌ای مثل روز معلم است تا برای شخصی هدیه ببرد که زمانی معلم او بوده است و وقتی را با او سپری کند. دردناک است که در حال حاضر، به دلیل بیماری فراموشی، معلم او را به یاد هم نمی‌آورد، اما این رخداد چیزی از میزان ارادت او کم نمی‌کند. دلیل این حجم از اعتنا و احترام را در کلامی خلاصه می‌کند: «او تنها فردی بود که در دوره‌ای حساس از زندگی، به من گوش داد، شاید نتوانست اثر اتفاق‌های مخربی را که در آن سال مرا تهدید می‌کرد، کم کند، اما اینکه می‌دانستم با کلام و رفتارش مرا درک می‌کند، موجب شد تا آن دوران را پشت سر بگذارم.»

یکی از مهم‌ترین مهارت‌های معلمی، گوش‌دادن سازنده است که از آن به شنونده‌ی فعال بودن یا گوش‌دادن مؤثر یاد می‌کنند. در این نگاه، گوش‌دادن با شنیدن فرق دارد. شنیدن امری غیرارادی است و شامل تمام صداهایی می‌شود که از محیط دریافت می‌کنیم، اما گوش‌دادن فعال مهارتی است که فرد به کمک آن، می‌آموزد چگونه به پیام‌های کلامی و غیرکلامی گوینده توجه کند و به این ترتیب درک معانی و فهم دقیق‌تر احساسات حاصل شود. مهارت گوش‌دادن فعال موجب تقویت رابطه‌های فردی می‌شود؛ همان چیزی که در کار معلمی از ضرورت‌هاست.

ویژگی‌های معلمی با قابلیت گوش‌دادن فعال

- اشتیاق فراوانی برای همراهی و شنیدن سخن دانش‌آموز نشان می‌دهد؛ • بین ارتباط کلامی و غیرکلامی هماهنگی برقرار می‌کند و از هر کدام به‌موقع و به‌درستی بهره می‌جوید؛
- به همه‌ی حرکت‌ها و حالت‌های بدنی دانش‌آموز توجه می‌کند و خود نیز به هنگام

گفت‌وگویی مبتنی بر پرسش، پیام را شفاف می‌کند و تفکر و تمرکز بر موضوع را بیشتر. به همین دلیل، روش‌های تدریس پرسش‌وپاسخ‌محور از جمله شیوه‌های مؤکد در فرایند یاددهی-یادگیری هستند. در این بین، زیاده‌روی در پرسشگری و نیز طرح سؤالاتی به‌منظور سرزنش یا مچ‌گیری از دانش‌آموزان، نتیجه‌ی معکوس دارد و روند ارتباط را مختل می‌کند.

تجربه‌ی کلاسی

یکی از تمرین‌های هر روزی من در کلاس این است که تلاش می‌کنم برای اینکه نشان دهم چقدر حواسم به حرف‌های دانش‌آموزان است، از آنچه می‌گویند، به نشانه‌ی تأیید بیشتر، سؤال می‌پرسم. برای مثال، وقتی دانش‌آموزی در مورد وضعیت درس‌خواندن روز قبل گزارش می‌دهد و می‌گوید: «برادر کوچک‌ترش باعث شده است به‌خوبی نتواند فعالیت‌هایش را دنبال کند»، می‌گویم: «برادر کوچک‌ترت؟! دانش‌آموزان هم به این شیوه‌ی من عادت کرده‌اند. هفته‌ی اولی که دانش‌آموز تازه‌واردی به کلاس ما آمد، سعی کردم برای ایجاد ارتباط بیشتر، زمان‌هایی را با او به گفت‌وگو بگذرانم. در همان روزها بود که با حالتی نشان‌دهنده‌ی صمیمیت و راحتی، به من گفت احساس می‌کند من چندان حرف‌هایش را متوجه نمی‌شوم، چون مدام از او سؤال می‌کنم. تنها امتیازی که این بازخورد برای من داشت، این بود که متوجه شدم با دانش‌آموز تازه‌وارد ارتباط برقرار کرده‌ام.

احترام بگذارید!

دانش‌آموزان خود را فارغ از مقایسه با دیگران، با اوضاع حاضر و بدون هیچ قیدوشرطی بپذیرید. همچنان که اشاره شد، احترام از این نوع به‌معنای مقایسه‌نکردن، دوری از چارچوب‌گذاری برای ارائه‌ی خدمات آموزشی به دانش‌آموزان و نیز تمرکز بر عزت‌نفس و خودارزشمندی آنان است. یکی از راه‌های رسیدن به این مقصود، رعایت قواعد و مقرراتی است که ویژه‌ی هر موقعیت در نظر گرفته می‌شود.

تجربه‌ی کلاسی

ما همیشه در کلاس نمایشگاهی از کارهای بچه‌ها برگزار می‌کنیم.

گوش‌دادن از حرکت‌ها و حالت‌های بدنی مناسب برای تأیید و اعلام درک او استفاده می‌کند؛ • هیچ‌گاه با خمیازه‌کشیدن یا با نگاه‌کردن به ساعت و به اطراف، نگاه خود را از دانش‌آموز نمی‌گیرد؛

• مدام درصدد است با تماس چشمی مناسب، این موضوع را به دانش‌آموز منتقل کند که علاقه‌مند است به حرف‌های او گوش دهد؛ • به‌جای تمرکز و دقت بر افکار خود، به سخن دانش‌آموز گوش می‌دهد.

راهکارهای تقویت گوش‌دادن فعال و مؤثر

اهمیت دهید!

به احساس‌ها، نیازها و خواسته‌های دانش‌آموزان توجه نشان دهید. رفتار شما در برابر انتظار و احساس دانش‌آموز رابطه‌ی میان‌فردی را تقویت یا تضعیف و حس مهم‌بودن یا مهم‌نبودن را در او ایجاد می‌کند.

تجربه‌ی کلاسی

مدیر که به کلاس آمد، درست در میان ارائه‌ی نقد کار یکی از دانش‌آموزان بودیم و هیجان خاصی بچه‌ها را فرا گرفته بود. به دلیل اهمیت این بخش از فعالیت برای همه‌ی دانش‌آموزان، با دیدن مدیر دستم را به علامت دعوت به سکوت، روی لبم گذاشتم و با رفتارم نشان دادم از آمدنشان بی‌سازگزارم، اما در کلاس در جایی بنشینند تا حرف بچه‌ها قطع نشود. بعد از تمام‌شدن ارائه‌ی دانش‌آموز و بیان نظرات دیگران، مدیر از من و بچه‌ها تشکر و به مقصودی اشاره کرد که برای آن به کلاس آمده بود. من در تمام آن مدت به این فکر می‌کردم که چقدر خوب است برای دانش‌آموزان، هیجان‌ها و احساساتشان، به اندازه‌ی لازم و شایسته، احترام قائل شویم.

پرسش کنید!

پرسیدن از رایج‌ترین و درعین‌حال ساده‌ترین مهارت‌ها محسوب می‌شود.



از مخالفت استقبال کنید!

مخالفت‌ورزیدن منطقی، چه توسط معلم و چه دانش‌آموزان، از اهمیت زیادی برخوردار است. دانش‌آموزانی که می‌توانند مخالفت‌ورزیدن منطقی را در کلاس تجربه کنند، در سایر زمینه‌های زندگی نیز با تکیه بر این مهارت روابط سالم‌تری را تجربه می‌کنند.

تجربه‌ی کلاسی

از جمله فعالیت‌های کلاسی، نمایشی است که تقریباً هفته‌ای یک‌بار به اجرا در می‌آید و در هر بار نمایش، دانش‌آموزان به انجام فعالیت خاصی دعوت می‌شوند. برای مثال، در نمایشی باید تلاش کنند ایرادی را در موضوع، محتوا یا اجرای نمایش پیدا کنند که منطقی باشد و بتوانند به‌خوبی آن را بیان کنند. گاهی لازم است در خصوص محتوای ارائه‌شده موضع‌گیری کنند و موافقت یا مخالفت خود را با آن ابراز کنند. شیوه‌ی بیان نیز از نکات مهمی است که باید رعایت شود. دانش‌آموزان در طول این فعالیت‌ها می‌آموزند چگونه خودشان را نسبت به اطرافشان فعال و مؤثر ببینند و نیز ابراز وجود را تمرین کنند.

گروه را به کار گیرید!

کار گروهی روحیه‌ی همکاری، هم‌فکری، همدلی و هماهنگی را تقویت می‌کند. بنابراین، علاوه بر تقویت رابطه، می‌تواند نتایج ارزشمند دیگری مثل همیاری را در پی داشته باشد. لازم به یادآوری است، معلم همواره عضوی برای تمام گروه‌های دانش‌آموزی است. از این طریق ارتباط معلم و دانش‌آموزان نیز تقویت می‌شود و او فرصت بیشتری دارد به صحبت همه‌ی دانش‌آموزان توجه نشان دهد.

تجربه‌ی کلاسی

از جمله تجربه‌های اثرگذار در کلاس، ایجاد گروهی به وسعت کلاس است. در این تجربه از دانش‌آموزان می‌خواهیم مطالب درس را که به تعداد آن‌ها تقسیم شده است، مطالعه کنند و در فایل صوتی یا تصویری، سهم خود را چنان شرح دهند که سایر دانش‌آموزان بتوانند به راحتی از طریق توضیح آن‌ها درس را یاد بگیرند. این فعالیت موجب می‌شود همدلی در کلاس افزایش پیدا کند، دانش‌آموزان گوش‌دادن و تمرکز بر گوینده را تمرین کنند و همگی خود را عضوی از یک گروه بزرگ‌تر بدانند.

منظور، در هفته‌های میانی سال تحصیلی که دانش‌آموزان، مدرسه، هم‌کلاسی‌ها و خودشان را بهتر شناخته‌اند، فعالیت «حقوق من، حقوق دیگری» را در کلاس اجرا می‌کنم. در این فعالیت دانش‌آموزان هر روز دربارهی یکی از مواردی که حق آن‌هاست، در حد چند دقیقه صحبت می‌کنند، سپس آن را روی تابلوی مخصوص این کار نصب می‌کنیم. تا زمانی که دانش‌آموزان احساس کنند دیگر حقی باقی نمانده است، این کار را ادامه می‌دهیم. بعد از این مرحله، آن‌ها مواردی را بررسی می‌کنند که به‌نظرشان حق آن‌ها در ارتباط با هم‌کلاسی، هم‌مدرسه‌ای، معلم، والدین و... است و آن را در جای خود، روی تابلو، قرار می‌دهند. انجام همین فعالیت، حساسیت زیادی را در دانش‌آموزان برای توجه به خود، محیط و اطرافیان ایجاد می‌کند. لازم به یادآوری است، در آموزش مجازی، متنی را که بتوان نگهداری، اصلاح و تکمیل کرد، به نوشتن حقوق اختصاص می‌دهم و در نهایت آن را در قالب یک فایل برای همه‌ی دانش‌آموزان می‌فرستم.

در زمان آموزش غیرحضوری هم نمایشگاه مجازی داشتیم. در این نمایشگاه هر دانش‌آموز، به صورت کلی و بدون اشاره به مقایسه‌ی یک اثر با دیگری، می‌تواند در مورد کار بقیه‌ی دانش‌آموزان نظر بدهد. برای اینکه از نظر سلیقه‌ای پرهیز شود و چارچوب روشنی در اختیار آن‌ها بگذارم، برای هر فعالیت، با مشارکت خودشان، معیارهای خاصی را هم طرح می‌کنم تا نظراتشان را بر همین اساس مطرح کنند.

اجازه‌ی ابراز وجود بدهید!

مهم است که زمینه‌ی ابراز وجود را، با رعایت محدوده‌هایی که به گستاخی منجر نشود، برای دانش‌آموزان فراهم آورید. در این میان به آن‌ها فرصت می‌دهید به راحتی فکر، احساس، اعتقاد و حق خود را بیان کنند. بدیهی است افراد خجالتی و کم‌رو در ابراز وجود بیش از دیگران مشکل دارند.

تجربه‌ی کلاسی

راه‌های بسیاری برای ابراز وجود در کلاس به کار گرفته می‌شوند که به نظر می‌رسد «شناخت خود» و «احساس وجود» مهم‌ترین آن‌هاست. برای این

درآمد آموز باشید

توجه به ساحت تربیت اقتصادی



عکاس: عابدین طاهر کناره

منع مصرف گرایی

مصرف گرایی آسیب است. در هنگام خرید، شما باید به این نکته‌ها توجه کنید: فایده‌ی هر کالا برایتان تا چه اندازه است؟ چقدر باید برایش هزینه کنید؟ تا چه اندازه از آن وسیله استفاده خواهید کرد؟ انباشت لباس‌های غیرضروری، کفش‌های بدون استفاده، لوازم تحریر خوش رنگ و لعاب اما بدون کاربرد، یعنی مصرف گرایی. می‌توانید با زبان داستان مفاهیم «هزینه، فایده و مصرف» را در کلاس مطرح کنید. مثلاً شاید جعبه‌ی مدادرنگی سی‌وشش‌رنگ جذاب باشد، اما چقدر مصرف دارد؟ چقدر به دانش آموز نفع می‌رساند؟ و دانش آموز با همان هزینه چه چیزهای دیگری می‌تواند بخرد؟

ایجاد درآمد

شاید با وضعیت اقتصادی موجود این حرف خنده‌دار به نظر برسد، اما در حال حاضر هم می‌توان پس‌انداز کرد. اگر برای خرید سراغ تولیدی‌ها یا مراکز عمده‌ی فروش بروید، در ماه مقداری از هزینه‌هایتان کم می‌شود. در کلاس فلکی بگذارید، با موافقت اولیای دانش آموزان، از

فاطمه دولتی

کارشناس تعلیم و تربیت



این روزها دخل و خرج به یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های فکری انسان‌ها تبدیل شده است. برخی موفق شده‌اند به امور مالی خود تسلط پیدا کنند و عده‌ای دیگر همچنان نگران‌اند که دخل و خرجشان به هیچ‌وجه با هم هماهنگی ندارد. معلم‌ها هم باید همچون دیگران به مسائل اقتصادی‌شان بیندیشند؛ مقدمات و لوازم پس‌انداز کردن، چگونه خرج کردن، رعایت حق الناس و... را بیاموزند و به آن عمل کنند. از آن جا که معلم‌ها الگو هستند، باید با روش‌های خلاقانه و غیرمستقیم این نکته‌ها را به دانش آموزان خود نیز بیاموزانند.

بودجه‌بندی

هر فرد باید به‌طور جدی حساب دخل و خرج خود را داشته باشد و بر مبنای درآمد خود بودجه‌بندی دقیقی طراحی کند. برای بودجه‌بندی درست، مبلغ درآمد را یادداشت کنید، بعد خرج‌های ضروری را بنویسید و سپس مقداری برای کارهای متفرقه مانند تفریح و آموزش کنار بگذارید. برنامه‌ریزی کردن برای هر کاری خوب است، پس برای خرید هم برنامه‌ریزی کنید. بسیاری از فروشگاه‌ها با کالاهای لوکس، تخفیف‌های طلایی و مسابقه و جایزه در پی جذب مخاطب‌اند. فریب تبلیغات را نخورید. شما چیزی را می‌خرید که به آن نیاز دارید. در کلاس درس گاهی در این باره صحبت کنید. به دانش آموزان خود بگویید برای پول تو جیبی‌شان برنامه‌ریزی کنند.

آیندازی

دی‌ماه

دوره‌ی بیست و نهم
شماره‌ی ۴ | ۱۴۰۰

۲۸

دانش‌آموزان بخواهید هر روز یا هر هفته سهم بسیار کمی از پول توجیبی‌شان را در آن بریزند. با این کار مفهوم پس‌انداز را به‌صورت عملی به آن‌ها یاد داده‌اید. آخر هر ماه یا آخر هر فصل از سال می‌توانید قلمک را باز کنید و با آن وسیله‌ای بخرید که موردپسند بچه‌هاست؛ بازی فکری، کتاب داستان یا وسیله‌ی بازی.

یک کار کوچک

شما معلم هستید، اما به این معنا نیست که نباید هیچ کار دیگری انجام دهید. گاهی راه‌اندازی کسب‌وکار کوچک خانگی می‌تواند در وضعیت اقتصادی تحول ایجاد کند. در کسب‌وکار خانگی، تا زمانی که به سوددهی نرسیده‌اید، نیازی نیست مبلغ زیادی سرمایه‌گذاری کنید و کار خود را گسترش دهید. خیاطی، پخت کیک، روبان‌دوزی، نوشتن مقاله و یادداشت برای مطبوعات و سایت‌ها، پرورش گل و گیاه و... کارهای جالبی هستند که حتماً از پس آن‌ها بر می‌آید. سعی کنید روحیه‌ی کسب مهارت و درآمد را در دانش‌آموزانتان هم رشد دهید. مثلاً اگر مدرسه حامی شما باشد، می‌توانید با کمک بچه‌ها چند گلدان کوچک کاکتوس پرورش دهید یا میوه‌ی خشک درست کنید. به این ترتیب، دانش‌آموزان می‌آموزند برای به‌دست‌آوردن پول باید دست به تولید بزنند و برای معرفی و توزیع کالای خود بکوشند.

اخلاق اقتصادی

خیلی اوقات فرد به‌اندازه‌ی کافی سرمایه دارد، اما دور اخلاق را خط می‌کشد. مثلاً برای به‌دست‌آوردن پول دست به هر کاری می‌زند. یک نمایش کوتاه می‌تواند مفهوم حق‌الناس یا زشتی اسراف کردن را منتقل کند. با قراردادن صندوق صدقه‌ای در کلاس و انداختن مبلغ کمی در صندوق برای کمک به دیگران، می‌توانید دانش‌آموزان را با مفاهیمی چون نیکوکاری و احسان آشنا کنید.



آموزش علمی

مفهوم شناسی ارزشیابی کیفی توصیفی



معصومه فروش
برنامه ریز درسی

رویکردهای ارزشیابی کیفی توصیفی

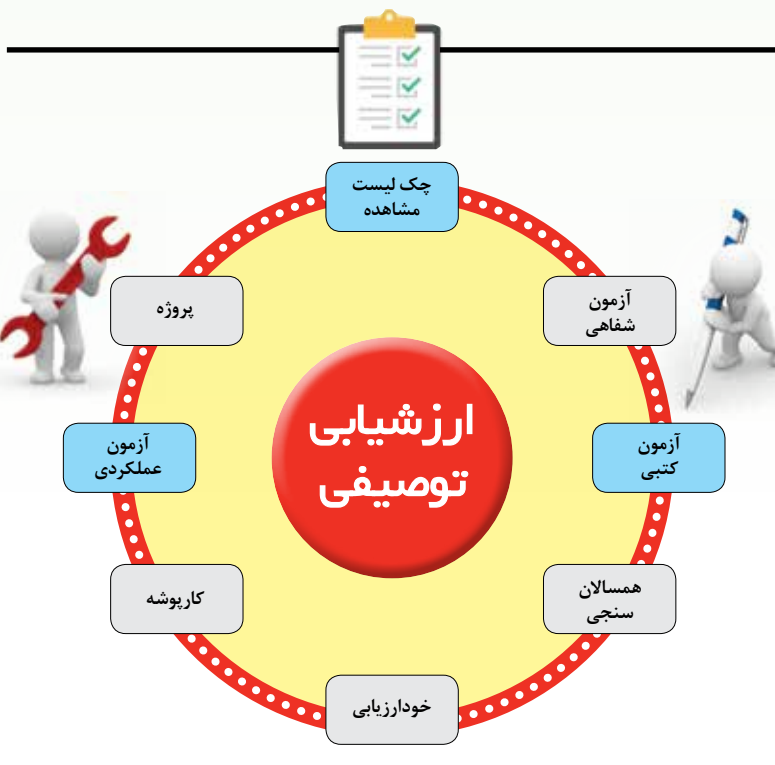
رویکرد و نگاه این روش ارزشیابی نسبت به دانش آموز با حرمت و کرامت همراه است. در این رویکرد، با ارائه تکالیفی رشد دهنده و بازخوردی مثبت، باور بر این است که هر دانش آموز قابلیت رشد و پیشرفت مداوم دارد و طراحی موقعیت های سنجش و یادگیری بر نگاه توسعه و رشد معلم و دانش آموز مبتنی است. معلم به عنوان راهنما و تسهیلگر یادگیری، لازم است با ارائه بازخوردهای مؤثر و مثبت و تکالیفی رشد دهنده، باور داشته باشد که هر دانش آموزی قابلیت رشد و پیشرفت مداوم را دارد. سنجش و ارزشیابی معتبر، دانش آموز را برای یادگیری برانگیخته می کند تا چگونه یاد گرفتن را بیاموزد. در چنین رویکردی، یادگیرنده به فردی فعال تبدیل می شود که از احتمال خطا ترسی ندارد و همواره خود به دنبال پاسخ پرسش هایش است.

الف) سنجش از یادگیری

این رویکرد از قدیم مرسوم بوده است. بیشتر بر ارزشیابی بلندمدت و میان مدت تمرکز دارد و عموماً در پایان یک دوره زمانی مشخص، مثلاً یک واحد کاری، یک هفته، یک نوبت تحصیلی یا یک سال تحصیلی، انجام می شود. تأکید این ارزشیابی بر اندازه گیری پیشرفت دانش آموزان در جهت اهداف برنامه درسی است و در آن، رتبه تنها بازخوردی است که دانش آموز دریافت می کند و بیشتر به منظور ارتقا و گذر از پایه یا دوره تحصیلی به کار می رود. نتایج سنجش از یادگیری شاید برای معلم و والدین سودمند باشد، اما برای دانش آموز ارزش اندکی دارد، مگر اینکه معلم اطلاعاتی را که رتبه دربارهی میزان پیشرفت و موفقیت دانش آموز به دست می دهد، تعیین کند و در اختیار او و والدینش قرار دهد. به جز والدین، از نتایج این روش از سنجش و ارزشیابی، دیگر نهادهای رسمی و غیر رسمی جامعه بهره می برند (آقازاده، ۱۳۹۳).

ارزشیابی کیفی توصیفی شیوه ای از ارزشیابی در هم تنیده با فرایند یاددهی - یادگیری در دوره ی ابتدایی است که طی آن اطلاعات لازم، معتبر و مستندی برای شناخت دقیق و همه جانبه ی دانش آموزان در ابعاد گوناگون یادگیری، منطبق با اهداف برنامه های درسی و هماهنگ با راهبردهای یاددهی یادگیری، جمع آوری می شود. این اطلاعات با استفاده از ابزارها و روش های مناسب مانند کارپوشه، آزمون (با تأکید بر آزمون های عملکردی) و مشاهده، در طول فرایند یاددهی - یادگیری به دست می آیند و سطوح گوناگون یادگیری را مورد توجه قرار می دهند. تغییر در نوع و میزان تجربه های دانش آموزان در پی انجام فعالیت های یادگیری طراحی و اجرا شده توسط معلم، در موقعیت های متنوع یادگیری و قضاوت در مورد به شایستگی رسیدن دانش آموزان بر اساس اهداف و انتظارات یادگیری درس های گوناگون که معلم و دانش آموز برای تحقق آن ها تلاش می کنند، از ویژگی های مهم این نوع ارزشیابی و از صلاحیت های حرفه ای ضروری معلمان، به عنوان عامل ارزشیاب، محسوب می شود.

در این شیوه از ارزشیابی، معلم مسئول جمع آوری و ثبت اطلاعات است و از ابتدا تا انتهای فرایند یاددهی - یادگیری در کنار دانش آموز قرار دارد و در مسیر یادگیری از او مراقبت می کند. اما منابع دیگری مانند خود دانش آموز، هم کلاس های او، اولیا و شاید معلمان دیگر نیز می توانند اطلاعاتی در این زمینه در اختیار معلم قرار دهند تا بر این اساس، از طریق بازخوردهای مؤثر، فرایند یاددهی یادگیری بهتر پیش برود و فضای روانی و عاطفی مطلوبی برای معلم و دانش آموزان به وجود آید (راهنمای معلم در ارزشیابی توصیفی، کد ۵۳/۵)



نتایج سنجش از یادگیری شاید برای معلم و والدین سودمند باشد، اما برای دانش آموز ارزش اندکی دارد، مگر اینکه معلم اطلاعاتی را که رتبه دربارهی میزان پیشرفت و موفقیت دانش آموز به دست می دهد، تعیین کند و در اختیار او و والدینش قرار دهد.



(ب) سنجش برای یادگیری

این رویکرد لحظه به لحظه بین معلم و دانش آموز رخ می دهد و همه چیز ظرفیت آن را دارد که برای معلم و دانش آموز اطلاعات لازم را فراهم آورد. از جمله سؤال کردن، کار روی یک پروژه یا انجام تکلیف به صورت فردی و گروهی، بازی کردن، طراحی یا ساخت یک مدل و... در واقع، در این رویکرد، فقط آنچه دانش آموزان درک می کنند و می توانند، اهمیت ندارد، بلکه آنچه درک نمی کنند و نمی توانند انجام دهند نیز مهم است و معلم بر این اساس اطلاعات جمع آوری شده از دانش آموزان را تفسیر می کند و از آن ها برای حمایت از عملکرد دانش آموزان، ارزشیابی تدریس خود، ابزار و رسانه به کار گرفته شده و... بهره می برد و برنامه ریزی، راهبردهای یاددهی- یادگیری و... را بهبود می بخشد. به عبارت دیگر، ارزشیابی برای یادگیری، بخشی طبیعی از چگونگی یادگیری دانش آموزان در مدرسه و رشددهنده و پویاست (آقا زاده، ۱۳۹۳).

(ج) سنجش به مثابه یادگیری

این رویکرد از ارزشیابی کیفی توصیفی خودنظم بخش است و بیشتر به رشد و توسعه

فراشناخت دانش آموزان توجه دارد و آن ها را مدیر یادگیری خود می داند. خودسنجی و همسال سنجی از نشانه های این رویکرد از ارزشیابی هستند (حسنی، ۱۳۹۸). به این ترتیب، ارزشیابی عین یادگیری است؛ یعنی این دو هویتی هم شأن و همسان دارند. باید توجه داشت، تأکید بر دو رویکرد ارزشیابی برای یادگیری و به مثابه یادگیری به آن معنا نیست که از نتایج و پیامد یادگیری غفلت می شود، بلکه پیامد یادگیری به تدریج و در حین فرایند، به نحو دقیق تر و مؤثرتری مدنظر قرار می گیرد. شاید مثالی این موضوع را بهتر تبیین کند. اگر ما به دانش آموزان به مانند گیاهان بیندیشیم، سنجش پایانی به

سنجش به مثابه یادگیری رویکردی خودنظم بخش است و بیشتر به رشد و توسعه فراشناخت دانش آموزان توجه دارد.

در رویکرد سنجش برای یادگیری، فقط آنچه دانش آموزان درک می کنند و می توانند، اهمیت ندارد، بلکه آنچه درک نمی کنند و نمی توانند انجام دهند نیز مهم است

مثابه اندازه گیری طول گیاه و تعداد برگ و میوه گیاه است که این اندازه گیری شاید برای مقایسه، تجزیه و تحلیل و سنجش وضعیت فعلی گیاه معتبر و مناسب باشد، ولی در رشد گیاه اثری ندارد. در واقع، رویکرد سنجش به مثابه یادگیری رشددهنده است و فرایند جمع آوری اطلاعات از گیاه با هدف باغبانی کردن آن است. کوددادن، آب دادن، هرس کردن و علف های هرز را از آن دور کردن و بالاخره انجام هرچه باعث رشد گیاه می شود (کلارک، ۲۰۰۱؛ نقل از رستگار، ۱۳۸۹). این سه نوع ارزشیابی مثلثی را شکل می دهند که اطلاعات هر سه آن ها روی هم ارزشیابی اصیل را به بار می آورد و به تصمیم های معلم و یادگیرنده استحکام می بخشد و فرصت لازم را برای تصمیم گیری مسئولان مدرسه و والدین فراهم می آورد (آقا زاده، ۱۳۹۴: ۳۷۴). در انتظار ارزشیابی ماندن و محدود کردن آن در دوره های زمانی مشخص، اهمیت و کارکرد ارزشیابی را به «ارزشیابی از یادگیری» کاهش می دهد و دیگر نقش های ارزشیابی، یعنی «ارزشیابی برای یادگیری» و «ارزشیابی به مثابه یادگیری» مورد غفلت قرار می گیرد. بنابراین، تمامی فعالیت ها و پیشرفت های دانش آموزان و روندی که آن ها طی می کنند تا به نتیجه برسند، همه اهمیت دارند و باید مورد توجه قرار گیرند.

نقشه‌ی مفهومی در سنجش مفاهیم یادگیری

استفاده از تصویر، نقشه و نمودار در انتقال مفاهیم آموزشی، در نظام‌های آموزشی پیشرفته رایج است. نقشه‌های مفهومی از این دسته‌اند که از طریق آن‌ها می‌توان ساختار شناختی و فرایند تفکر یادگیرنده را تعیین کرد و از آن‌ها در ارزشیابی دانش‌آموزان برای سنجش مفاهیم استفاده کرد.

مزیت عمده‌ی استفاده از این نقشه آن است که از یک طرف به معلم اجازه می‌دهد بتواند در افکار دانش‌آموزان کنکاش کند و دریابد آن‌ها چه می‌دانند و چگونه شرح می‌دهند، و از طرف دیگر برای دانش‌آموزان این فرصت را فراهم می‌کند تا آموخته‌های مفهومی خود را به شیوه‌ای متفاوت از روال معمول شرح دهند.

نقشه‌ی مفهومی به زبان ساده معمولاً مجموعه‌ای از منحنی‌های بسته‌ی (عموماً بیضی شکل) است که در هر کدام یک اسم یا یک حادثه نوشته شده است. این منحنی‌ها روی یک ایده‌ی معین متمرکز می‌شوند. ایده‌ی اصلی یا شاخه‌ی اصلی به شاخه‌های فرعی (مفاهیم مشخص‌تر) تقسیم می‌شوند.

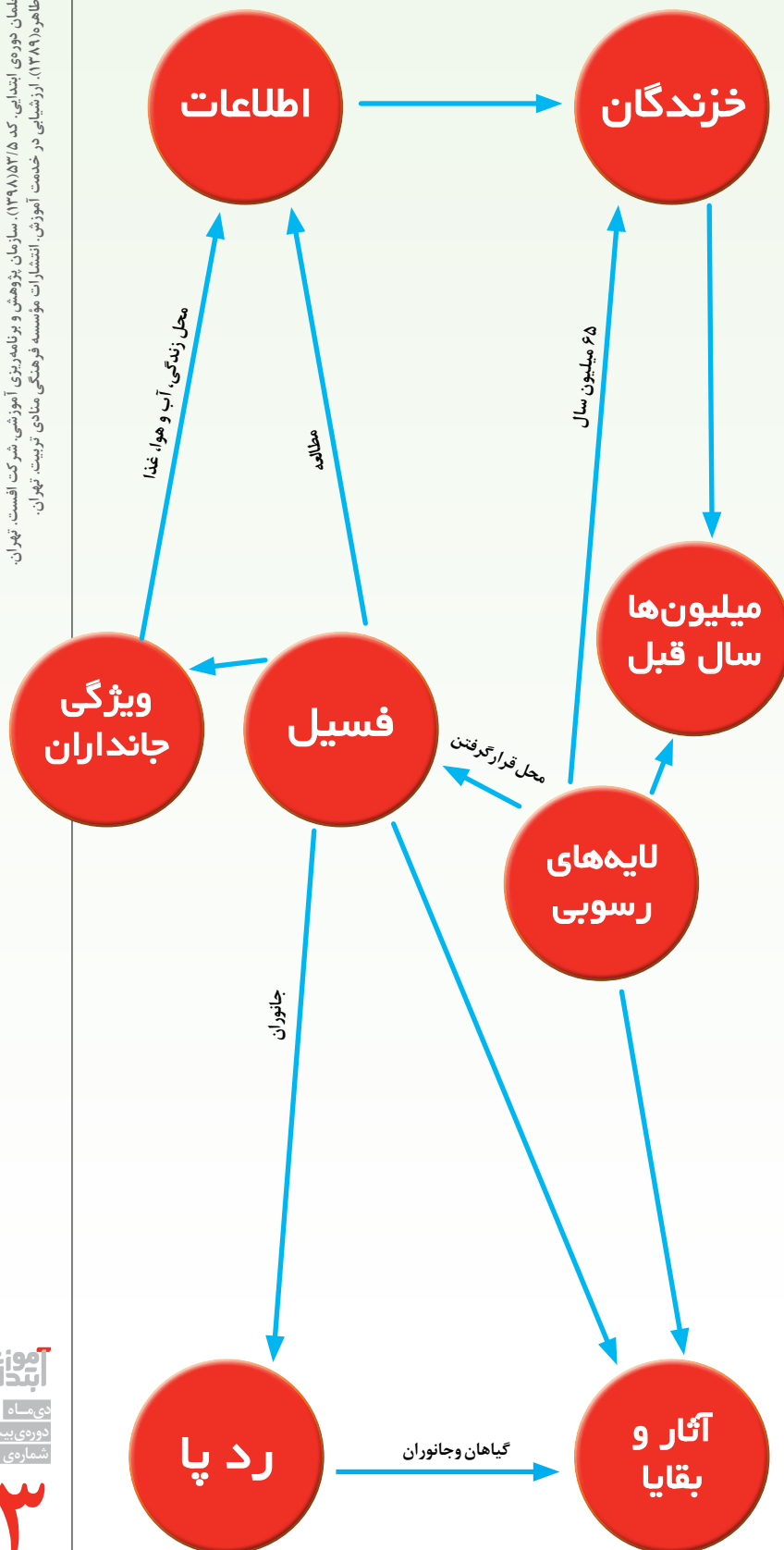
در نقشه‌ی مفهومی مفاهیم در داخل منحنی‌های بسته قرار دارند و خطوط، ارتباط دو مفهوم را به یکدیگر نشان می‌دهند. وقتی دو مفهوم به یکدیگر وصل می‌شوند، یک ایده‌ی کامل را بیان می‌کنند. مثلاً «گیاهان موجودات زنده هستند یا «خزه یک نمونه از گیاهان است». در ادامه چند مدل استفاده از نقشه‌ی مفهومی در سنجش مفاهیم درس علوم تجربی مشاهده می‌شود:

۱. استفاده از نقشه‌ی مفهومی در «ارزشیابی از یادگیری»

- برنامه‌ی درسی: علوم تجربی
- موضوع: منظومه‌ی شمسی
- زیر موضوع: ماه قمری
- هدف: دانش‌آموزان بتوانند آگاهی و شناخت خود را درباره‌ی ماه و ویژگی‌های آن گسترش دهند.
- پایه: چهارم ابتدایی



نمونه‌ای از نقشه‌ی مفهومی یک دانش آموز



نکات مهم: در استفاده از نقشه‌های

مفهومی به عنوان سنجش مفاهیم، لازم است دوره و پایه‌ی تحصیلی دانش‌آموزان در نظر گرفته شود. مثال اول برای پایه‌های تحصیلی دوره‌ی اول و مثال‌های دوم و سوم برای دانش‌آموزان دوره‌ی دوم مناسب است. البته به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان نیز باید توجه شود. از نقشه‌های مفهومی می‌توان در هر سه رویکرد سنجش بهره گرفت.

۲. استفاده از نقشه‌ی مفهومی در «ارزشیابی برای یادگیری»

- برنامه‌ی درسی: علوم تجربی
- موضوع: برگی از تاریخ زمین
- زیر موضوع: فسیل
- هدف: دانش‌آموزان بتوانند شناخت لایه‌های زمین و فسیل‌ها
- پایه: پنجم ابتدایی

در این رویکرد ابتدا همه‌ی دانش‌آموزان درباره‌ی موضوع درس اظهارنظر می‌کنند و معلم نظرات آن‌ها را روی تخته‌ی کلاس می‌نویسد. سپس با همکاری دانش‌آموزان، آن‌ها را به صورت کلمات روی کارت‌هایی می‌نویسد. معلم دانش‌آموزان را در گروه‌های سه تا پنج نفری قرار می‌دهد و به هر گروه تعدادی کارت کلمه، با توجه به شناسه‌ی مفهومی (عبارتی که مفهوم را تعریف می‌کند) مورد نظر می‌دهد. دانش‌آموزان کلمات را می‌خوانند و سعی می‌کنند با کنار هم قراردادن کلمات مربوط، کنار هم قرار گیرند. معلم از گروهی به گروه دیگر می‌رود و در مرتب‌کردن کلمات به آن‌ها کمک می‌کند. سپس دانش‌آموزان کلمات را روی کاغذ بزرگی می‌چسبانند. فضای کافی بین کارت‌ها قرار می‌دهند تا بتوانند خط‌های اتصال‌دهنده را بکشند. سپس بین کلمات مرتبط خط می‌کشند و روی هر خط کلمه‌ای درباره‌ی ماهیت ارتباط بین دو کلمه می‌نویسند.

هر جا لازم باشد، معلم کمک می‌کند و کلمه را می‌نویسد. وقتی هر گروه نقشه‌ی مفهومی خود را کامل کرد، کارت‌هایی را که هنوز استفاده نکرده‌اند، بررسی می‌کنند و آن‌هایی را که فکر می‌کنند برای نقشه مناسب‌اند اضافه می‌کنند. خطوط جدید و کلمه‌های ارتباط‌دهنده را نیز اضافه می‌کنند. گروه‌ها نقشه‌های مفهومی خود را نام‌گذاری می‌کنند و به نمایش می‌گذارند.

منابع: ۱. ترجمه‌ی محرم آقا‌زاده (۱۳۹۳)، روش‌های نوین ارزشیابی در دوره‌ی ابتدایی، انتشارات مراث، تهران. ۲. سعید راصد: علیرضا رحیمی و فاطمه رضایی (۱۳۸۲)، ارزشیابی خلاق در تعلیم و تربیت دینی بصیرت‌گر (الگوهای برای معلمي اثريش)، انتشارات نهج، تهران. ۳. دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه‌ی نظری، راهنمای معلم در ارزشیابی توصیفی، ویژه‌ی معلمان دوره‌ی ابتدایی، کد ۱۳۹/۵۳/۵، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، شرکت افست، تهران.

آموزشی

دی‌ماه

دوره‌ی بیست و پنجم
شماره‌ی ۴

۳۳

قلب آزاد



معصومه میرابوطالبی

نکرده بود، دوباره اضطراب داشت. از کنار میزشان رد شدم و ردیف نیمکت‌ها را تا آخر رفتم.

پشت میزم ایستادم، سه ردیف نیمکت بچه‌ها را که روبه‌رویم بود، نگاه کردم. رها مثل دونده‌ای که نوار پایان مسابقه را پاره کرده باشد، از جا پرید و برگه‌دست به طرفم آمد.

- خانم ما تموم کردیم.
طبق معمول، انتظار دیگری از رها نداشتم، مادرش معلم کلاس اولی‌ها بود و زنگ تفریح که می‌شد همه‌ی دانش‌آموزان مادرش دور او جمع می‌شدند، او هم مثل

ساره خم شده بود روی برگه‌ی امتحانی‌اش و دست چپش را گذاشته بود بالای برگه. خنده‌ام گرفت، مثل اینکه بخواهد جلوی تقلب کردن من را از روی برگه‌اش بگیرد. غیرممکن بود رها بخواهد از روی برگه‌ی او بنویسد؛ چون رها هم درسش خیلی خوب بود و هم عادتش این بود که نفر اول بودنش را به رخ بقیه بکشد. برای همین حاضر بود جواب سؤالی را غلط بنویسد، اما از کسی کمک نگیرد. پس ساره جواب‌ها را مخفی



آبشار

دی‌ماه

دوره‌ی بیست و پنجم
شماره‌ی ۴ | ۱۴۰۰

۳۴

یک قهرمان برایشان قیافه می‌گرفت.
گفتم: «می‌تونی بری توی حیاط.»
از کلاس که رفت بیرون، دیدم ساره با حسرت نگاهش می‌کند. ساره متوجه نگاه من شد و دوباره خم شد روی برگه‌اش. نمی‌دانستم مشکل این بچه چه بود! یک وقت‌هایی خیلی خوب به سؤال‌ها جواب می‌داد و یک موقع‌هایی برگه‌اش کاملاً سفید بود. دو نفر دیگر هم برگه‌شان را دادند و رفتند بیرون.
ساره برگه‌اش را گرفته بود جلوی صورتش و داشت آن را می‌خواند. امروز از آن روزهایی بود که سؤال‌هایش را جواب داده بود. بلند شد، برگه را که داد به من، خواست از کلاس برود بیرون. گفتم: «ساره صبر کن.»
رنگش پرید و نگاهم کرد. گفتم: «چیزی نیست بیا اینجا.»
آمد و کنار میز ایستاد. گفتم: «این دفعه انگار خیلی خوب جواب دادی؟»
سرش را انداخت پایین و گفت: «خانم ما همیشه خراب‌کاری می‌کنیم.»
- کی گفته؟

- خانم صبوری. بریم بیرون خانم؟
خانم صبوری معلم پارسالاش بود. برگه را بالا و پایین کردم و آمدم بگویم برود بیرون که نگاهم به یک سؤال افتاد. جواب یک کلمه بود و ساره اشتباه نوشته بود. سرم را بردم نزدیک‌تر و گفتم: «برو اینو درستش کن. مرکز استان خراسان جنوبی بیرجنده، نه بجنورد.»
مات نگاهم کرد و برگه را آرام از دستم گرفت. رفت پشت میزش و لحظه‌ای بعد برگشت. برگه را داد و رفت بیرون.
تا بقیه امتحانشان را می‌دادند، برگه‌ها را تصحیح کردم. ساره همه را درست نوشته بود. بقیه‌ی بچه‌ها هم کم‌کم برگه‌هایشان را تحویل دادند.
زنگ بعد، همه منتظر بودند جواب امتحان را اعلام کنم. برگه‌های تصحیح‌شده را که پخش کردم، همه‌های برای نمره‌هایشان بلند شد. کنار خوب یا خیلی خوبشان تعداد غلط‌ها را نوشته بودم، مثل خیلی خوب یا یک غلط، یا خیلی خوب با دو غلط.
داشتم نموداری را که برای درس علوم نیاز بود، روی تخته می‌کشیدم که یک‌دفعه صدای همه‌های پشت سرم شبیه صدای دعوا بلند شد.
برگشتم و دیدم رها دارد سر ساره هوار می‌کشد. ساره هم مثل یک جوجه‌ی گنجشک، مچاله شده بود در خودش و چیزی نمی‌گفت. چند نفر از بچه‌ها هم ایستاده بودند و به برگه‌ی ساره نگاه می‌کردند که در دست‌های رها بود و آن را مثل پرچی توی هوا تاب می‌داد.
از بین نیمکت‌ها رفتم جلو و برگه را از دست رها کشیدم: «چه خبره اینجا؟»
رها قرمز شده بود و موهایش از زیر مقنعه پخش شده بودند توی صورتش: «خانم شما بهش تقلب رسوندید. جواب همه‌ی سؤال‌ها رو شما بهش گفتید. این‌طوری شده خیلی خوب بدون غلط، وگرنه خیلی خوب بدون غلط کلاس، فقط منم. من توی کلاس اولم، نه اون.»
نگاهی به ساره کردم: «ساره چیزی نمی‌خواهی بگی؟»
ساره سرش را بلند نکرد. سرش را میان دست‌هایش روی میز گذاشته بود و داشت تندتند نفس می‌کشید. حتماً داشت گریه می‌کرد، اما باید یاد می‌گرفت به‌جای گریه‌کردن، صحبت و از خودش دفاع کند.

گفتم: «من نمی‌تونم بهت جوابی بدم رها. خود ساره باید جوابت رو بده. همه بشین سر جاشون.»
بچه‌ها آرام شدند. رها گفت: «بچه‌ها دیدند شما به ساره تقلب رسوندید.»
سرم را تکان دادم. برگه به دست برگشتم پشت میز و گفتم: «علوم تعطیل.»
رها هنوز ایستاده بود و ساره هنوز در خودش مچاله بود. گفتم: «ساره من منتظر می‌مونم تا تو جواب رها رو بدی.»
رها خواست سر و صدا کند که گفتم: «ساکت. صدا نباشه رها.»
ساره تکان خورد و سرش را از روی میز برداشت، صورتش خیس اشک بود. با سر اشاره کردم که بلند شود. ایستاد و گفت: «خانم من همه رو نوشته بودم. فقط...»
- فقط چی؟ عیبی نداره ساره‌جان بلند جلوی همه بگو.
- فقط مرکز استان خراسان جنوبی رو شما به من گفتید.
رها داد زد: «دیدي خانم.»
خندیدم: «خودم بهش گفتم.»
رها گفت: «پس تقلبه. پس خیلی خوب بدون غلط نیست.»
گفتم: «بچه‌ها همه به برگه‌هاتون نگاه کنید.»
صدای خش‌خش کاغذ کلاس را برداشت و همه شروع کردند به واری کردن برگه‌ها. یکی از ته کلاس گفت: «خانم منم مرکز استان خراسان جنوبی رو غلط نوشتم، شما برام درستش کردید. جزو غلط‌ها هم حسابش نکردید.»
سرم را تکان دادم: «بله. این سؤال رو هر کسی که غلط نوشته بوده، غلط نگرفتم. اون‌هایی هم که درست نوشتند یک مثبت کنار خیلی خوبشان گرفته‌اند. پس می‌بینی رها، ساره خیلی خوب بدون غلط شده.»
رها به‌صورت ساره نگاه کرد و بعد به من، ابروهایم را بالا انداختم: «حالا وقتشه معذرت‌خواهی کنی. چون به برگه‌ات و اون مثبت، خوب دقت نکرده بودی.»
رها نشست سر جایش و سرش را انداخت پایین. چیزی نگفت. ساره لبخند زد: «پس من واقعا خیلی خوب بدون غلط بودم؟»
گفتم: «بله. آگه دعوا سر نمره تموم شد رها خانم، بریم سروقت علوم.»
رها صدایش در نیامد و هنوز سرش پایین بود. ساره با صورت خندانش خیره شده بود به من.



خبرگزاری

: واقعیت را دنبال کن

آیا به غیر از رسانای که خبر از طریق آن نقل شده است، روزنامه، تارنما یا نرم‌افزار کاربردی دیگری می‌شناسید که این گزارش را نقل کرده باشد؟

- از کلیدواژه‌ها برای جست‌وجوی خبرهای مرتبط و درک بهتر هدف‌های خبرنگار استفاده کنید؛ مثلاً در این گزارش کلیدواژه‌هایی مانند حماسه‌ی اقتصادی، اقتصاد مقاومتی، اقتدار ملی می‌توانند کمک‌کننده باشند طبق جست‌وجوی شما هدف خبرنگار از تولید این گزارش چه بوده است؟ اطلاع‌رسانی، متقاعد کردن، سرزنش کردن، ارتقای دیدگاه مخاطب یا...
- آگاهی از علاقه‌ها، تعصب‌ها و هدف‌های خبرنگار چگونه ممکن است درک شما را از گزارش تغییر دهد؟
- چه شخص یا اشخاصی ممکن است از این گزارش نفع ببرند یا ضرر کنند؟ چگونه؟

عوامل درون و برون‌سازمانی متعددی در تولید، نشر و بازنشر محتواهای خبری بر خبرنگار تأثیر می‌گذارند. برخی از این عوامل عبارت‌اند از:

- تعیین موضوع؛
- نوع و شکل پوشش آن موضوع؛
- ترندها (تاکیک‌ها) و راهکارهای (تکنیک‌های) استفاده‌شده در این رابطه؛
- تنظیم، چینش و اولویت‌گذاری؛
- برچسب‌سازی؛
- شکل و نوع قالب محتوایی؛
- ... و ...

سیدغلامرضا فلسفی

ارتباط‌پژوه



در بخش پیشین از سلسله مطالب آموزش سواد خبری برخی از عناصر خبری را به‌طور اجمالی بررسی و بیان کردیم همان‌طور که ارزش‌های خبری به اخبار شکل می‌دهند، عناصر خبری اخبار را به‌نسب نمایش می‌گذارند؛ همچنین به‌طور ضمنی به رابطه‌ی مستقیم عناصر خبری و ارزش‌های خبری اشاره کردیم. طی این شماره و در چهارمین بخش از سلسله مطالب آموزش سواد خبری، به‌اختصار به سومین پرسش کلیدی این سواد نوین می‌پردازیم: «آیا خبرنگار برای یافتن واقعیت، نهایت تلاش خود را کرده است؟»

هر مخاطبی که سواد خبری دارد، همواره در مواجهه با اخبار و گزارش‌های خبری باید حساسیت فراوان به خرج دهد تا دربابد خبرنگار برای کشف واقعیت چه مقدار تلاش کرده است یا چه عواملی ممکن است مانع تلاش وی برای تحقق این امر شده باشند. ما زمانی می‌توانیم به مطالب خبرنگار اعتماد کنیم که مطمئن شویم او صادقانه و با پشتکار لازم برای کشف و انتشار واقعیت تلاش کرده است. حاصل این تلاش بالطبع در ثمره‌ی

گاه همین عوامل سبب می‌شوند رویداد یا حادثه‌ای بدرستی یا به‌طور کامل پوشش داده نشود. گاهی نیز محدودیت‌های پوشش خبری در ملاحظه‌های امنیتی، سیاسی، قانونی، عرفی و... ریشه دارد که به ملاحظه‌های برون‌سازمانی رسانه مربوط می‌شود. حتی در پوشش رویداد، حادثه یا موضوعی، ممکن است افرادی حقیقی و حقوقی خبرنگار را تحت فشار بگذارند یا حتی با تهدیدهای متعدد او را ناچار به روایت رویداد یا حادثه‌ای کنند. در برخی اوقات نیز خبرنگار در چارچوب سیاست رسانه‌اش ممکن است به تحریم (پاکوت) خبری درباره‌ی موضوع یا فردی حقیقی یا حقوقی دست بزند و اخبار مربوط به آن را پوشش ندهد.

با اهمی محدودیت‌های درون و برون‌سازمانی، مخاطب از خبرنگار و رسانه انتظار دارد ضمن اینکه خبر را با صحت، دقت و سرعت منتشر می‌کند، تمام تلاش خود را برای یافتن و انعکاس واقعیت به کار گیرد. اگر مخاطب به خبرنگار اعتماد کند، صحت مطالب و تحلیل‌هایش از رویدادها را باور می‌کند و مطمئن می‌شود خبرنگار در پی فریش نیست. درستی و دقیق‌بودن مطالب برای اعتبار خبرنگار و اعتماد کاربر مخاطب به خبر و رسانه حیاتی است. در همین چارچوب، خبرنگار هم باید تلاش کند در مسیر کشف واقعیت، اسیر خبرهای جعلی و اطلاعات نادرست نشود، چراکه ممکن است از مسیر درست منحرف شود و کاربر را گمراه کند. وقوع این اتفاق، حتی برای یکبار هم، به اعتبار خبرنگار و رابطه‌ی وی با مخاطب لطمه می‌زند و این رابطه ترمیم‌پذیر نیست. این جمله‌ی امیرالمؤمنین امام علی (علیه‌السلام) را همواره به یاد داشته باشیم که می‌فرماید: «لا سئةَ أَفْضَلَ مِنَ التَّحْقِيقِ»: هیچ راهی برتر از تحقیق و حقیقت‌جویی نیست (غورالحکم، جلد اول: ۷۷۵).

کارش مشهود است. حال با توجه به این مهم، خبر یا گزارشی همانند آنچه با تیتراژ «جریات یازده عامل تحقق حماسه‌ی اقتصادی» را که در خبرگزاری تسنیم منتشر شده است، بخوانید و سپس به پرسش‌های زیر پاسخ دهید:

- چه کسی خبر یا گزارش را تهیه کرده است؟ آیا او را می‌شناسید؟ این خبرنگار در کدام رسانه فعالیت می‌کند؟
- آیا رسانهای که این خبر یا گزارش را منتشر کرده است، به نهاد یا سازمان خاصی وابسته است؟
- این گزارش چقدر به حدود فعالیت رسانه‌ای که آن را منتشر کرده، نزدیک است؟
- خبرنگار تلاش کرده چه پیامی را به شهروندان منتقل کند؟
- خبرنگار چگونه پیام خود را منتقل کرده است؟
- آیا از این گزارش می‌توان به دیدگاه، نگرش و عقیده‌ی خبرنگار پی برد؟
- آیا خبرنگار برای انتقال پیام خود، تمامی تلاشش را به کار گرفته است؟
- اگر شما جلی خبرنگار بودید، این روش را برای تهیه‌ی گزارش انتخاب می‌کردید؟ انتقال این پیام از چه روش‌های دیگری ممکن بود؟
- جست‌وجوها چه چیزی را درباره‌ی عقیده‌ها و دیدگاه‌های خبرنگار آشکار می‌کند؟
- جست‌وجوها چه چیزهایی را درباره‌ی تازما، نرم‌افزار کاربردی یا روزنامه‌ی آشکار می‌سازد که خبرنگار خبر یا گزارش را از آن طریق منتشر کرده است؟



یهویی، دور هم



سعدیه نادرپور
کارشناس ارشد مترجمی

تقریباً دو سال است که کرونا شیوع یافته است و مشخص نیست چه وقت وضعیت زندگی بشر به حالت عادی پیش از این همه‌گیری بازگردد! تغییر سبک زندگی و به تبع آن، تغییر شیوهی آموزش، از اثرات ناگزیر گسترش بیماری کرونا بوده است. فضای شلوغ و پر هیاهوی محیط‌های آموزشی تبدیل شده است به سکوت پشت رایانه‌ها، تبلت‌ها و گوشی‌های همراه. آموزش مجازی که تا قبل از دوره‌ی کرونا چندان توجهی به آن نمی‌شد، دیگر اکنون تنها راه ارتباطی میان آموزگاران و دانش‌آموزان شده است.

گذشته از چالش‌های زیادی که آموزش مجازی به وجود آورد و همه با آن‌ها مواجه شدیم، چالش اصلی و بزرگ، چالش آزمون‌های برخط است. حال دیگر دانش‌آموزان هستند و رایانه (یا گوشی و تبلت) و آزمون‌هایی که به دلیل وجود امکان تقلب (البته برای برخی دانش‌آموزان)، آسان انگاشته می‌شوند. در واقع، همواره این گزینه وجود دارد که دانش‌آموزان درس را به‌جدیتی که برای آزمون‌های حضوری می‌خوانند، نخوانند و به دلیل حضور نداشتن آموزگار یا ناظر، از پشت رایانه، آزمون خود را به صورت کتاب‌باز بدهند. در برخی موارد هم والدین یا خواهر و برادر و یا دوستان دانش‌آموز به جای وی در آزمون شرکت می‌کنند. این شرایط برای دانش‌آموزانی که اهل رقابت درسی نیستند و تمام تلاشان را می‌کنند که بهتر از دیگران یاد بگیرند و بهتر نتیجه بگیرند، کمی نامطلوب است، چرا که به دلیل نبود کنترل شرایط آزمون‌های مجازی، ارزیابی‌ها مختل و سنجش‌ها از اعتبار اولیه‌شان دور می‌شوند و در حق دانش‌آموزانی که خود تلاش می‌کنند، اجحاف می‌شود. در این شرایط، برخی آموزگاران برای جلوگیری از تقلب در آزمون، وقت آزمون را بسیار کم در نظر می‌گیرند که

این نیز عده‌ای را قربانی می‌کند. دیگر چالش آزمون‌ها برای دانش‌آموزان، واقف‌نبودن آموزگار از وضع دانش‌آموز در ساعت اختصاص یافته به آزمون و انتظار وی از او برای برخط شدن به‌موقع است. با ضعف در اتصال اینترنت، در دسترس نبودن رایانه یا تبلت یا گوشی شخصی در زمان مقرر آزمون، و در برخی موارد هنگ کردن تبلت‌ها و گوشی‌ها، درست در همان لحظه‌ی ورود به سامانه‌ی آزمون، و در نتیجه حضور نداشتن، دانش‌آموز غایب تلقی می‌شود و آزمون بی‌آزمون!

کمی تأمل

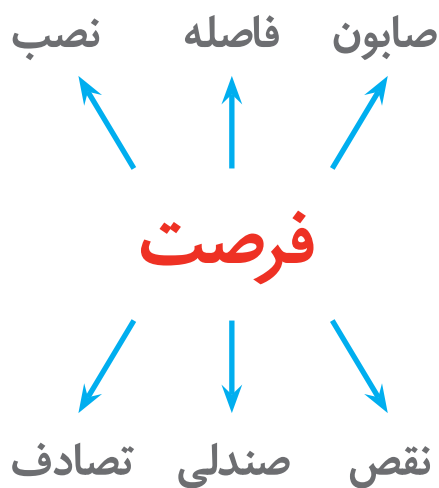
اما شاید عمده‌ترین مسئله در رابطه با آزمون‌های برخط، بحث رجوع به منابع در حین آزمون توسط دانش‌آموزان است. برخی آموزگاران، هر گونه رجوع به کتاب یا منابع، یا هم‌فکری دانش‌آموز با سایر هم‌کلاسی‌هایش در هنگام آزمون را تقلب در نظر می‌گیرند. شاید بد نباشد در این باره کمی بیشتر ببینیم. آیا واقعاً مراجعه‌ی دانش‌آموز به کتاب اشکال دارد؟ آیا خود این مراجعه، نوعی آموختن نیست؟ آیا دسته‌جمعی پاسخ‌دادن دانش‌آموزان به سؤالات، واقعاً آن گونه که همواره غیرقابل قبول تصور می‌شود، ناپسند است؟ این موضوع حتی به آزمون‌های برخط محدود نیست و این ابهام را به وجود می‌آورد که چه دلالی باعث می‌شوند آموزگاران اجازه ندهند دانش‌آموزان به‌طور دسته‌جمعی به سؤالات آزمون‌ها پاسخ دهند؟ چه بسا اگر آن‌ها به مزیت‌های دسته‌جمعی پاسخ‌دادن به سؤالات واقف باشند، ترغیب شوند از این شیوه برای سنجش استفاده کنند! شاید وقت آن رسیده باشد که با تجدیدنظر در نوع آزمون‌ها، تعصب نسبت به آزمون‌های فردی کم‌رنگ‌تر شود.

امروزه ترندهایی که دانش‌آموزان برای تقلب در آزمون‌های حضوری به کار می‌بردند، مثلاً نوشتن روی کاغذ یا کف دست، جای خود را به استفاده از نرم‌افزارهایی داده‌اند که امکان هم‌فکری با هم‌کلاسی‌ها را فراهم می‌کنند. حتی جست‌وجو در صفحات اینترنت هم یکی از امکانات امروزی تقلب است.



شبکه‌ی املا

تمنا رستگار
پژوهشگر و طراح آموزشی



وسایل موردنیاز: مداد دورنگ و کاغذ.
در این بازی ترجیحاً دونه‌فره، کلمه‌ای که تعداد حرف‌های آن حتماً باید زوج باشد، انتخاب و در وسط کاغذ نوشته می‌شود. برای انتخاب این کلمه می‌توان از راه‌هایی مثل بازکردن کتاب، پیشنهاد ذهنی و سطری از روزنامه استفاده کرد.
هر بازیکن با کشیدن خطی از یکی از حرف‌های این کلمه، کلمه‌ای می‌نویسد که با آن حرف آغاز می‌شود و علاوه بر آن حرف اصلی کلمه نیز در ساختار بقیه‌ی کلمات تکرار می‌شود. بازیکنی که بتواند برای هر حرف دو کلمه‌ی صحیح بنویسد، امتیاز می‌گیرد و بازی را با حرف آخر کلمه‌هایی ادامه می‌دهد که امتیاز گرفته‌اند و با × مشخص شده‌اند. در این مرحله قانون وجود حرف در ساختار کلمه، به نخستین حرف از کلمه‌ی امتیازی مربوط می‌شود. بازی تا تمام‌شدن همه‌ی صفحه‌ی کاغذ ادامه می‌یابد. سپس امتیازها شمرده می‌شوند.

در این بازی دقت و توجه، تمرکز و حافظه، برقراری ارتباط و مهارت املانویسی پرورش می‌یابند.



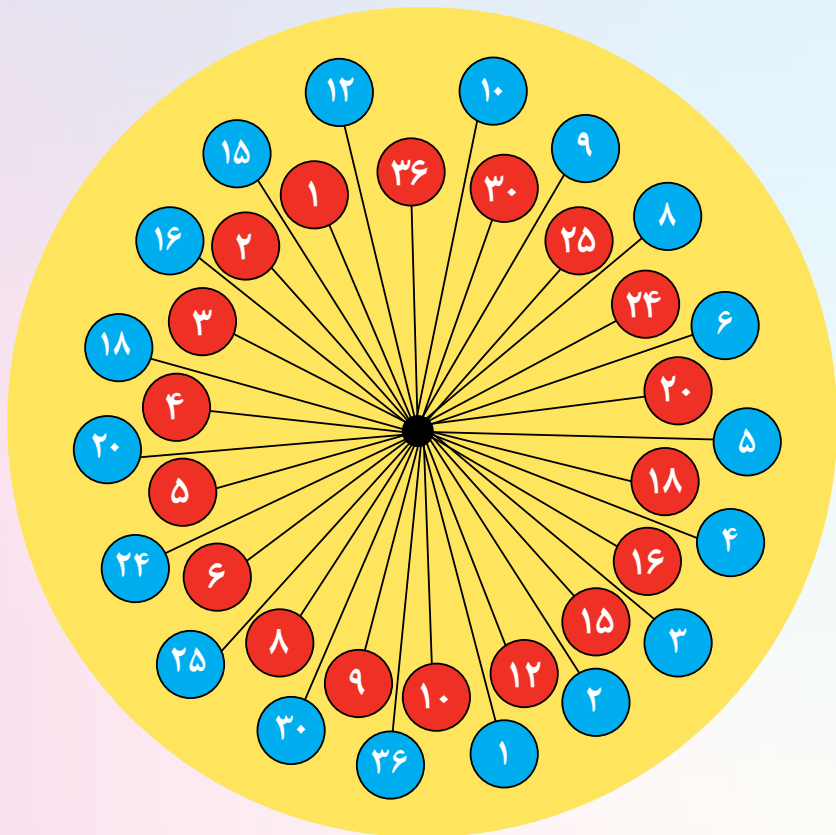
عکاس: اعظم لاریجانی

آیندازی

دی‌ماه

دوره‌ی بیست و پنجم
شماره‌ی ۴ | ۱۴۰۰

۴۰



عکاس: اعظم لاریجانی



نخود ضرب در لوبیا

وسایل مورد نیاز: کاغذ؛ تاس (دو عدد)؛ هجده عدد لوبیا؛ هجده عدد نخود.
به جای لوبیا و نخود از دو رنگ متفاوت مهره، بریده کاغذ، فوم و... نیز می توان استفاده کرد.

بازی با انداختن یک تاس آغاز می شود، بازیکنی که عدد بیشتر (بزرگتر) را آورد، آغازگر بازی خواهد بود. با هر بار تاس انداختن و ضرب کردن دو عدد به دست آمده، بازیکنان مهره‌ی رنگ خود را روی دایره‌ی عدد مربوط به خود (مهره‌ی قرمز در خانه‌ی قرمز، مهره‌ی آبی در خانه‌ی آبی) می گذارند. بازی تا زمانی ادامه می یابد که یکی از بازیکنان موفق به پر کردن تمام خانه‌های رنگ خود شده باشد.

در این بازی دقت و توجه، برقراری ارتباط، تشخیص دیداری، حافظه، مهارت‌های ذهنی و محاسبه تقویت می شوند.

من موافقم اما مخالفم



مریم شهرآبادی
کارشناس آموزش ابتدایی

همکاران دبستانی می‌پرسند، بعد از تجربه‌ی دوران مجازی و کلاس برخط با تلفن همراه یا رایانه، حالا که کلاس‌ها دارند حضوری برگزار می‌شوند، آیا تلفن همراه هم در کلاس‌ها جای دارد یا نه؟ آیا بچه‌ها اجازه‌ی داشتن تجهیزات فناورانه‌ی مثل موبایل یا تبلت را در کلاس حضوری داشته باشند، یا باز هم برگردیم به روال چندسال پیش؟

هر وقت این بحث پیش می‌آید، موضوع داغ می‌شود و مخالفان و موافقان لب به سخن باز می‌کنند. نظرات همکاران چند استان، از جمله استان قزوین را در اینجا می‌آوریم. شما با کدام موافقت می‌کنید؟

خانم ملیحه اسپرورینی‌ها

استفاده از این وسیله نوعی وابستگی در دانش‌آموز ایجاد می‌کند و موجب می‌شود فرد مدام در پی برقراری تماس یا فرستادن پیامک‌های غیرضروری به دیگران باشد. همچنین، دانش‌آموزان می‌توانند تصویرهایی را با یکدیگر مبادله کنند که از اثربخشی آموزش‌ها در حوزه‌های اخلاقی و اجتماعی بکاهد. راه تقلب و سستی هم در برخی از دانش‌آموزان باز می‌شود. در ضمن، داشتن تلفن همراه به نوعی چشم و هم‌چشمی هم تبدیل شده است. گاهی اوقات هم والدین برای اینکه نبودشان در کنار فرزندشان حس نشود و بیشتر به کارهای خود برسند، برای او تلفن همراه تهیه می‌کنند.

مخالف

خانم ملیحان

مدیر دبستان غیردولتی مشکات
در کلاس حضوری دیگر نیازی به داشتن موبایل و تبلت نیست، چون باعث حواس‌پرتی می‌شود. با موبایل، کلاس کیفیت لازم را ندارد و دانش‌آموز فقط جسمش در کلاس است. ولی برعکس، داشتن موبایل و اینترنت و لپ‌تاپ را برای معلم لازم و ضروری می‌دانم؛ به خصوص در کلاس‌های هوشمند. البته برای استفاده از این ابزارها باید شرایط مناسبی هم فراهم باشد؛ مثل تجهیز مدرسه به ابزارهای هوشمند؛ آموزش فرهنگ استفاده‌ی درست از این ابزارها؛ وجود برنامه‌ای منسجم و کاربردی برای پیشبرد اهداف.

محمد صادقی

آموزگار پایه‌ی ششم
هدف کلاس حضوری ارتباط بیشتر با دانش‌آموزان است و وجود گوشی و تبلت مانع این ارتباط، به خصوص در کلاس درس، می‌شود.

مخالف

رقیه محمدشریف‌ها

آموزگار دبستان رودباری
همراه داشتن موبایل ممکن است آسیب‌های اخلاقی جبران‌ناپذیری به دانش‌آموزان وارد کند، مگر آنکه وسیله‌ای را بتوان جایگزین کرد که محتوای آن قابل کنترل باشد.

مهدی بیگناه

مدیر مدرسه‌ی شهید فهمیده
اگر کلاس‌ها حضوری باشند، نیازی به استفاده از گوشی یا تبلت نیست، زیرا این ابزار بیش از اینکه سود و منفعت داشته باشد، ضرر و زیان دارد.

مخالف

علی غیبی

مدیر دبستان علامه دهخدا
اکثر خانواده‌ها قدرت خرید گوشی مستقل برای بچه‌ها را ندارند. معلم در کلاس نمی‌تواند بر همه‌ی بچه‌ها نظارت داشته باشد. همراه داشتن گوشی تمرکز دانش‌آموز و معلم را بر هم می‌زند. اختلاف طبقاتی (مالی) در بین بچه‌ها کاملاً مشهود خواهد شد. احتمال گرایش بچه‌ها به سایت‌های غیراخلاقی بالاتر خواهد رفت. به طور قطع، هر روز شاهد آسیب دیدن گوشی‌های زیادی در مدرسه خواهیم بود که اعتراض اولیا را هم در پی خواهد داشت. نمی‌توان همه‌ی اولیا را متقاعد کرد فرزندشان همراه خود گوشی به مدرسه بیاورد.

مخالف

رقیه افرازاده

مدیر دبستان پسرانه‌ی شهید غنچه
نباید به دانش‌آموزان دبستانی موبایل داده شود، چرا که آگاهی ندارند و خوب و بد را از هم تشخیص نمی‌دهند.

داشتن تلفن همراه یا تبلت به کنترل و نظارت دقیقی نیاز دارد که در کلاس‌های با حجم بالای دانش‌آموز برای معلمان سخت خواهد بود. استفاده‌ی نادرست از تلفن همراه هم مشکلاتی مانند افت تحصیلی و کاهش آموزش را در پی دارد.

اشرف رزازیان

مدیر دبستان میرعماد

زمانی که تخته‌های هوشمند وارد کلاس‌ها شدند، قرار بود در کنار استفاده از آن‌ها، تبلت‌هایی هم به دانش‌آموزان داده‌شوند تا ارتباط یکسویه نباشد. تا زمانی که فرهنگ‌سازی نشود، داشتن گوشی برای بچه‌ها ضرورت ندارد.

مزگان بیات

مدیر دبستان شهید غفاری البرز
داشتن گوشی در کلاس‌های
حضوری در تمام ساعت‌های درسی
درست نیست. می‌توان ساعت‌هایی از
برنامه‌ی درسی را به فعالیت درسی
همراه با گوشی اختصاص داد تا
معلم در کنار تدریس، کلیپ‌ها و
موارد مربوط به آموزش درس را
برای دانش‌آموزان بارگذاری کند
تا دانش‌آموزان هم با نظارت معلم
فعالیت مربوط را انجام دهند.
همین‌طور، معلم می‌تواند از قبل
فیلم تدریس خود را در منزل آماده
و در کلاس بارگذاری کند. متأسفانه
در اکثر مدرسه‌ها، در پایه‌ی ششم،
به خاطر نبود امکانات، درس کار و
فناوری در ارتباط با رایانه جدی کار
نمی‌شود و این موقعیت بهترین زمان
برای پرکردن این ضعف آموزشی
است. در پایه‌های پایین، به‌خصوص
پایه‌ی اول، می‌توان از کلیپ‌های
بازی در آموزش استفاده کرد که
با بودن گوشی در کلاس درس،
آموزش با بازی و نشاط همراه خواهد
بود. معلم می‌تواند آرشپو درسی
درست کند تا مطالب درسی همیشه
در اختیارشان باشد.

زهرا اصغری

مدیر دبستان دانا
دانش آموزان در دوره ی ابتدایی، به خصوص دوره ی اول ابتدایی، توانایی حفاظت از اموال گران قیمت را ندارند. پس به صلاح نیست، در دوره ی دوم ابتدایی نیز ابتدا باید فرهنگ سازی صورت گیرد و قوانین و مقرراتی برای استفاده از گوشی و تبلت گذاشته شوند و مسئولیت نگهداری از وسایل هم برعهده ی خود دانش آموزان باشد. در ضمن، باید در نظر داشت، دانش آموزانی که در شهر هستند و از کودکی با گوشی و تبلت بزرگ شده اند، شرایط متفاوتی با دانش آموزانی روستایی دارند که امکانات چندانی نداشته و ندارند.

موافق

حسینی

مدیر دبستان راهیان نور

در طول این مدت، استفاده‌ی دانش‌آموز از گوشی‌های هوشمند و تبلت و تجهیزات فناورانه‌ی دیگر، در کنار همه‌ی کاربردهایش، یک فایده‌ی مهم داشت و آن شکستن تابوها و دیوارهایی بود که دور فناوری آموزشی و دانش‌آموزان کشیده شده بود. حال که این دیوارها شکسته شده‌اند، چه بهتر که با استفاده از اینترنت و همچنین فضای مجازی و قراردادن اطلاعات به‌روز در اختیار دانش‌آموزان و اولیایی که هم‌اکنون با نحوه‌ی استفاده از فناوری‌ها آشنا شده‌اند، آموزش را از حالت یکسویه و صرف به آموزش تعاملی در محیط‌های یادگیرنده تبدیل کرد.

ام فریبا یرلی

آموزگار دبستان شهید حسن طاهر خانی
آموزش همراه با ابزارهای فناورانه،
هم به تنوع آموزشی و ایجاد
انگیزه و هم به پیشرفت تحصیلی
دانش آموزان کمک می کند. بهتر
است در وهله اول طرز استفاده ی
صحیح از فضای مجازی و ابزارهایی
مانند تلفن همراه و تبلت آموزش
داده شود و بعد بفرایندی آن را در
اختیارشان قرار داد. این امر نیازمند
صبر، حوصله و آموزش به مربیان
و اولیاست.

موافق

مریم کریمی

مدیر دبستان شهید اشرفی اصفهانی
بهتر است از تجهیزات و تبلت
استفاده شود، ولی به شرط استفاده از
اینترنت محدود و پرسرعت و رایگان.

سولماز داداشزاده

مدرسه‌ی شهید خوبینی‌ها
ورود ابزار هوشمند اجتناب‌ناپذیر
است؛ با وجود تمام معایب این کار. به
نظر می‌رسد باید تغییراتی اساسی در
نگرش مدیریتی مدیران کل و جزء
به وجود آید تا همسو با این پدیده،
در مسیر رسیدن به اهداف آموزشی و
پرورشی گام نهیم. در غیر این صورت
دچار مشکل خواهیم شد.

موافق

نعمتی

مدیر دبستان شهید مسعود پرویز
با مطالعه و لحاظ کردن مزایا، معایب،
تهدیدها و فرصت‌های استفاده از
تجهیزات فناوریانه و با در نظر گرفتن
آسیب‌هایی که در زمینه‌های پزشکی،
الکترومغناطیسی، روحی، روانی،
اعتقادی، اخلاقی و رقابت در داشتن
گوشی بهتر، حواس‌پرتی، تقلب و
غیره مطرح است، از پایدی سوم به
بعد در مدرسه موافق همه‌رداشتن
گوشی هستم. مدرسه نباید تافته‌ی
جدابافته‌ای از جامعه باشد. اتفاقاً
مدرسه جایی است که دانش‌آموز
باید چربی و چگونگی استفاده از این
تجهیزات، آموزد.

فرزانه وحیدی

مدیر دبستان حجت بن الحسن
این ابزار در آموزش بهتر، هم به
معلمان و هم به دانش آموزان، کمک
خواهد کرد؛ از دوره‌ی دوم ابتدایی،
در کلاس‌های حضوری، داشتن
موبایل بدون مانع است.

علم عملی



احمد رضا اعرابی
دبیر فیزیک

برای رشد آموزش باشد، نه مچ گیری یا خدای نکرده انتقام گیری. این قبیل آزمون ها ترس از مدرسه و تحصیل را در اعماق وجود دانش آموز می کارد و نتیجه ی آن اضطرابی عمیق است که در زندگی روزمره ی او خود را نشان می دهد. چه بسیار نوجوانان با استعدادی بودند که تنها برای کم آوردن چند نمره دوباره یک سال دیگر در کلاس محبوس می شدند. بسیاری از آن ها این مراحل را تاب نیاوردند و گریز از مدرسه را تنها راه حل دیدند. به یاد دارم بدون آنکه معنی آبرفت را بفهمم، فقط جملاتی حفظ شده را تحویل معلم می دادم. بین آنچه حفظ کرده بودم و آبرفت واقعی فرسنگ ها فاصله بود و امروز که خاطراتش را مرور می کنم، از تأسف و اندوه پر می شوم.

در ادامه راهکارهایی را ارائه می کنم که از طریق آن ها فرایند آموزش در آزمون تکمیل شود.

● همان گونه که بهتر است گروهی آموزش دهیم، خوب است گروهی نیز آزمون بگیریم. بدون آنکه نامی از امتحان ببریم، از کودکان بخواهیم درس را برای یکدیگر توضیح دهند و دقت کنیم کدام یک بهتر این کار را انجام می دهند.

● با کودک در تعامل باشیم. تعامل با کودک مهم ترین نکته در فرایند آموزش و آزمون است. سؤال های حفظی و کلی باعث مرگ آموزش و آزمون می شوند. توجه فرمایید آزمون ادامه ی آموزش است نه فرایندی جدا.

● سعی کنیم در حین آموزش، موارد موازی بسیاری را به کودک یاد دهیم و تشویقش کنیم که آن ها را حل کند، سپس در فرایند امتحان

چندی پیش یکی از دوستان نمونه سؤال هایی را برایم فرستاد که برای دانش آموزان پایه ی سوم ابتدایی طراحی شده بودند. با دیدن آن ها ناگهان شوکه شدم و این مسئله ها به ذهنم راه یافت که چرا این پرسش ها به جای بررسی ابتکار و هوش علمی دانش آموز، تنها حافظه ی او را هدف گرفته اند و از طریق آن ها هیچ تعاملی با کودک صورت نمی گیرد؟ و اینکه در واقع آزمون مفیدی که باعث اضطراب کودک نشود، چه ویژگی هایی دارد؟ در این گفتار به این موضوع می پردازیم.

اگر سؤال های امروز ما دانش آموز را با غولی به نام «امتحان» روبه رو کند، دیگر نمی توانیم در دوره ی نوجوانی و حتی جوانی به او بگوییم از آزمون هراس نداشته باشد. در سال های دور عامل بسیاری از ترک تحصیل ها، آزمون هایی با محتوایی کاملاً حفظی بودند که بسیار سخت گیرانه طراحی می شدند و تنها ذهن دانش آموز را از مطالبی انباشته می کردند که ارتباطی با موضوع تدریس شده نداشت. توجه کنید آزمون باید



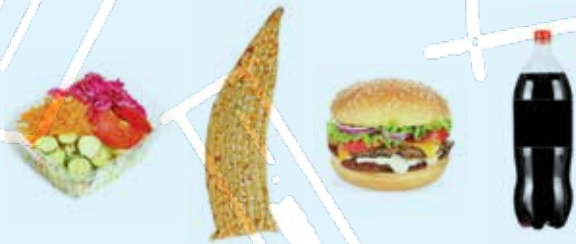
توجه کنید ساده‌ترین پاسخ شکل شماره‌ی (۱) است، ولی هستند کودکانی که به شکل‌های (۲) و (۳) نیز توجه کرده‌اند.

نمونه‌ی دوم: بهداشت فردی

هر یک از کارهای زیر را چند وقت یک بار باید انجام دهیم؟
۱. مسواک زدن؛ ۲. حمام رفتن؛ ۳. غذا خوردن؛ ۴. خوابیدن.

نمونه‌ی سوم: شناخت مواد غذایی مفید و غیرمفید

دور غذاهای مفید دایره و دور غذاهای غیرمفید مثلث بکشید.



از موارد موازی و تعریف‌ها و راه‌حل‌هایی پرسش به عمل بیاوریم که خود او ارائه داده است. پیدا کردن نکته‌های اشتباه بین تعدادی از سؤال‌های درست به احتمال قوی می‌تواند آزمون خوبی برای کودک باشد، زیرا ذهن در این نوع آزمون به شدت فعال می‌شود. این کار را حتی می‌توان در آزمون‌های خیلی جدی مانند ریاضی و علوم هم انجام داد. به نظر نگارنده دانش آموز در به دست آوردن اشتباه تقسیمی که روی کاغذ نوشته شده است، بیشتر درگیری و اشتغال ذهنی پیدا می‌کند.

● از سؤال‌هایی با عنوان «فلان چیز را به طور کامل توضیح دهید یا تعریف و اثبات کنید»، استفاده نکنیم. این نوع سؤال‌ها از نازل‌ترین روش‌های امتحان حتی در سنین بالاتر است. در عوض، قرار دادن جای خالی در جمله‌ها یا رسم شکل‌هایی که ایراد دارد یا اتصال دادن سؤال با پاسخ درست از آزمون‌های مناسبی است که به دانش آموز کمک می‌کند. در درس‌های عملی، مانند علوم، فرایند عمل دانش آموز از همه چیز مهم‌تر و فراتر است.

● از آزمون‌های تعاملی بهره ببریم. در این آزمون‌ها معلم در کنار دانش آموز و همراه او شروع به حل مشکلی می‌کند، سپس کنار می‌ایستد و به چگونگی حرکت دانش آموز توجه می‌کند و مهارت‌های او را می‌سنجد، این نوع آزمون از بهترین نوع آزمون‌هاست. با ذکر خاطره‌ای از بهترین آزمون دوران تحصیل این گفتار را به پایان می‌برم. دکتر اهرابی، استاد درس پلاسما می‌باشد که در دانشگاه تهران بود. برخلاف بقیه‌ی استادها که انواع حافظه‌های ما را می‌آزمودند، برگه‌ای که در آزمون به ما داد، خروجی از دستگاهی بود که میزان فشار، دما و چگالی پلاسما در آن درج شده بود. سپس گفت: «بروید و هفته‌ی بعد وضعیت پلاسما و نمودارهای مربوط به آن را برایم بیاورید.» هیچ‌گاه این آزمون و نتایج آن را فراموش نخواهم کرد.

بررسی کتاب علوم تجربی پایه‌ی اول

در کتاب علوم پایه‌ی اول، «پرورش دید دقیق دانش آموز به اطراف و پدیده‌های ساده‌ی پیرامونش» مطرح است. همچنین کتاب به «بهداشت فردی دانش آموز» نیز توجه دارد و «تفاوت موجود زنده و غیرزنده» را برای کودک توضیح می‌دهد و در آخر به «بررسی پدیده‌ی فیزیکی مغناطیس» می‌پردازد. به عنوان مبحث تکمیلی کتاب درسی می‌توانید زمینه‌های این صفحه را پویش (اسکن) کنید و در کلاس درس از آن‌ها بهره ببرید.

من نمونه سؤال‌هایی را هم برایتان آورده‌ام.

نمونه‌ی اول: سنجش دقت کودک در فرایند دیدن

اگر دایره‌ای را مقابل نور خورشید قرار دهیم، کدام یک از شکل‌ها سایه‌ی جسم را نشان می‌دهد؟



نمونه‌ی پنجم: ارتباط اجسام مربوط به درس‌های آب، خاک و آهن را کدام شکل‌ها به هم مربوط هستند؟ آن‌ها را با خط به هم وصل کنید.



بدیهی است همکاران محترم می‌توانند سؤال‌های بهتری طرح کنند، به گونه‌ای که فرایند آموزش را در آزمون کامل کنیم، نه آنکه فقط حافظه‌ی کودک را بیازماییم و ذهن او را از مفاهیم حفظی انباشه کنیم.

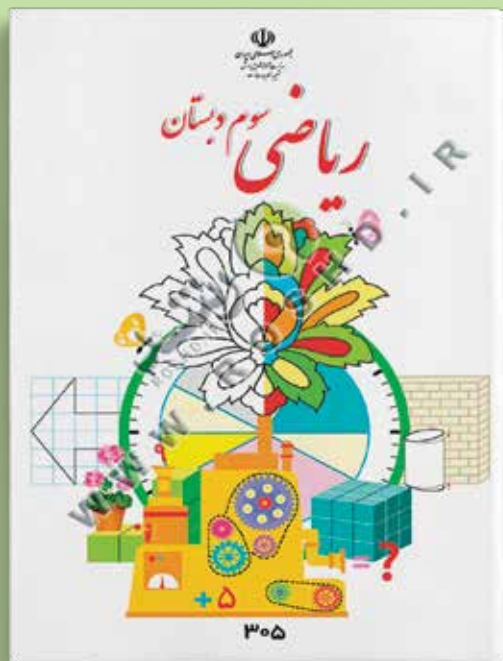
تغییر حسابی



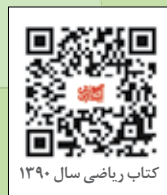
بهزاد قبالو

متخصص ریاضی دوره‌ی ابتدایی

در هر نظام آموزشی مهم‌ترین منبع یادگیری، کتاب درسی است. با استقرار نظام آموزشی سه - سه - سه از سال ۱۳۹۰، محتوای کتاب‌ها در دوره‌ی ابتدایی به‌طور کامل تغییر کرد. کتاب‌های ریاضی ابتدایی از لحاظ چیدمان نیز تغییر صددرصدی را تجربه کردند. این چند خط، به‌صورت اجمالی، تغییرات کتاب‌های ریاضی را بررسی می‌کند.



کتاب ریاضی سال ۱۴۰۰



کتاب ریاضی سال ۱۳۹۰

نحوه‌ی چیدمان

کتاب‌های درسی ایران طبق شیوه‌نامه‌ی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی وزارت آموزش و پرورش سه بخش دارند:

۱. مقدماتی؛ مقدمه یا پیش‌گفتار و فهرست؛
۲. میانی؛ فصل‌ها، واحدهای یادگیری، تمرین‌ها؛
۳. پایانی؛ پیوست‌ها، منابع و مآخذ.

بیشترین سهم در محتوا به بخش میانی مربوط است. قسمت میانی که متن کتاب درسی است، از دو جنبه بررسی می‌شود:

- محتوایی؛ محتوایی که در متن کتاب درسی آورده می‌شود؛

- سازمان‌دهی؛ چگونگی سازمان‌دهی محتوا در متن کتاب درسی.

در کتاب‌های نونگاشت، محتوای کتاب ریاضی از سند «استانداردهای آموزش ریاضیات مدرسه‌ای، ۲۰۰۰» مربوط به «انجمن ملی معلمان ریاضی» (NCTM) تأثیر گرفته است.

استانداردهای محتوایی از دیدگاه NCTM شامل پنج موضوع کلی هستند: عدد و عملیات؛ جبر؛ اندازه‌گیری؛ هندسه؛ تحلیل داده‌ها و احتمال.

محتوای ریاضیات دوره‌ی ابتدایی طبق این پنج موضوع کلی چیده شده است. به همین دلیل، در کتاب‌های پایه‌های دوم، چهارم، پنجم و ششم، به‌صورت آشکار و در پایه‌ی اول به‌صورت پنهان، فصل‌های اول درباره‌ی عدد و الگو، و فصل‌های آخر درباره‌ی آمار و احتمال هستند. کتاب پایه‌ی سوم کمی فرق دارد و فصل آخر آن به ضرب مربوط است. این در حالی است که در گذشته ساختار چیدمان دانش موضوعی از این نظم پیروی نمی‌کرد.

فرایند آموزش

از طرف دیگر، نقش محتوا در فرایند آموزش ریاضی بسیار مشهود است. استاندارد فرایند آموزش ریاضی به این ترتیب است که در ابتدا مفهوم از طریق حل مسئله در ذهن دانش‌آموز شکل می‌گیرد؛ یعنی دانش مفهومی. سپس به دانش رویه‌ای پرداخته می‌شود و پس از آن استدلال و اثبات، گفت‌وگو و ...

در گذشته، معلمان برای آموزش ریاضی در ابتدایی، به رسیدن به تکنیک تأکید می‌کردند. آن‌ها همچنین برای مفهوم‌سازی

به‌طور دقیق همین اتفاق افتاده است. با توجه به پنج استاندارد محتوایی که انجمن ملی معلمان ریاضی (NCTM) مشخص کرده‌اند، در هر فصل، درس یا صفحه، یکی از حوزه‌های محتوایی ریاضیات در مرکز قرار می‌گیرد و سایر حوزه‌ها با آن درهم‌تنیده و تلفیق می‌شوند. برای مثال، هندسه در کنار اعداد و عملیات و اندازه‌گیری ارائه می‌شود یا در آمار و احتمال، از اعداد و عملیات بهره گرفته می‌شود.

مزیت این نوع ارائه نسبت به ارائه محتوا به صورت مجزا و قطعه‌قطعه این است که دانش‌آموزان مطالب را با ماندگاری بیشتری درک می‌کنند و معلمان به تکرار و تمرین بیشتر فرایند آموزش نیاز ندارند. برخلاف آنچه گفته شد، در گذشته چیدمان محتوا برطبق استانداردهای محتوایی NCTM و به‌صورت درهم‌تنیده نبود، بلکه به‌صورت قطعه‌قطعه‌های مجزا در محتوای کتاب دیده می‌شد که پیامد آن متوالی نبودن مطالب و ماندگاری کم مفاهیم درسی در ذهن دانش‌آموزان بود. در واقع، آموزگار با ابزارهایی مثل تکرار تمرین و آزمون‌های متوالی و نتیجه‌محور، برای معناداری مفاهیم ریاضی تلاش می‌کرد.

به این ترتیب، بیشترین تلاش‌های یادگیری، نه در خدمت دانش موضوعی، بلکه در راستای کاربردی کردن دانش موضوعی قرار می‌گیرد، چرا که پیامد آن بالابردن انگیزه و لذت یادگیری ریاضی است.

حوزه‌ی ارزشیابی

در گذشته ابزارهای لازم برای فرایند ارزشیابی، آزمون‌های مدادی کاغذی بودند، زیرا هدف از سنجش، اندازه‌گیری میزان رسیدن به اهداف آموزشی بود. به همین دلیل، ارزشیابی به‌صورت سؤال‌های کتبی و در قالب واژه‌هایی مانند جمع کنید، مقایسه کنید و شکل بکشید محدود می‌شد و سؤال‌ها نتیجه‌محور بودند. اما در کتاب‌های نونگاشت، محتوای ارزشیابی به‌شکل سؤال‌ها و مسئله‌های فرایندمحور، عقیده‌محور، نتیجه‌محور و بازپاسخ است. البته و سه نوع اول در محتوا حضور پررنگ‌تری دارند

با این اوصاف، متأسفانه تفکر بعضی آموزگاران و اولیا در طراحی آزمون‌ها، تکالیف و نمره، هنوز بر تکرار و تمرین و برگزاری آزمون‌های متعدد استوار است.

۱۳۶۱. این چیدمان دشوار با زمان سال تحصیلی و توزیع تعطیلات در کشورمان، به دلیل آمایش سرزمینی، هماهنگ نبود. برای مثال، بیشترین تعطیلی و فاصله‌ی آموزشی در اواخر اسفندماه و سیزده روز بهار است. حال و هوای این روزهای آخر سال تحصیلی، میزان یادگیری مفاهیم دشوار را در عمل تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

بودجه‌بندی

با پیروی از این چیدمان محتوا، بودجه‌بندی هم تغییر یافت. در گذشته، به دلیل تعریف دقیق زمان و کاربرد آن در تدریس، عناصر درس در طرح درس‌ها و ساعت‌های آموزشی به دقیقه تعریف شده بودند و انعطاف لازم را نداشتند، اما در بودجه‌بندی کتاب‌های نونگاشت، بین یک تا دو هفته، آموزگار این اختیار را دارد که از بودجه‌بندی جلوتر باشد یا عقب‌تر.

کاربردی کردن مفاهیم ریاضی و نحوه تعامل با دیگر درس‌ها



این پاکت شیر که در مرکز میز قرار دارد، با مفاهیمی همچون حجم، لیتر و جرم ارتباط نزدیک دارد. همچنین، از طریق شهر مربوط به محل تولید شیر و استان و مرکز آن، با درس جغرافیا ارتباط برقرار می‌کند، یا به‌واسطه‌ی زمان تولید، انقضا و تاریخ مصرف این محصول با مفاهیم درس تاریخ مرتبط می‌شود و همین‌طور است رابطه‌اش با سایر درس‌ها.

امروزه در محتوای کتاب‌های درسی ریاضی،

از روش مجسم و نیمه‌مجسم و برای بهتر یادگرفتن و معنا بخشیدن به دانش موضوعی ریاضی، از ابزار تکرار و تمرین با وسایل از پیش ساخته‌شده استفاده می‌کردند. به همین دلیل، حجم تکلیف و نوشتار بسیار زیاد بود و انجام آن‌ها هزینه‌ی سنگینی را بر گردن دانش‌آموز می‌گذاشت.

در پایان کتاب نیز تعداد زیادی مسئله و سؤال به چشم می‌خورد. البته، از دهه‌ی هفتاد به بعد، مؤلفان تعدادی از مسئله‌های آخر کتاب را متناسب با ترم و زمان ثلث‌ها (ثلث‌های اول، دوم و سوم) به وسط کتاب آوردند. به تبع این اصل، پدیده‌هایی مثل کلاس‌های جبرانی و فوق‌برنامه ظهور پیدا کردند.

اما کتاب‌های امروزی ریاضی، به مرحله‌ی اول از فرایند آموزش ریاضی (مفهوم‌سازی دانش ریاضی) تأکید دارند.

در نظریه‌ی سازنده‌گرایی، چیدمان محتوا به‌گونه‌ای است که برای مفهوم‌سازی باید از زمینه‌های تجربی دانش‌آموزان نسبت به دانش ریاضی استفاده شود. به همین دلیل، رویکرد تم‌محور^۱ یا زمینه‌محور (تماتیک) در چیدمان محتوا حضور پررنگ دارد.

رابطه‌ی تم‌محور این گونه است:

یادگیری ریاضی = دانش موضوعی + تجربه‌ی محیطی یا زندگی

بر این اساس، در پایه‌ی اول، در شروع تم‌ها، فصل‌ها و درس‌ها و در پایه‌های دیگر تصویرها و فعالیت‌ها از محیط زندگی آورده شده‌اند.

این چیدمان نقش معلم را به‌عنوان مشاور و راهنما در فرایند یادگیری تعریف می‌کند و آموزگاران باید در تدریس ریاضی، عامل‌های اول و دوم (مفهوم‌سازی و رسیدن به تکنیک) را در رویکرد تم‌محور به هم ارتباط دهند. بهترین ابزار برای معناداری ریاضی، استفاده از موقعیت‌های واقعی است نه فقط تکرار و تمرین. مثال بسیار خوب در این زمینه، سوال دوم صفحه‌ی ۹۳ در کتاب ریاضی پایه‌ی ششم است. در این سؤال، دانش‌آموز ریاضی را در مثالی ملموس از زندگی واقعی درک می‌کند.

چیدمان مباحث دشوار کتاب

در گذشته حجم گسترده و سنگینی از مفاهیم ریاضی در میانه یا آخر کتاب بود؛ مانند مباحث دایره در پایه‌ی پنجم، سال



راز ماندگاری



اعظم لاریجانی

کلاس او باشند.

بعضی از معلم‌ها به چشم بچه‌ها ابرقهرمان‌اند؛ همان‌ها که حتی اگر در زندگی شخصی خویش روزهای بدی را می‌گذرانند، قبل از ورود به کلاس، همه را پشت در می‌گذارند و بچه‌ها قهرمانی را می‌بینند که هیچ‌وقت بی‌حوصله، ناراحت و حتی بیمار نیست. این معلم‌ها همیشه می‌دانند به‌طرف کدام کودک نیازمند حمایت بروند؛ همان کودکی که روز بدی را پشت سر گذاشته یا روز سختی در انتظارش است. آن‌ها کودکان را می‌فهمند و از آن‌ها پشتیبانی می‌کنند.

برخی از معلم‌ها پادشاه قلب بچه‌ها هستند؛ همان‌ها که محدودیت را برای هیچ دانش‌آموزی نمی‌خواهند و معتقدند همه می‌توانند موفق شوند؛ آن‌ها که نگرش مثبتی دارند و با تمام دانش‌آموزان صبوری می‌کنند.

بعضی از معلم‌ها بسیار موفق‌اند؛ همان‌ها که هیجان و لذت آموختن را برمی‌انگیزند و هر روز، کلاس انتظارشان را می‌کشد. انگیزه‌ی آن‌ها شوق یادگیری دانش‌آموزان را افزایش می‌دهد.

برخی از معلم‌ها تا آخر عمر در خاطر می‌مانند؛ همان‌ها که عاشق بچه‌ها هستند و با قلبشان از آن‌ها مراقبت می‌کنند. همان‌هایی که بالاستعداد و بی‌استعداد برایشان فرقی نمی‌کند. بی‌تاب‌اند که راه ورود به قلب هر کودک را بیابند و دانش‌آموزانشان هم در همه‌ی دوره‌های زندگی از آنان به نیکی یاد می‌کنند.

بعضی از معلم‌ها الهام‌بخش‌اند؛ همان‌ها که در زندگی دانش‌آموزانشان تغییر ایجاد می‌کنند و بچه‌ها از هر لحظه‌ی تدریستان احساس سرخوشی می‌کنند. آن‌ها که کلاسشان محلی امن و ویژه برای بچه‌هاست.

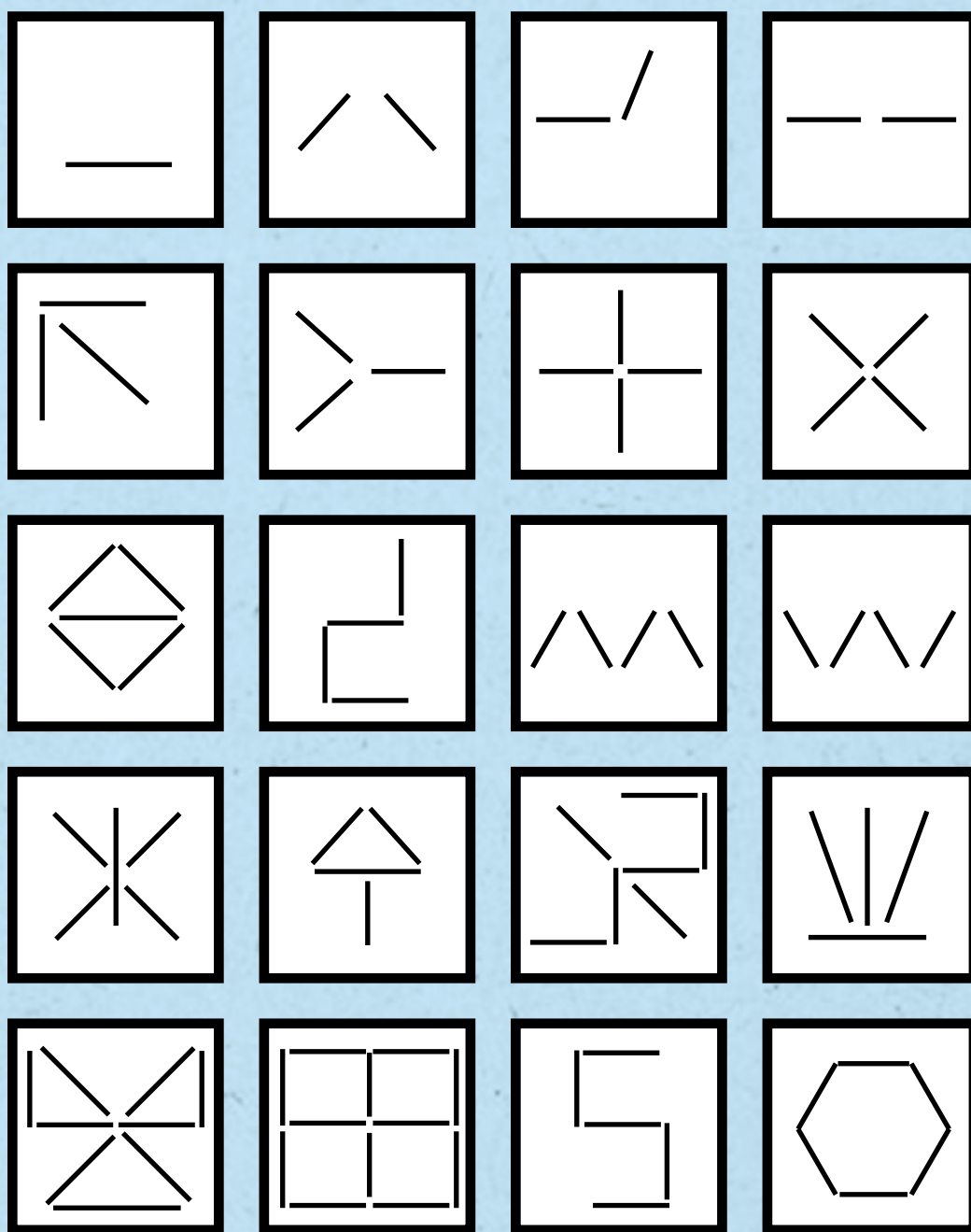
برخی از معلم‌ها در هر شرایطی راضی هستند؛ همان‌ها که کمبودها مانعشان نمی‌شود و همان‌قدر با بچه‌ها سرگرم می‌شوند که بچه‌ها با آن‌ها. معلم‌هایی که همه‌ی دانش‌آموزان مدرسه می‌خواهند در

آیندازی

دی‌ماه
دوره‌ی بیست و نهم
شماره‌ی ۴ | ۱۴۰۰

۴۸





شرح بازی را بشنوید و با
کودک بازی کنید